



دانشگاه جامع علمی کاربردی سیمان آبیک

دانشکده مدیریت و حسابداری

جزوه درس پول، ارز و بانکداری

گروه: مدیریت بازرگانی

گردآوری و تالیف: دکتر اکبر صفدری

نیمسال اول تحصیلی 92-1391

بسمه تعالی

فهرست مطالب	صفحه
1. مکاتب اقتصادی.....	3
1.1. مکتب مرکانتیلیسم.....	3
1.2. مکتب فیزیوکراسی.....	5
1.3. مکتب تاریخی.....	7
1.4. مکتب کلاسیک.....	9
1.5. مکتب نئو کلاسیک.....	11
1.6. مکتب کینز.....	15
1.7. مکتب پولی.....	18
1.8. مکتب سوسیالیسم.....	20
1.9. مکتب سرمایه داری.....	25
2. پول.....	27
2.1. تعریف پول.....	27
2.2. تاریخ پول.....	28
2.3. تاریخچه پول در ایران.....	28
2.4. نقش یا وظایف پول.....	31
2.5. انواع (تعریف عملیاتی) پول از دیدگاه بانک های مرکزی.....	32
2.6. تقاضای پول.....	33
2.7. نظریات اقتصادی در خصوص تقاضای پول.....	35
2.8. عرضه پول و عوامل موثر بر آن.....	36
5. بانک و بانکداری.....	59
5.1. پیدایش بانک در جهان.....	59
5.2. بانکداری در ایران.....	61
5.3. بانکداری اسلامی در ایران.....	75
3. تورم.....	38
3.1. تعریف تورم.....	38
3.2. هزینه های تورم.....	39

- 3.3. ماهیت تورم..... 41
- 3.4. دیدگاه ساختارگرایان در مورد تورم..... 44
- 3.5. نظریات بهره..... 45
- 3.6. منحنی فیلیپس..... 49
4. سیاست های پولی، سیاست های مالی..... 54
- 4.1. منحنی IS..... 56
- 4.2. منحنی LM..... 56
- 4.3. تعادل همزمان در بازار کالا و پول..... 56
- 4.4. سیاست های پولی و مالی و انتقال منحنی های IS و LM..... 56
- 4.5. نواحی عدم تعادل در الگوی IS-LM..... 57
- 4.6. نقد الگوی IS-LM..... 58
6. ارز..... 82
- 6.1. انواع اشکال نمایش نرخ ارز..... 82
- 6.2. اعلام نرخ ارز بوسیله بانک مرکزی ایران..... 83
- 6.3. بازار ارز : فارکس..... 83
- 6.4. عملیات در بازار ارز..... 84
- 6.5. تحلیل بازار فارکس..... 85
- 6.6. مکانیسم انجام معاملات در بازار فارکس..... 88
- 6.7. انواع تحلیل ها در بازار فارکس..... 88
- 6.8. چند مفهوم مهم بازار فارکس..... 89
- 6.9. انواع وسایل نقل و انتقال ارزی..... 90
- 6.10. انواع پیام های سوئیفتی..... 91
- 6.11. عضویت بانک های ایرانی در سوئیفت..... 91
7. روش های پرداخت در بانکداری بین الملل..... 92
- 7.1.4 روش پیش پرداخت..... 92
- 7.2.4 روش حساب باز..... 93
- 7.3.4 وصولی اسنادی..... 93
- 7.4. اعتبار اسنادی..... 94

7.5. انواع اعتبار اسنادی.....95

8. منابع.....98

1. مکاتب اقتصادی

1.1.1. مکتب مرکانتیلیسم

مرکانتیلیسم که از آن به عنوان اصحاب مکتب سوداگری نیز نام می‌برند، نحله‌ای از اقتصاددانان قرن 15 تا 18 میلادی بودند؛ که اساس ثروت و قدرت را به صورت پول، طلا و نقره می‌دانستند. از نظر آن‌ها هر جامعه‌ای که در جمع‌آوری و اندوختن طلا و نقره خوب عمل کند، جامعه ثروتمندی تلقی می‌گردد. شاید به کار بردن نام مکتب اقتصادی درباره این گروه از آراء چندان صحیح نباشد؛ چراکه میان صاحب نظران اقتصادی، اتفاق رأی وجود ندارد. بهتر است عقاید این گروه را به یک "رویه سیاست اقتصادی" و مجموعه‌ای از تدابیر مختلف به منظور هدایت فعالیت‌های اقتصادی جهت تقویت قدرت دولت تعبیر نمود. به همین سبب شاید نتوان عقاید سوداگران را به عنوان نظرات خاص اقتصادی تلقی کرد؛ زیرا هدف آن‌ها هدف واقعی علم اقتصاد (یعنی رفاه انسانی) نبوده؛ بلکه تحکیم مبانی قدرت دولت بوده است.

1.1.1.1. سیر تحول فکری

تحولات قرون 15 و 16، بسیار حائز اهمیت بوده است. بعد از تسلط اروپا به دریای مدیترانه و توسعه روابط بازرگانی با خاورمیانه، دوره‌ی اقتصاد بسته سپری شد. اختراع ماشین چاپ، اکتشافات امریکا و دسترسی به هندوستان از طریق آفریقا امکان توسعه فعالیت‌های اقتصادی و علاقمندی به مال و ثروت را تسریع کرد. از یک طرف، کشف سرزمین‌های جدید و معادن فلزات گران‌بها و از طرف دیگر، از نظر افکار، تغییرات مهم اخلاقی و سیاسی در اروپا به وقوع پیوست. رنسانس و رفرم مذهبی، نحوه فکر جامعه اروپایی را دگرگون کرد و فعالیت اقتصادی، بدون توجه به عوامل مذهبی و اخلاقی، مورد بررسی قرار گرفت و علاقمندی به مادیات و گردآوری

ثروت، هدف فعالیت‌های اقتصادی شد. این مکتب در قرن هجدهم رواج داشت و بیشترین نقش را در ایجاد خصلت خصومت، رقابت و استثمار در نظام اقتصاد سرمایه‌داری داشته است.

1.1.2. پیشتازان این مکتب

در فرانسه: کلبر (Colbert)) و ژان بدن (Jean Bodin) در انگلستان: توماس مان (Thomas man) الیزابت اول (Elisabeth1) و کرمول (Cromwell) در هلند: دلاکورت (de la court) می‌باشد که از نظریه‌پردازان و مجریان سیاست‌های اقتصادی مرکانتیلیسم بودند.

افکار اندیشمندان این مکتب را در دو قسمت می‌توان بررسی کرد:

الف- عقاید سوداگران اولیه که به‌طور نسبی جایگاهی ایستا دارد و تأثیر چندانی بر توسعه اقتصادی سیاسی نداشته است.

ب- افکار سوداگران ثانویه است که در تکامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد کلاسیک نقش‌آفرین بوده است.

1.1.3. مبانی اساسی مکتب سوداگری

طلا و نقره به‌عنوان منابع ثروت اقتصادی؛ سوداگران، طلا و نقره را بهترین شکل ثروت اقتصادی می‌دانستند و تمام قدرت خود را برای به‌دست آوردن این فلزات گران‌بها صرف می‌کردند. آنان معتقد بودند که ثروت و قدرت اقتصادی شرط لازم قدرت سیاسی برای تشکیل مستعمرات است. این موضوع سوداگران، یک دکترین پولی بود؛ به این معنی که فلزات گران‌بها به‌منزله "ثروت ملی" تلقی می‌شد و تمام فعالیت‌ها برای کسب آن تنظیم می‌شد.

سیاست موازنه بازرگانی؛ این مفهوم، از مهمترین ابزار تحلیل اقتصادی است که به‌وسیله متفکران سوداگران گسترش پیدا کرد. مثبت شدن تراز تجاری که به‌نوبه خود، موجب مثبت شدن تراز پرداخت‌ها می‌شود، از دید

مرکانتیلیسیم منجر به جاری شدن طلا از کشورهای بیگانه به داخل کشور گردیده است؛ که هم‌زمان موجب ضعف مالی آن کشورها و افزایش قدرت در کشور خودی می‌شود. بر همین اساس مرکانتیلیسیم بر ممنوعیت سه زمینه تأکید داشتند: ورود کالای ساخته‌شده، صدور مواد خام و مهاجرت نیروهای خارج. در مقابل، بر سه زمینه هم تأکید دارند: صدور کالای ساخته‌شده، ورود مواد خام و فراهم کردن زمینه برای جذب نیروهای متخصص به داخل کشور.

سیاست گمرکی و تحصیل ثروت؛ سوداگران عقیده داشتند که اگر کشوری قادر به تولید مواد خام در داخل نباشد، باید بدون حقوق گمرکی این مواد را از خارج وارد کند. از طرفی آن‌ها طرفدار سیاست حمایتی از اقتصاد ملی بودند. از این‌رو توصیه می‌کردند که دولت باید برای حمایت از تولید مواد خام در داخل کشور بکوشد و از ورود کالاهای لوکس به داخل کشور جلوگیری کند. در مورد ثروت نیز معتقدند که صرف نگهداری طلا در داخل کشور هیچ‌گاه ثروت اقتصادی را زیاد نمی‌کند؛ بلکه باید به‌صورت سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد؛ تا موجب تکاثر ثروت اقتصادی گردد.

تجزیه و تحلیل پولی؛ سوداگران از آن‌چه که بعداً نظریه مقداری پولی نامیده شد، آگاهی داشته و معتقد بودند که رشد سریع تجارت مستلزم گردش پول بیشتر در اقتصاد است. به‌عبارت دیگر بین عرضه پول و میزان فعالیت اقتصادی یک رابطه مستقیم وجود دارد. ضمناً از رابطه تغییر در میزان عرضه پول و تأثیر مستقیم آن بر سطح قیمت‌ها نیز آگاهی داشته و چنین استدلال می‌کنند که افزایش حجم پول در گردش، گاهی اوقات موجب افزایش تورم قیمت‌ها می‌شود.

نیروی کار مولد و سیاست حقیقی سوداگران؛ تولید در نظام سوداگران از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین سوداگران بین نیروی کار مولد و غیر مولد تفکیک قائل شده و مؤکداً از دولت می‌خواستند تا به‌منظور هدایت هرچه بیشتر افراد به کارهای تولیدی از عرضه کارگران غیر تولیدی بکاهد. در مورد سیاست حقیقی،

سوداگران رشد جمعیت و مهاجرت را تشویق می‌کردند. به این علت که این دو عامل برای بالا بردن میزان "جمعیت فعال" در اقتصاد موثر است. این سیاست، برای بالا بردن حجم اشتغال در موارد ضروری، جلوگیری از تورم و تداوم سالم فعالیت‌های اقتصادی، یک "سیاست حقیقی" شناخته می‌شد.

دولت مرکزی و بازرگانی داخلی و خارجی؛ سوداگران برای تنظیم امور بازرگانی طرفدار یک دولت نیرومند مرکزی بودند. آن‌ها به صداقت افراد در بازرگانی داخلی ایمان نداشتند و برای توسعه بازرگانی، دخالت دولت را لازم می‌دانستند. به نظر سوداگران، دولت مرکزی وظیفه داشت که به مؤسساتی که در کار تجارت خارجی هستند، امتیازات انحصاری بدهد، برای جلوگیری از رقابت آزاد بکوشد و بالأخره کشاورزی و استخراج معادن و صنعت را با اعطای امتیازات مالی توسعه ببخشد.

1.2. مکتب فیزیوکراسی

فیزیوکراسی، در لغت به معنی تسلط طبیعت در اصطلاح، آموزه اقتصاد ملی طبیعت می‌باشد. این کلمه، از دو واژه یونانی *physis* یا طبیعت و *kratos* یا قدرت طبیعت مشتق می‌شود. فیزیوکرات‌ها با نام‌های "طبیعیون" و "ارضیون" نیز شناخته می‌شوند. فیزیوکراسی در تاریخ عقاید از دو جنبه قابل بررسی است:

از جنبه اول، فیزیوکراسی به معنی حکومت فیزیوکرات‌ها بر اساس قانون طبیعی است. روی این اصل، "قانون طبیعی"، اساس تفکر علمی را در این مکتب تشکیل می‌دهد. این مکتب در قرن 18 و هم‌زمان با پیشرفت فنون و علم مکانیک به وجود آمد. پس از فروپاشی نسبی سوداگرایان و در آستانه سال 1756 زمینه‌های ظهور مکتب طبیعت‌گرایان در فرانسه، به همراه اندیشه‌های دکتر کنه فراهم شد و در همان سال، اولین مقاله‌ی اقتصادی از وی منتشر شد. یکی دیگر از زمینه‌های ظهور فیزیوکرات‌ها، اندیشه‌های سنتی فئودالیسم و ناکارآمدی ناشی از دخالت وسیع دولت در اقتصاد، زمینه را برای به وجود آمدن فیزیوکرات‌ها آماده کرد. نظام طبیعی، اساس فکر سیستم فیزیوکرات‌ها بود. نظام طبیعی یک نظام اجتماعی، که مخلوق خواسته‌ی انسان‌ها باشد، نیست؛ بلکه

نظامی است حاکم بر اجتماع بشری؛ همانگونه که قوانین طبیعی در علم فیزیک و زیست‌شناسی حاکم است. از جنبه دوم، فیزیوکراسی، عکس‌العملی در مقابل مرکانتیلیسم و عقاید اقتصادی-اجتماعی فرانسه است.

فیزیوکراسی اولین مکتب اقتصادی است؛ که به بیان قواعد علمی اقتصادی پرداخت و در شکل‌گیری اصول اولیه نظام اقتصاد سرمایه‌داری، بیش از سایر مکاتب اقتصادی اهمیت دارد. مبنای فکری این مکتب، بر پایه فلسفه "دئیسم" استوار است. براساس این فلسفه، خدا منشأ جهان هستی است. او عالم طبیعت را براساس قانونمندی‌هایی به وجود آورده، که طبق آن‌ها، به صورت خودکار به حیات خویش ادامه می‌دهد و پس از خلقت، در جریان عالم، هیچ دخالتی نمی‌کند. ارتباط خداوند با جهان هستی، مانند ارتباط ساعت‌ساز و ساعت مصروف کلیسای شهر استراسبورگ فرانسه است. فیزیوکرات‌ها با نگاه مطلق‌گرایانه‌ای که داشتند، در واقع اولین بنیان‌گذار اقتصاد کلان محسوب می‌شوند، اولین مباحث مالیه عمومی را سامان دادند، امور واقعی اقتصاد و امور مالی را تبیین کردند و در تکمیل حلقه‌های قبل از ظهور مکتب کلاسیک خیلی مؤثر بودند.

1.2.1. مهمترین متفکران فیزیوکراسی که در گسترش اقتصاد، سهم مهمی داشتند، عبارتند

از:

دکتر کنه (1694-1774)؛ فراسو کنه پزشکی بود، که به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب فیزیوکراسی معروف شده است. در سال 1756 میلادی، کنه اولین اثر علمی خود را در مورد اقتصاد در دایرةالمعارف بزرگ نوشت. او در سال 1758 میلادی، اولین تابلوی اقتصادی را که در تاریخ به‌عنوان جدول "داده-ستاده" می‌شناسند، طراحی کرد. او جریان ثروت در اقتصاد را به‌عنوان جریان گردش خون در بدن تشبیه کرده؛ که به صورت خودکار بدون نیاز به مداخله از خارج انجام می‌پذیرد. او همچنین در تابلو نشان داد، که کشاورزی، تنها مولدی است که باعث ارزش افزوده می‌شود. مفهوم نظری جدول اقتصادی آن است که تنها طبقه کشاورز، با کمک طبیعت می‌تواند "محصول ویژه" تولید کند و یک اقتصاد ایده‌آل، تنها از فعالیت‌های حمایت می‌کند، که مولد باشد.

رابرت تورگو (1781-1728)؛ او یکی از چهره‌های مشهور فیزیوکراسی است؛ که در سال 1774 وزیر دارایی فرانسه شد. او معتقد بود که دخالت دولت و پارلمان در امور اقتصادی، باید به کمترین سطح ممکن برسد و نیروی بازار می‌تواند، به‌طور خودکار، تعادل اقتصادی را ایجاد نماید. تورگو تأثیر فراوانی در اندیشه آدام اسمیت (1790-1723)، پدر علم اقتصاد، داشته است. او برخلاف کینه معتقد به حفظ قوانین ربا و تشبیت نرخ بهره توسط دولت نبود. او همچنین نقش کلیدی در تبیین قانون بازدهی نزولی دارد.

ژول دوپوئه (1817-1739)؛ او نیز در گسترش تفکر فیزیوکرات‌ها نقش دارد. وی به‌طور صریح از آزادی تجارت بحث می‌کند. آراء وی در طراحی بحث تقاضا، نشان دادن مطلوبیت و نزولی بودن شیب منحنی تقاضا، پیش از مارشال نمایان می‌شود. دوپوئه، در مجمع اندیشه‌های فیزیوکرات‌ها، حرکتی علیه اندیشه‌ی سوداگرایان محسوب می‌شود.

1.2.2. اصول مکتب فیزیوکرات‌ها

نظام طبیعی؛ یکی از پایه‌های اساسی اندیشه فیزیوکرات‌ها نظام طبیعی بود. کینه و پیروان او با استفاده از استدلال منطقی کل به جزء، به جستجوی قوانین کلی حاکم بر پدیده‌های اقتصادی پرداختند. پایه‌های این قوانین، براساس نظام طبیعی استوار بود و شرط لازم برای طرح این قوانین، به‌صورت نظری، استفاده از علم اقتصاد به‌شکل یک نظام جداگانه بود. بنابراین، فیزیوکرات‌ها اقتصاد را از دستورات مذهبی و سیاست جدا کردند و معتقد بودند که علم اقتصاد باید به‌صورت یک "علم تجربی" درآید.

تنظیم صنعت کشاورزی؛ بهبود در ظرفیت تولید در بخش کشاورزی در اجرای برنامه مالیاتی، یک مسأله مهم و اساسی بود. بر این اساس، آن‌ها پیشنهاد کردند که در فعالیت‌های کشاورزی باید بیشتر، از روش‌های سرمایه‌داری استفاده نمود. از این‌رو این سیاست جدید، ایجاب می‌نمود که تعداد زیادی از مزارع کوچک، به

کشاورزان سرمایه‌دار معدودی داده شود، تا آن‌ها بتوانند روش‌های تولیدی با صرفه‌تری را که تنها در مزارع وسیع قابل اجرا است، عملی کنند.

آزادی کسب و کار و عدم مداخله دولت؛ فیزیوکرات‌ها معتقد بودند که بر اجتماعات بشری، تعادل و توازنی حکم‌فرماست؛ که منشا آن "نظام طبیعی" است. بنابراین، بهتر است اداره امور آنان به‌طور دلخواه به خودشان واگذار گردد و تا آن‌جا که ممکن است، حق هرگونه مداخله‌ای از دولت سلب گردد. البته نباید تصور کرد، که به‌نظر آن‌ها وجود دولت بی‌هوده است؛ بلکه بدون آن زندگی اجتماعی دچار بی‌نظمی و هرج و مرج می‌شود. تنها نکته‌ای که فیزیوکرات‌ها مورد تأکید قرار می‌دادند، این بود که دولت از حدود وظایف ذاتی خود تخطی نکند و با پیروی از قوانین طبیعی، قوانین مدون تنظیم نماید.

اهمیت انباشت سرمایه؛ فیزیوکرات‌ها معتقد به ضرورت انباشت سرمایه و مولد بودن بخش کشاورزی و تا حدودی بخش معدن بودند؛ چون زمین را منشأ ثروت اقتصادی می‌دانستند. زمین خاصیت تولید اضافی به‌نام "محصول ویژه" را دارد و با طرح جدول اقتصادی، کشاورزی را عنصر اصلی در تولید می‌دانستند.

رفورم مالیاتی؛ این اصطلاح مالیاتی فرانسه در اواخر قرن هجدهم ارائه شد. از آن‌جا که فرانسه اقتصاد کشاورزی داشت و با توجه به مسائلی که بر سر راه وضع مالیات بر ثروت وجود داشت، طبیعتاً درآمد دولت می‌بایست از محل مالیات بر زمین به‌دست آید. لیکن موافق با سنت قدیم فرانسه، روحانیون از پرداخت مالیات معاف بودند. در نتیجه فشار پرداخت مالیات به طبقه کشاورز تحمیل می‌شد. فیزیوکرات‌ها پیشنهاد کردند که افراد مختلف به‌هیچ وجه نباید از پرداخت مالیات بر زمین معاف شوند. از طرف دیگر یک نوع "مالیات واحد" باید جایگزین مالیات‌های گوناگون شود. بدین ترتیب، تمام مالکین (ارباب، روحانیون و غیره)، نسبت به سهمی که از تولید "محصول ویژه" در صنعت کشاورزی دارند، باید مالیات بپردازند. منطبق آن این بود که تنها بخش کشاورزی می‌تواند مازاد تولید داشته باشد و لذا تنها باید از محصولات کشاورزی، مالیات گرفت.

تجارت؛ فیزیوکرات‌ها فعالیت‌های بازرگانی را غیر موّلد می‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند که این فعالیت‌ها صرفاً متضمن مبادله ارزش‌های مساوی است؛ بنابراین چون در تولید و خرید و فروش کالاهای صنعتی، محصول ویژه تولید نمی‌شود، چنین فعالیت‌هایی کمک نخواهند کرد. از طرف دیگر، معتقد بودند که چون در تجارت بین‌المللی تقاضای کالای کشاورزی کاهش می‌یابد، ثروت کشورها کم می‌شود؛ ولی با این حال، طرفدار آزادی در تجارت بین‌الملل بودند.

کالای لوکس؛ فیزیوکرات‌ها با مصرف کالای لوکس مخالف بودند؛ زیرا به نظر آن‌ها این امر، مانعی در سر راه انباشت سرمایه خواهد بود.

آن‌ها گردش ثروت در جامعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. دوران اوج این مکتب سال 1758 میلادی بود؛ ولی در سال 1776 با انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت (1790-1723)، پایه‌های مکتب به لرزه افتاد و می‌توان گفت این سال، سال پایانی عمر فیزیوکرات‌ها بوده است.

1.3. مکتب تاریخی

مکتب تاریخی یعنی استفاده از تاریخ در بررسی‌ها و مطالعات اجتماعی و اقتصادی است. پیشگامان این مکتب، بسیار بودند که از جمله ایشان در زمینه اقتصاد، می‌توان آدام مولر، سیسموندی، سن سیمون، آگوست کنت و فردریک لیست را نام برد. این مکتب در قرن 19 به‌ویژه در آلمان ظهور پیدا کرد. بنیان‌گذار مکتب تاریخی در آلمان ویلهلم روشر مؤلف دوره مختصر علم اقتصاد براساس روش تاریخی و اصول علم اقتصاد به‌شمار می‌رود.

1.3.1. ظهور مکتب تاریخی در اقتصاد

مکتب تاریخی با نوشته‌هایی از ویلهلم روشر¹ و فردریک لیست² در دهه 1840 آغاز گردید و با مرگ اشمولر³ در سال 1917 پایان یافت. مبنای عقاید اقتصادی این مکتب با مکتب رومانیتیک‌گرایی مرتبط است؛ که به نقد فلسفه عصر روشنگری پرداخته است. نهضت رومانیتیک‌گرایی به‌طور کلی، حرکتی عمومی علیه اندیشه‌های عقل‌گرایی و روشنگری قرون 17 و 18 شمرده می‌شود. بر مبنای این دیدگاه، اقتصاد، درجاتی از ابعاد ملی‌گرایی را دربرمی‌گیرد. این دیدگاه، اهمیت ارزش‌های فرهنگی را در زندگی اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد، و تلاش می‌کند که رابطه بین یک سری فعالیت‌های فکری و رشد نیروهای مولد را توضیح دهد. برخی عقیده دارند که آراء و نظریات این مکتب، هماهنگ نیست. از نظر این‌ها اصولا ائتلاف نام مکتب به این گروه از صاحب‌نظران و اقتصاددانان مناسب نیست. تنها وجه مشترک این‌ها به‌کار بردن روش تاریخی و نیز انتقادی است که از شیوه کلاسیک‌ها و سبک انتزاعی ایشان نموده‌اند.

1.3.2. اصول مکتب تاریخی

روش تکاملی؛ مکتب تاریخی در مطالعه جامعه "روش تکاملی" را به‌کار می‌برد. از نظر اقتصاددانان پیرو این مکتب، تکامل جامعه همانند "فلسفه تکاملی داروین" است؛ بدین معنا که جامعه همیشه در حال تغییر و تحول بوده و نظریه‌های اقتصادی که در زمان معین برای یک کشور مورد استفاده است، لزوماً نمی‌تواند در زمان معین دیگر، برای کشور دیگر مورد استفاده قرار گیرد. از این‌رو نظریه‌های مکتب کلاسیک که برای انگلستان در قرن 18 مفید بود، نمی‌تواند در قرن 19 برای آلمان معتبر باشد.

¹ (Wilhelm. Roscher)

² (Friedrich List)

³ (Schmoller)

اصلاح طلبی؛ اقتصاددانان این مکتب، به خاطر روحیه محافظه کارانه اساساً "اصلاح طلب" هستند؛ با اینکه یکی از وظایف علم اقتصاد ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی است، ولی این فعالیت‌ها باید طوری تنظیم گردد، که براساس آن تولید ملی عادلانه توزیع گردد.

تناقض در جانبداری؛ اقتصاددانان مکتب تاریخی از یک طرف به مطالعه اقتصاد از نظر تاریخی اهمیت می‌دادند و از طرف دیگر معتقد بودند که پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. مکتب تاریخی جنبه ایستا و غیر تاریخی روش استدلال قیاسی کلاسیک‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و از روش استقراء طرفداری می‌کند.

الهام از تاریخ؛ اقتصاددانان این مکتب، در مباحث خود، عمدتاً از تاریخ الهام می‌گرفتند. به همین جهت علم اقتصاد را به طور توصیفی تعبیر کردند.

تقسیم مراحل تاریخی؛ پیروان این مکتب، علاوه بر برخورد توصیفی با علم اقتصاد، توسعه تاریخی کشورها و رشد اقتصادی آن‌ها را به مراحل مختلفی تقسیم می‌کنند. آن‌ها معتقدند که علاوه بر مطالعه منطقی هر پدیده اجتماعی، باید تمامی عواملی که ماهیت اقتصادی آن پدیده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار گیرد. یکی از معروفترین روش‌های تاریخی در خصوص تفکیک مراحل رشد، بررسی روستو است؛ که به عنوان اقتصادان تاریخ معاصر، وقایع تاریخی را به پنج مرحله تفکیک کرد.

ملیت و فرهنگ، مبنای نظریه پردازی؛ آن‌ها معتقدند که برای رسیدن به هدف اساسی که همان "اقتصاد ملی" است، ابتدا باید ملیت و فرهنگ هر کشوری مبنای نظریه پردازی و سیاست‌گذاری اقتصادی قرار داده شود. تنها از این طریق است که سیاست‌گذاری اقتصادی، می‌تواند در بالا بردن سطح رفاه اقتصادی جامعه مفید و مؤثر باشد.

اهمیت دادن به نقش دولت؛ اگر اجتماع، مرکز مطالعه باشد و اگر ارگانیزم اجتماع نیروی محرکه دینامیک به حساب آید، در آن حالت، دولت و جامعه به جای فرد، محور توجه قرار می‌گیرند. آن‌ها بر این عقیده نیستند که سیستم بازار تخصیص بهینه منابع را به وجود آورده و توزیع عادلانه را برقرار خواهد نمود؛ بلکه معتقدند که دولت، باید نقش بیشتری در زندگی اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

1.4. مکتب کلاسیک

مکتب کلاسیک (نظریه لیبرالیسم اقتصادی)، بر اساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی، در سال 1776 در انگلستان بنیان نهاده شد. آدام اسمیت (1723-1790) دانشمند اسکاتلندی‌الاصول انگلیسی در این سال کتاب معروف خود را تحت عنوان "پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل" انتشار داد. با این کتاب، او به‌عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد و مکتب کلاسیک شناخته شد. کتاب اسمیت جامع‌ترین کتابی بود که تا آن زمان راجع به سازمان‌های اقتصادی نوشته می‌شد و ضمناً اولین کتابی بود که در قرن هیجدهم با روشی نو و بنیانی علمی در علم اقتصاد نگاشته می‌شد. در سال 1871 با ظهور اقتصاددانانی مثل ویلیام استانلی جونز، کارل منگر و لئون والراس، هر سه با تأکید بر اهمیت و اصالت مطلوبیت، مکتب نئوکلاسیک را پایه‌گذاری کردند و مکتب جدید دیگری به اقتصاد ارائه گردید.

1.4.1. مهمترین اصول و عقاید اقتصادی کلاسیک‌ها

1. **حداقل دخالت دولت؛** اولین اصل مکتب کلاسیک این است که بهترین دولت دولتی است که حداقل دخالت را در امور دارا است. این اصل به اصل لسفر معروف است. اصطلاح لسفر⁴ یک اصطلاح فرانسوی و به معنای "بگذارید انجام شود" است. نیروهای بازار آزاد و رقابتی، تولید، مبادله و توزیع را هدایت و راهنمایی خواهند کرد. اقتصاد به گونه‌ای عمل می‌کند که به خودی خود، خودش را اصلاح کرده و تمایل

⁴ (lassiez faire: let them do it)

به سمت اشتغال کامل، بدون دخالت دولت در آن وجود دارد. دخالت دولت تنها باید محدود به اعمال حقوق مالکیت، تمهیدات دفاع ملی و تعلیم و تربیت عمومی شود.

2. رفتار اقتصاد مبتنی بر حداکثر کردن منافع شخصی؛ اقتصاددانان کلاسیک بر این باورند که رفتار

بر پایه حداکثر کردن منافع شخصی، اساس طبیعت بشر را تشکیل می‌دهد؛ که در آن تولیدکنندگان برای به دست آوردن منافع، به تولید کالاها و خدمات می‌پردازند، کارگران برای به دست آوردن دستمزد، خدمات نیروی کارشان را ارائه می‌دهند و بالاخره مصرف‌کنندگان، برای ارضای خواسته‌هایشان کالاها را خریداری خواهند کرد.

3. هماهنگی و عدم تضاد بین منافع شخصی و اجتماعی؛ اقتصاددانان کلاسیک در مجموع بر

هماهنگی منافع در یک اقتصاد بازار تأکید داشتند. به طوری که افراد با تعقیب و دنباله‌روی منافع فردی خودشان، بهترین منافع را برای جامعه به وجود خواهند آورد.

4. اهمیت داشتن تمام منابع و فعالیت‌های اقتصادی؛ کلاسیک‌ها به این موضوع اشاره می‌کنند که

تمام منابع اقتصادی از قبیل زمین، نیروی کار، سرمایه و توانایی مدیریتی و به همین صورت تمامی فعالیت‌های اقتصادی از قبیل کشاورزی، تجارت، تولید و مبادلات بین‌المللی همگی در تجمع ثروت ملل دخالت و شرکت دارند. در حالی که پیشگامان آن‌ها یعنی مرکانتلیست‌ها و فیزیوکرات‌ها به ترتیب بر این باور بودند که ثروت از راه تجارت و کشاورزی به دست خواهد آمد.

5. رشد اقتصادی بلندمدت؛ مسئله اساسی در اقتصاد کلاسیک، رشد اقتصادی بلندمدت است.

اقتصاددانان کلاسیک، اقتصاد را عمدتاً از مقوله کلان می‌دانستند و به جز موارد بسیار کمی، دغدغه اقتصاد خردی نداشتند. اقتصاددانان کلاسیک، اصولاً عالمان اقتصاد کلان بودند و به مسئله تخصیص اقتصادی منابع در اقتصاد خرد توجهی نداشتند.

1.4.2. پایه‌های نظری مکتب کلاسیک

مهمترین پایه‌های نظری اقتصادی مکتب کلاسیک را که در ارتباط مستقیم با نظام اقتصاد سرمایه‌داری است و در واقع توضیح‌دهنده فلسفه و نحوه عملکرد این نظام است را می‌توان در دو نظریه خلاصه کرد:

1. انسان اقتصادی؛ محور نظریات کلاسیک‌ها را انسان اقتصادی تشکیل می‌دهد؛ که بر مبنای اصول

عقلانی اقتصادی رفتار می‌کند. حس خودخواهی، نیروی مؤثر پویایی برای وقایع اقتصادی است. رفتار عقلانی انسان، تصمیمات او و وقایع را قابل محاسبه و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و در عین حال عکس‌العمل انسان را در برابر آمار و اطلاعات موجود، خالی از خطا می‌سازد. همین محاسبه‌پذیر بودن تصمیمات انسان، یکی دیگر از زمینه‌های نظریه مکانیسم بازار و تعادل خودکار را فراهم می‌کند.

2. مکانیسم بازار؛ بسط آزاد خودخواهی، به خودی خود از طریق عمل نیروها، به هماهنگی اقتصادی

می‌انجامد که در نتیجه به تعادل مستمر منتهی می‌شود. این همان دست نامرئی است که به گفته اسمیت بازار را هدایت می‌کند. از حس خودخواهی اصل رقابت نیز سرچشمه می‌گیرد؛ که یک عامل اجتماعی را شکل می‌دهد. رقابت، حس خودخواهی افراد را در چارچوب خود هدایت می‌کند. برنامه‌های اقتصادی افراد که به وسیله رقابت آزاد تنظیم شده‌اند، از طریق مکانیسم قیمت‌ها در بازار تلفیق شده و به این وسیله، تعدیل بهینه علایق صورت می‌پذیرد.

1.4.3. اقتصاددانان کلاسیک

اقتصاددانان کلاسیک (لیبرالیست‌های کلاسیک) را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. یک دسته اقتصاددانان خوش‌بین مانند: آدام اسمیت، ژان باتیست سه و باستیا و یک دسته بدبین‌ها مثل رابرت مالتوس، دیوید ریکاردو و جان استوارت میل هستند. دسته خوش‌بین‌ها به پیروی از عقاید سردسته کلاسیک‌ها (آدام اسمیت) عقیده داشتند؛ که اصالت فرد و نظام‌های اقتصادی یا جریان طبیعی اقتصاد، موجب رفاه و خوشبختی جامعه خواهد

شد و دسته بدبین‌ها ضمن قبول همان قواعد، اجرای آزاد همان قوانین مکشوفه را موجب فقر و بر اثر آن، سرانجامی شوم و آینده‌ای تاریک برای جامعه انسانی پیش‌بینی می‌کردند. مالتوس با نظریه افزایش جمعیت و ریکاردو با نظریه افزایش رانت (بهره مالکانه)، آن‌چنان احساس بدبینی به آینده به‌وجود آورده بودند که به علم نوبنیاد اقتصاد، علم شوم لقب داده شد. در این میان، عقاید استوارت میل بینابین و در حقیقت سنتزی از دو جریان فکری شد.

هرکدام از اقتصاددانان کلاسیک، در برخی از ابعاد نقش‌آفرینی نسبی بیشتری داشته‌اند. آدام اسمیت در پیوند دادن اندیشه اقتصاددانان قبلی و طراحی نظام کلی کلاسیک، آغازگر راه است و پایه‌های اولیه را مستحکم می‌کند و حلقه پیش از کلاسیک و کلاسیک را می‌سازد. ریکاردو، بنتام و مالتوس بدنه علم و مکتب را ساخته و تکامل می‌بخشند. استوارت میل کلاسیک را به اندیشه‌های بعد از کلاسیک پیوند می‌زند. اگر اسمیت حلقه‌گذار پیش از کلاسیک است، میل رساننده پیام به بعد از آن است. متفکران اصلی تکامل‌دهنده اندیشه کلاسیک به‌ویژه آدام اسمیت، ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و حتی بنتام تقریباً همگی از اندیشه‌های جامع در اقتصاد، سیاست، فلسفه و اخلاق برخوردار بوده‌اند.

یکی از نقش‌های مهم اقتصاددانان کلاسیک، پردازش بحث‌های اولیه متدولوژی اقتصاد، به‌صورت تدوین روش برای صورت‌بندی‌های نظریه‌ها و تحلیل علمی در اقتصاد است. به این صورت که تقریباً تمامی عناصر ابزارهایی که در علم اقتصاد امروز به‌کار می‌رود، در آن زمان تعریف و استفاده شده‌اند. هرچند صاحب‌نظران سوداگرایی (مرکانتلیست‌ها) و طبیعت‌گرایی (فیزیوکرات‌ها) از نظر تاریخ مقدم بر کلاسیک‌ها هستند و در شکل‌گیری عقاید کلاسیک نقش داشته‌اند، در عین حال، صورت‌بندی مکتب کلاسیک به‌طور مستقل، از خلاقیت ویژه‌ای برخوردار است. اندیشه‌های اقتصادی پس از کلاسیک، چه نئوکلاسیک که تکامل‌دهنده آن است و چه مارکسی، نهادی و تاریخی که منتقدان آن هستند، بدون شک، به‌نحوی خوشه‌چین کلاسیک‌ها بوده‌اند (البته خود نیز ره‌آورد مخصوص خود را داشته‌اند).

1.5. مکتب نئو کلاسیک

مکتب نئوکلاسیک یا ماژینالیسم، یکی از مکاتب اقتصادی است که با پایه‌قرار دادن نظریات کلاسیک‌ها، اقتصاد را از سطح کلان به سطح خرد کشید و رفتار فرد و بنگاه تولیدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ از طرف دیگر هر دو طرف عرضه و تقاضا را در تجزیه و تحلیل اقتصادی داخل کرد.

بین 15 تا 20 سال اوایل دهه‌های 1870 و 1880 و به‌وجود آمدن مشکلات و حتی بحران‌هایی در اوضاع زندگی اجتماعی-اقتصادی مردم، به‌ویژه در جوامع سرمایه‌داری، وجود فقر و اختلاف طبقاتی، شکل‌گیری کارت‌ها و تراست‌ها و حاکمیت آن‌ها بر اقتصاد و اجتماع، فقدان یک سیستم حمایتی از کارگران و بسیاری از مشکلات دیگر، همگی حکایت از این امر داشتند که با وجودی که حدود یکصد سال از انقلاب صنعتی و اجرای راه‌حل‌های کلاسیک می‌گذشت، هنوز بسیاری از مشکلات، حل نشده باقی مانده بود. از همین‌رو زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب نهایی‌گرایی به‌وجود آمد. بی‌ثباتی مالی کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای سرمایه‌داری از دیگر مسائل و مشکلات این دهه بود؛ به‌طوری‌که در خلال بیست سال (1873-1893) بیش از چهار بحران اقتصادی و مالی در آن کشورها به‌وقوع پیوست.

بعد از انتشار کتاب "اصول اقتصاد سیاسی" جان استوارت میل⁵ (1806-1873) در سال 1848 میلادی، تجزیه و تحلیل اقتصادی برای مدت بیست سال رونقی نداشت؛ در سال 1870 ویلیام استنلی جونز⁶-1835 که در دانشگاه لندن به‌عنوان دانشجوی دوره فوق لیسانس در رشته اقتصاد مشغول تحصیل بود، در سن بیست و چهار سالگی، اصل فایده یا مطلوبیت را در تجزیه و تحلیل اقتصادی خود به‌کار برد. جونز در سال 1871، کتابی تحت عنوان "نظریه اقتصاد سیاسی" منتشر کرد. هدف او از انتشار این کتاب تجدید نظر در اصول اقتصادی مکتب کلاسیک با استفاده از مفهوم مطلوبیت نهایی و ریاضیات مربوط به آن بود. در همان زمان،

⁵ John Stuart Mill

⁶ William Stanley Jevons

اقتصاددان دیگری به نام کارل منگر⁷ (1840-1921) در اتریش و بر همان اساس، علم اقتصاد را مورد بررسی قرار داد و سرانجام در سال 1874 یک اقتصاددان فرانسوی به نام لئون والراس⁸ (1834-1910) در سوئیس افکار علمی جونز و منگر را به محافل اقتصادی آن کشور معرفی نمود. این سه دانشمند، بنیانگذار مکتبی هستند که در تاریخ عقاید اقتصادی به دو صورت نامگذاری شده است:

1. نئوکلاسیک؛ نام مکتب نئوکلاسیک به این دلیل به آن‌ها داده شده که نهایتاً به نتایج کلاسیک‌ها رسیدند و به نوعی عقاید آن‌ها را احیا کردند و در واقع نظریه‌شان زاینده افکار کلاسیک‌هاست، به آن‌ها داده شده است.

2. نهائیون؛ مکتب نهائیون (مارژینالیست‌ها) نیز به این علت به آنها اطلاق شده که اصل مطلوبیت نهایی، مورد توجه و کاربرد تحلیل‌گران این مکتب اقتصادی بوده است. از این‌رو، افکار این اقتصاددانان در تاریخ عقاید اقتصادی "انقلاب نهائیون" نام‌گذاری شده است.

1.5.1. مهمترین آرا و عقاید مکتب نئوکلاسیک

1. اصل نهایی یا حدی؛ نئوکلاسیک‌ها اصل نهایی یا حدی را که ریکاردو⁹ (1772-1823) در نظریه رانت خود بسط داده است؛ به تمام نظریه اقتصاد تعمیم داده‌اند.

2. تأکید بر اقتصاد خرد؛ در این مکتب، به جای توجه به اقتصاد در سطح کل، فرد و واحدهای تولیدی، کانون توجه نهایی‌گرایان است. نهائیون به تصمیمات فردی، شرایط بازار، محصول واحدهای تولید و این‌گونه مسائل توجه دارند.

⁷ Carl Menger

⁸ Léon Walras

⁹ David Ricardo

3. **تأکید بر شرط رقابت کامل؛** نئوکلاسیک‌ها تجزیه و تحلیل خود را براساس فرض رقابت کامل قرار داده‌اند. بنابراین فرض می‌شود واحدهای تولیدی، کوچک، خریداران، گوناگون، فروشندگان، زیاد، کالاها، همگن و قیمت‌ها، یکنواخت هستند.
4. **نظریه قیمت، نشأت گرفته از تقاضا؛** نئوکلاسیک‌ها، تقاضا را نیروی اولیه و اصلی در مشخص کردن قیمت‌ها به حساب می‌آورند. این فرض در مقابل اقتصاددانان کلاسیک، که عرضه را به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی ارزش مبادله می‌دانستند، قرار دارد.
5. **تأکید بر مطلوبیت ذهنی؛** از نظر نئوکلاسیک‌ها، تقاضا به مطلوبیت نهایی که یک پدیده ذهنی است، بستگی دارد. هدف آن‌ها ساختن نظریه‌ای بود که پیش‌بینی کند، چگونه افراد با دنباله‌روی از منافع شخصی خود، رفتار خود را در بازارها تنظیم کرده و در نتیجه، باعث دستیابی به دستاورد بهینه در اقتصاد خواهند شد.
6. **روش تعادلی؛** نئوکلاسیک‌ها بر این باورند که نیروهای اقتصاد، عموماً به سمت تعادل تمایل دارند؛ که در حقیقت، ایجاد تعادل به وسیله عملکرد نیروهای مخالف به وجود خواهد آمد.
7. **رفتار اقتصادی عقلایی؛** نئوکلاسیک‌ها فرض می‌کنند که مردم در ایجاد و برقراری توازن بین آسایش و رنج، اندازه‌گیری مطلوبیت نهایی کالاهای مختلف و در توازن و تعادل بین نیازهای حال در مقابل نیازهای آینده، عقلایی عمل می‌کنند. از نظر نئوکلاسیک‌ها، انسان اقتصادی، موجودی است که در هر صورت، به‌طور منطقی و با روشی کاملاً عقلایی در تعقیب منافع شخصی خود (که متضمن نفع اجتماعی نیز هست)، به فعالیت اقتصادی می‌پردازد.
8. **حداقل دخالت دولت؛** نئوکلاسیک‌ها از حداقل دخالت دولت در اقتصاد که به وسیله کلاسیک‌ها مطرح شده بود، دفاع کرده و آن‌را به‌عنوان بهترین سیاست قلمداد می‌کنند. در بسیاری از موارد، اگر دستیابی به حداکثر منافع اجتماعی مورد نظر باشد، هیچ‌گونه دخالتی در قوانین طبیعی اقتصاد نباید انجام گیرد.

9. **کالاهای عمومی**؛ مکتب نئوکلاسیک در ابتدا یک نظریه اقتصاد بازار بود. بعدها تحلیل بخش عمومی فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه و بررسی نئوکلاسیک‌ها قرار گرفت. اولین حرکت تعیین‌کننده و نخستین نشانه این حرکت "نظریه کالاهای عمومی" بود. کالاهای عمومی توسط نئوکلاسیک‌ها بدین ترتیب تعریف و مشخص شد که برخلاف کالاهای خصوصی در آنها اصل استفاده و کاربرد انحصاری مصداق ندارد؛ یعنی مصرف نهایی بر آنها تطبیق نمی‌کند.

10. **اقتصاد سیاسی جدید**؛ اندیشه اساسی اقتصاد سیاسی جدید در این است که دولت، جزء اصلی اتحاد و عنصر یک‌پارچه‌کننده جامعه و اقتصاد است و سیاستمداران نیز مثل سایر افراد از طریق حفظ منافع خود هدایت و ارشاد می‌شوند و حافظ منابع خویش‌اند. احزاب سیاسی در قیاس با بنگاه‌های تولیدی جدید، به صورت واحدهای تولیدی دیده می‌شوند؛ که به دنبال منافع خاص خود هستند و عینا مثل فرآیند بازار با تعقیب منافع و مصالح شخصی در شرایط رقابتی و در جهت تقویت مصالح عموم و خیر و صلاح جامعه اثر می‌گذارند به طوری که می‌توان تعقیب منافع خصوصی را به وسیله سیاستمداران در شرایط خاص و معین، خدمت به مصالح عمومی تلقی کرد.

1.5.2. توسعه مکتب نئوکلاسیک

آلفرد مارشال¹⁰ (1842-1924) اقتصاددان معروف انگلیسی، فرانسیس اجورث¹¹ (1845-1926)، هنری ویکستید¹² (1877-1927) و آرتور پیگو¹³ (1877-1959) در تکامل نظریه نئوکلاسیک نقش زیادی داشتند. مارشال بین سال‌های 1890 تا 1920 تأثیر به‌سزایی در طراحی و توسعه نظریه نئوکلاسیک داشت. او در صدد بود که مکتب کلاسیک را با نئوکلاسیک آشتی دهد. تمایز کوتاه‌مدت و بلندمدت، تکامل تعدیل جزئی، حساسیت قیمت تقاضا، مازاد تولیدکننده و مصرف‌کننده، ترسیم تعادل پایدار، تمایز بین صنایع هزینه‌گاشی و

¹⁰ Alfred Marshall

¹¹ Edgeworth

¹² Henry Wicksteed

¹³ Arthur Pigou

هزینه افزایشی و قدرت تعادل عرضه و تقاضا در استخراج قیمت از تلاش‌های وی در اقتصاد است. مارشال همچنین بنیان‌گذار مکتب کمبریج در انگلستان بود.

1.5.3. شاخه‌های دیگر که از مکتب نئوکلاسیک

نئوکلاسیک‌های اتریشی (مکتب اتریش)؛ از سال 1870 تا آغاز جنگ جهانی اول، شهر وین جایگاه یکی از شکوفاترین مکتب‌های نظری نئوکلاسیک بوده است. مکتب اتریش بسیار فردگرایانه، ذهن‌گرایانه و انتزاعی است. این مکتب را کارل منگ^{۱۴} (1840-1921) که خود از مؤسسين مکتب نئوکلاسیک بود، بنا نهاد. اما سرآمد این مکتب، در اتریش بوم باورک^{۱۵} (1851-1914) بود. فریدریک فون ویزر^{۱۶} (1851-1926) از دیگر اقتصاددانان مطرح این مکتب بوده است.

نئوکلاسیک‌های سوئدی (مکتب سوئد یا استکهلم)؛ اندیشه بسیار نزدیک به مکتب اتریش، عقاید ویکسل^{۱۷} (1851-1936) و مکتب سوئد است. می‌توان از نات ویکسل به‌عنوان مهم‌ترین بنیان‌گذار این مکتب نام برد. وی فردی سنت‌گریز، با رفتارهای مخالف آداب و مخالف سرسخت رسوم اجتماعی بوده است.

نئوکلاسیک‌های آمریکایی؛ این شاخه تا حدودی از پیوند دو ریشه اروپایی این مکتب پدید آمد. یکی از آن دو ریشه، ریشه آلمانی-اتریشی بود و دیگری اندیشه مارشال بود. جان باتیس کلارک^{۱۸} (1847-1983) نه تنها خود، یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان نئوکلاسیک، بلکه نظریه‌پرداز رده اولی بود که در آمریکا پدیدار شد و این شاخه از نئوکلاسیک‌ها را پدید آورد. ایروینگ فیشر^{۱۹} (1867-1947) دیگر نظریه‌پرداز مطرح این مکتب به حساب می‌آید.

¹⁴ Carl Menger

¹⁵ Böhm-Bawerk

¹⁶ Friedrich von Freiherr

¹⁷ Knut Wicksell

¹⁸ John Bates Clark

¹⁹ Irving Fisher

مکتب لوزان (و نئوکلاسیک‌های ایتالیایی)؛ لئون والراس اهل فرانسه بود، اما پرحاصل‌ترین سال‌های حیات علمی‌اش را در سوئیس گذراند. او را مؤسس مکتب لوزان می‌دانند. تفاوت‌هایی بین عقاید اقتصاددانان لوزانی با سایر شعبه‌های نئوکلاسیک وجود دارد. یکی از تفاوت‌ها این است که شدت توجه لوزانی‌ها به منشأ لذت‌گرایانه و ذهن‌گرایانه اقتصاد، کمتر از مکتب اتریش است. ویژگی دوم اقتصاددانان مکتب لوزان، تأکید آن‌ها بر وجود پیوندهای معنادار بین متغیرهای اقتصادی و توجه به تعادل عمومی است. گذشته از این کاربرد ریاضیات در این مکتب، نسبت به مکتب اتریش بسیار زیاد است. ویلفردو پارتو²⁰ (1848-1923)، انریکو بارونه (1859-1924) و مافئو پانتالئونو (1857-1924) اقتصاددانان معروف این مکتب فکری هستند. همچنین اقتصاددان بزرگی چون هیکس، ساموئلسون، ارو و هاهن نیز در جرگه مکتب لوزان قرار دارند.

1.6. مکتب کینز

منظور از مکتب کینز، مجموعه عقایدی است که به پیروی از تفکر کینز به‌پا خواست. از آن‌جا که عقاید کینز، جهان را از بحران اقتصادی نجات داد و هیچ کتابی به اندازه کتاب "نظریه عمومی" کینز متناسب با نیازهای زمان خود نبود، کینز به‌عنوان بنیان‌گذار "علم اقتصاد جدید" معروف شد و عقاید وی به "انقلاب کینزی" معروف گشته و پایه‌های اقتصادی و اجتماعی مکتب جدیدی با نام "مکتب کینزی" گردید. مکاتب اقتصادی مرتبط با کینز را در قالب سه مکتب مورد بحث قرار می‌دهند؛ که معمولاً مرز بین این سه مکتب خیلی شفاف نیست.

جان مینارد کینز²¹ در 5 ژوئن سال 1883 در کمبریج به دنیا آمد. پدر کینز، جان نویل مادرش فلورانس نام داشتند. او در دوره لیسانس، رشته تحصیلی خود را از ریاضیات به اخلاق تغییر داد و به‌عنوان معلم اخلاق شناخته شد. مینارد کینز در خانواده‌ای از طبقه متوسط و در محیطی روشن‌فکرانه پرورش یافت. کینز به‌خاطر

²⁰ Vilfredo Pareto

²¹ John Maynard Keynes

مهارتی که در ریاضیات داشت، دهمین رتبه را میان تمامی کسانی که در آن سال‌ها به دانشگاه راه یافتند، تصاحب کرد. او همچنین در ادبیات کلاسیک، آمار و اقتصاد، صاحب‌نظر بود. الگوی اخلاقی وی ادوارد مور مؤلف کتاب "اصول اخلاق" و الگوی سیاسی‌اش، ادموندبورک، فیلسوف، نویسنده و عضو حزب محافظه‌کار انگلستان بود. او در سال 1925 با لیدیا ازدواج کرد. کینز از معروف‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم است. جالب است که خود کینز در آغاز در دنیای نئوکلاسیک می‌زیست و در قالب سنت مارشال فکر می‌کرد. همچنین مکتب وی از درون نهائی‌گرایان استخراج شد. ولی در ادامه، از منتقدان نئوکلاسیک گردید.

1.6.1. آثار کینز

وی قبل از احراز مقام استادی، کارمند خزانه‌داری کل انگلیس در هندوستان بود و در سال 1913 اولین کتاب خود را در نحوه عمل سیستم پایه طلا تحت عنوان "پول و مالیه هندوستان" نوشت. در سال 1921 متعاقب با استعفای پرغوغای خود از عضویت کنفرانس صلح، کتاب دیگر خود را تحت عنوان "اثرات اقتصادی صلح"، به‌رشته تحریر درآورد و در آن به توجیه مخالفت خود با شرایط سنگین گراماتی که متفقین به آلمان تحمیل می‌کردند، پرداخت و در مجامع اقتصادی بین‌المللی مشهور شد. کینز با انتشار کتاب "احتمالات"، در سال 1921 و انتقاد شدید معروف خود علیه وینستون چرچیل، نخست‌وزیر معروف انگلیس در سال 1923 تحت عنوان "اثرات اقتصادی سیاست چرچیل" و همچنین با انتشار کتاب "رساله‌ای در باب پول"، در سال 1930 و ارائه نظرات انقلابی در مسئله پول و توصیه تقلیل نرخ بهره، شهرتی به‌سزا یافت.

آخرین و مشهورترین کتاب کینز تحت عنوان "نظریه عمومی اشتغال پول و بهره" در سال 1936 منتشر شد و کینز به نهایت شهرت جهانی خود رسید. از آن تاریخ، کینز به‌عنوان یک اقتصاددان انقلابی و نوآور در علم اقتصاد معروف گشت. سالی که نظریه عمومی کینز منتشر شد، سالی بود که فرانسه، بحران عجیب سال‌های 1930 را تازه پشت سر گذاشته بود. کینز کمی بعد از انتشار نظریه عمومی، به‌ریاست بانک انگلیس انتخاب شد و

به دریافت لقب لرد مفتخر گردید. کینز از سال 1937 از بیماری شدید قلبی رنج می برد و در 20 آوریل 1946 درگذشت.

1.6.2. دلایل ظهور مکتب کینز

1. حادثه بحران بزرگ بین سال‌های 1929 تا 1933؛
2. نظریه نئوکلاسیک، توانایی توضیح وضعیت بیکاری، سقوط سهام و سقوط حجم پول در وضعیت زمانی یادشده را نداشت؛
3. آزمون‌های بسیار موفق نظریات کوتاه‌مدت کینز و پاسخ‌گویی آن به شرایط بحرانی، مزید بر علت گردید.

1.6.3. مهم‌ترین اصول و عقاید مکتب کینزی

1. تأکید بر اقتصاد کلان؛ کینز و طرفداران او بر روی مشخصه‌های کل؛ مانند مصرف کل، پس‌انداز کل، درآمد کل، محصول کل و بالاخره اشتغال کل خود، متمرکز نمودند و در این رابطه، بیشتر با نگرش عمل‌گرایانه، به حل مشکلات واقعی اقتصاد فکر می‌کردند.
2. تعیین جهت به‌وسیله تقاضا؛ بدین معنی کینز بر خلاف قانون "سه" اظهار داشت که: این تقاضاست که عرضه را به‌وجود می‌آورد. اقتصاددانان کینزی بر اهمیت تقاضای کل به‌عنوان مشخص‌کننده اصلی و اولیه درآمد ملی محصول اشتغال، تکیه می‌نمایند. از دیدگاه این اقتصاددانان تقاضای مؤثر، شامل حاصل جمع مصرف، سرمایه‌گذاری، بخش دولت و مخارج خالص صادرات می‌باشد. تقاضای مؤثر، سطح تعادلی محصول واقعی اقتصاد را برقرار کرده؛ که در بسیاری از موارد کمتر از سطح محصولی است که در تحت شرایط اشتغال کامل (بالقوه) می‌تواند وجود داشته باشد.
3. وجود عدم ثبات در اقتصاد؛ از دیدگاه کینز، اعتقاد اقتصاددانان کلاسیک مبنی بر این که اقتصاد به خودی خود و به‌وسیله مکانیسم بازار به تعادل می‌رسد، صحیح نیست. او تصریح می‌کند که اگر بخواهیم به امید ایجاد تعادل، به‌وسیله مکانیسم بازار باشیم، بحران جهانی ممکن است، پنجاه سال طول بکشد و

تا آن زمان، همه ما از دنیا رفته‌ایم. از دیدگاه کینز، اقتصاد، با رونق و رکود همراه است؛ چون سطح سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده خیلی نامنظم و جابه‌جا شونده است. به نظر کینز، برخلاف نظریه ارتدکس‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به‌طور خودکار برابر نمی‌شوند و باید بانک مرکزی و دولت، زمینه هماهنگی آن‌را فراهم نمایند.

4. **چسبندگی قیمت و دستمزد؛** کینزین‌ها معتقدند که دستمزدها به طرف پایین چسبندند و این به‌خاطر عوامل ساختاری مانند قراردادهای اتحادیه‌های کارگری، قوانین حداقل دستمزدها و ... است. در دورانی که تقاضای کل برای کالاها و خدمات کاهش می‌یابد، عکس‌العمل واحدهای تولیدی به کاهش در فروش، کاهش تولید و اخراج کارگران است؛ نه در کاهش دستمزدها. از دیدگاه کینزین‌ها قیمت‌ها نیز به سمت پایین چسبندگی دارند.

5. **سیاست پولی و مالی فعال؛** اقتصاددانان کینزی معتقدند که دولت باید از طریق سیاست‌های پولی و مالی مناسب، جهت رسیدن به اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی، فعالانه دخالت نماید و برای مواجهه با رکود و بحران، یا باید مخارج خود را افزایش دهد یا مالیات‌ها را کاهش دهد. این کاهش، باعث افزایش مخارج مصرفی خصوصی می‌گردد. دولت همچنین باید عرضه پول را زیاد کرده تا بتواند نرخ بهره را کاهش دهد؛ به امید این که بتواند مخارج سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

کینز برای جلوگیری از تورم نیز که به وسیله مازاد تقاضای کل به وجود می‌آید، سه نوع راه کار در پیش روی دولت است:

1. مخارج خود را کاهش دهد،
2. مالیات‌ها را افزایش دهد؛ تا مخارج مصرفی خصوصی را کم کند
3. عرضه پول را کم کند؛ تا نرخ بهره افزایش یابد؛ که این خود، موجب کاهش مخارج سرمایه‌ای اضافی خواهد شد.

1.6.4. سیاست پولی از نظر کینز

1. **عملیات بازار باز؛** با کمک این ابزار، می‌توان قدرت خرید مردم را در بخش خصوصی تنظیم کرد. اگر اقتصاد، در رکود و بیکاری باشد، برای از بین بردن آن، باید از سیاست انبساطی استفاده نمود. هدف، آن است که امکانات اعتباری بالا برود؛ تا مردم بتوانند از بانک‌های تجاری پول قرض کرده و مخارج خود را بالا ببرند. این هدف، زمانی انجام می‌شود که بانک‌های تجاری در بازار آزاد، اوراق قرضه‌ی در دست مردم را با قیمت بیشتری خریداری نمایند. با این عمل، قدرت خرید بالا و حجم تولید و اشتغال افزایش می‌یابد.

2. **تغییر در نرخ ذخایر قانونی؛** در موقع تورّم، درصد "ذخایر قانونی" افزایش می‌یابد، با این عمل، حجم "ذخایر اضافی" کاهش و در نتیجه حجم پول، پایین می‌آید. به همین جهت، نرخ بهره افزایش یافته، حجم سرمایه‌گذاری پایین می‌آید و سطح تولید به اشتغال کامل می‌رسد. این مسئله در شرایط رکودی، برعکس اتفاق می‌افتد.

3. **تغییر در نرخ تنزیل؛** نرخ تنزیل، نرخ است که بانک‌های تجاری باید به بانک مرکزی بپردازند؛ تا بتوانند اعتبار دریافت کنند. لذا در زمان رکود، بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد که نرخ تنزیل را کاهش دهد و در زمان رونق (تورّم) بالعکس.

1.6.5. اقتصاددانان مکتب کینز

برخی از اقتصاددانان معروف مکتب کینز عبارتند از:

سایمون کوزنتس (1901-1985)؛ اقتصاددان معروف روسی است. وی اهمیت جمع‌آوری اطلاعات را برای اقتصاد توضیح داد. او در واقع از راه آمار و اقتصادسنجی، به آزمون تجربی نظریات کینز پرداخت. او همچنین رابطه درآمد و نابرابری در توزیع درآمد را استخراج نمود. البته تأثیر اندیشه کوزنتس عمدتاً در طراحی حسابداری درآمد ملی است. به همین جهت، وی به پدر حسابداری درآمد ملی معروف گردیده است.

پرفسور میردال؛ او در قالب مکتب استکهلم، به طراحی سؤالات و مسائل پرداخته و سپس برای آن خط مشی‌هایی را ترسیم کرد؛ که بسیار مشابه دیدگاه‌های کینز است.

مایکل کالسکی (1899-1970)؛ اقتصاددانی لهستانی است. معروف است که وی در سال 1930 به‌طور مستقل نظریه سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و اشتغال را بسیار مشابه کینز تدوین کرد. کالسکی شاید اولین کسی است که نظریه تقاضای مؤثر را صورت‌بندی کرد و آن را به‌گونه‌ای بسیار واقع‌بینانه‌تر از نظریه کینز درآورد. کالسکی برخلاف کینز، اصل تقاضای مؤثر را در داخل نظریه سطح تولید به‌کار نبرد؛ بلکه آن را در درون نظریه دور کسب و کار مورد استفاده قرارداد. در ادبیات اقتصاد کلان، بسیاری از اقتصاددانان مابعد کینز را مابعد کالسکی نیز می‌نامند.

1.7. مکتب پولی

فریدمن مؤسس مکتب پولی (مونتاریسم) و بزرگترین اقتصاد دان سده بیستم پس از کینز است پولیون به رهبری «فریدمن» به تحقیق در مورد علل ایجاد بحران‌های ادواری در اقتصاد پرداختند بدون آنکه اصول «قانون سی» را زیر سوال ببرند. بر پایه این دیدگاه، بروز بحران و بیکاری، تنها به دلیل نارسایی نظام سرمایه‌داری نیست بلکه بعلت ایجاد موانع و قید و بندهایی است که ناشی از ابزار درونی نظام است. از نگاه پولیون، اتخاذ سیاست‌های پولی «فدرال رزرو» و مدیریت نابخرد دولت، عامل بروز بحران دهه 1930 بوده است نه نارسایی‌های نظام بازار و بی‌ثباتی اقتصاد خصوصی. فریدمن با توجه به دفاع از اقتصاد بازار، قانون سی و سیاست‌های پولی در نظام سرمایه‌داری، اصول مکتب پولی خود را بنیان نهاد که عبارتند از:

1. آزادی فعالیت‌های اقتصادی

2. سیاست آزادی کسب و کار

3. حاکمیت بازار آزاد

4. دفاع بی قید و شرط از انگیزش های سود و سرمایه گذاری

5. عدم مداخله دولت در اقتصاد

1.7.1. اندیشه های اقتصاد فرید من

1. فرید من یکی از طرفداران نظام بازار آزاد است، از این رو وی را یک کلاسیک معاصر می دانند.

2. فریدمن با توسل به نظریه مقداری پول، تفسیر تازه ای از آن ارائه نمود به همین خاطر او را یک نئوکلاسیک می خوانند.

3. او با توجه به نوع سیاستهای لازم و مناسب جهت برقراری تعادل اشتغال کامل و تداوم آن، دارای نظریات پولی مهمی است. از این رو وی را به عنوان موسس مکتب پولی یا «مونتاریسم» می شناسند.

فریدمن بزرگترین مدافع آزادی های فردی برای تصمیم سازی های اقتصادی است. از نگاه او اقتصاد از سیاست جدا نیست و سرمایه داری شرط لازم برای برقراری آزادی های سیاسی است. به همین دلیل، «آزادی سیاسی» نمی تواند بدون «آزادی اقتصادی» پابرجا بماند. او در ارتباط با نقش دولت در اقتصاد معتقد است که این نقش در یک جامعه آزاد، تجهیز وسایل لازم برای تغییر شکل و ایفای نقش میانجی است. از نظر فریدمن، هنگامی که در مفهوم قوانین بین افراد جامعه اختلاف نظر پیدا می شود، دولت باید آن عده از افراد را که از قوانین اجتماعی سرباز می زنند، به پذیرش مقررات مجاب نماید. او معتقد است دولت باید آن وظایفی را برعهده بگیرد که از توان بازار خارج است و این وظایف عمدتاً اعمال قوانین گوناگون و ایفای نقش میانجیگری است. از دیدگاه فریدمن مقررات و ضوابطی چون قانون مالکیت، انعقاد قرار دادها، چاپ اسکناس و ... قوانینی هستند که نظام سرمایه داری به آنها نیاز دارد.

1.7.2. وظایف دولت از نگاه فریدمن

1. **انحصار فنی:** انحصار فنی بدین معناست که در برخی اقدامات اقتصادی، کارایی دولت از بخش خصوصی در بازار رقابتی بیشتر است مانند سرمایه گذاری در تاسیسات برق و تلفن که مستلزم صرف هزینه های سنگین است و بخش خصوصی رغبتی به سرمایه گذاری در این حوزه ها ندارد.
2. **برنامه های رفاهی و بهداشتی:** مانند مبارزه با آلودگی محیط زیست و انجام خدمات بهداشتی از قبیل واکسیناسیون و...
3. **مراقبت از کودکان عقب مانده و نگهداری از افرادی که برای جامعه خطرناک هستند.**

1.7.3. فرید من بعنوان یک نئوکلاسیک

دیدگاههای فریدمن در زمینه های نقش پول و سیاستهای پولی در اقتصاد، دارای اهمیت فراوان است. «فریدمن» نیز چون «فیشر» و «ویکسل» به نقش افزایش حجم پول بعنوان عامل اصلی تغییرات قیمتها و تولید واقعی در اقتصاد اشاره می کند. مهمترین دیدگاههای او بعنوان یک نئوکلاسیک عبارتند از:

1. بنیادی ترین عامل تعیین کننده مخارج کلی و در آمد ملی، عرضه پول است.
2. فریدمن ضمن ارائه ی تفسیری جدید از نظریه مقداری پول به عنوان «نظریه رجحان دارایی»، نظریه پولی خود را با نظریه سرمایه ادغام می کند.
3. از دیدگاه او دولت در اجرای سیاست اشتغال، آن حیطة عملی را که منحنی فیلیپس در اختیار می گذارد ندارد و از سوی دیگر با تغییر مفاهیم منحنی فیلیپس، اقدام به ارائه نظریه «رکود تورمی» می کند.
4. از نگاه فریدمن در صورت ثبات در نرخ افزایش عرضه پول، بیکاری نهایتاً در سطح طبیعی خود تثبیت می شود و نرخ تورم سرانجام با تفاوت بین نرخ افزایش عرضه پول و نرخ رشد محصول ایجاد شده تعیین خواهد شد.
5. به نظر فریدمن تغییر حجم پول از یک کانال مستقیم یعنی «رابطه مبادله فیشر» تأثیری مطمئن بر درآمدهای پولی دارد.

6. از دیدگاه فریدمن، مبلغ اسمی پول اهمیتی ندارد بلکه مهم، مبلغ واقعی یعنی «قدرت خرید پول» است. فریدمن معتقد است مردم، سماجت بسیاری نسبت به قدرت خریدی که مایل به نگهداریش هستند از خود نشان می دهند و به سختی حاضرند تغییری در آن بوجود آید.
7. بنا به نظر فریدمن، حجم پول باید با توجه به تغییرات واقعی تغییر کند، تاثیر پول مستقیم و بلاواسطه است و افزایش حجم پول به فزونی عرضه و تقاضای واقعی منجر می گردد که نهایتاً سبب افزایش درآمد پولی خواهد شد.
8. فریدمن در پاسخ به این سوال که «آیا افزایش حجم پولی، صرفاً قیمتها را افزایش می دهد یا تولید را بالا می برد؟» پاسخ می دهد که این به سطح اشتغال و وجود ظرفیت تولیدی جامعه وابسته است. در هر حال، نتیجه افزایش عرضه پول، افزایش تقاضا و افزایش قطعی درآمد پولی است.
9. علیرغم نظر قاطع کینرینها در مورد ارجحیت سیاستهای مالی، پولیون معتقدند کارایی سیاستهای مالی مشروط و تنها هنگامی موثر خواهد افتاد که با تغییرات مناسبی در حجم پول در گردش همراه باشد، در غیر اینصورت، سیاستهای مالی از کارایی لازم برخوردار نخواهد بود، بنابراین سیاستهای مالی مانند کاهش مالیات و کسر بودجه یا افزایش مالیات و مخارج دولت، فقط در شرایطی کارا است که با تغییرات مناسبی در حجم پول همراه باشد.
10. فریدمن بعنوان یک اقتصاد دان نئوکلاسیک، کنترل حجم عرضه پول را تنها راه جلوگیری از پیدایش تورم و رکود اقتصادی می داند و معتقد است هرگاه عرضه پول بصورت مناسب و مداوم تعیین شد، مخارج، قیمتها و اشتغال، خودبخود در سطح مناسبی قرار خواهند گرفت. بنابراین تنها سیاست لازم برای دولت آن است که حجم عرضه پول و نرخ رشد آن را کنترل کند. با افزایش محصول کل و درآمد پولی، عرضه پول نیز افزایش می یابد اما نرخ رشد عرضه پول نباید کمتر یا بیشتر از نرخ رشد عرضه محصول باشد.

1.8. مکتب سوسیالیسم

سوسیالیسم به سیستمی اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن مالکیت منابع طبیعی و ابزارهای تولید کالا و خدمات همگانی است. اقتصاد سوسیالیستی در شکل ایده‌آل خود، درست نقطه‌نظر مقابل سرمایه‌داری است. به عبارت دیگر در چنین سیستمی، کارگران و یا نمایندگان آنها در مورد چگونگی تولید و توزیع کالا تصمیم می‌گیرند و یا اغلب خود دولت، به نام توده‌های مردم، در این موارد تصمیم‌گیری می‌کند. مهم‌ترین عامل جذابیت چنین سیستمی نزد مردم، به‌ویژه مردم فقیر، "برابری" است.

مفهوم کمونیسم به معنی مالکیت همگانی بر همه دارایی‌ها است. این مفهوم دلالت بر نظریه یا عمل آن دسته از مصلحان اجتماعی دارد که از زندگی در حالت اشتراکی، دفاع کرده‌اند. به عقیده آنها هیچ‌گونه قید و بندی از لحاظ نظارت سلسله مراتب اجتماعی وجود ندارد و بهره‌مندی از مالکیت، وسایل تفریح برای کل جامعه و برگزیدگان "اشتراکی" است.

در گرایش سوسیالیسم این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که ترقی جامعه و پیدایی جهانی پر از عدل و داد، جز با انجام عمل جمعی و ارادی، تحقق‌پذیر نیست. در این معنی، سوسیالیسم به معنای آگاهی از این واقعیت است که ضرورت اقتصادی و اجتماعی، دیگر، تابع نیروهای طبیعی نیست؛ بلکه می‌تواند و باید توسط فرد انسانی مورد کنترل و هدایت قرار گیرد.

1.8.1. خاستگاه تفکر

تفکر سوسیالیستی در بسیاری از پیشگامان جامعه‌شناسی وجود داشته است؛ اما این کلمه در ربع دوم قرن 19 در انگلستان و فرانسه برای مشخص کردن جریانی که در نتیجه انقلاب صنعتی، سیاسی و اقتصادی به وجود آمده بود، به کار رفت.

مکتب روبرت اون (1858-1771²²)، از شروع‌کنندگان عمده سوسیالیسم در انگلستان، اصطلاح آن را تکوین کرده است. در سال 1842 روبرت اون رساله‌ای با عنوان سوسیالیسم چیست منتشر ساخت و با انتشار این رساله، اصطلاح سوسیالیسم، معروف و مشهور گردید. اما کاربرد این واژه در فرانسه اولین بار در سال 1827، در روزنامه "دوگلاب" به کار برده شد. این روزنامه به سردبیری شاگردان هانری دوسن سیمون (1825-1760)، اداره می‌شد. «در مقاله‌ای در سال 1827 این روزنامه، چنین جمله‌ای آمده بود: ما قصد فداکاری نداریم، اثر شخصیت بر سوسیالیسم کمتر از تأثیر سوسیالیسم بر شخصیت نیست. در این مفهوم به جای تأکید گذاردن بر فرد، بر جامعه اهمیت داده می‌شود؛ لذا سن سیمون را می‌توان، یکی از پیشگامان سوسیالیسم فرانسه دانست.

تا پیش از قرن بیستم مفهوم سوسیالیسم بیشتر یک رؤیا بود تا واقعیت. اما در حدود نیم قرن گذشته حکومت‌هایی با کمونیسم پیوند خورد و شوروی سابق، چین و دیگر کشورهای کمونیستی خود را جمهوری سوسیالیستی نام نهادند. در نزد برخی سوسیالیست‌های آمریکایی، ظهور دولت‌های دیکتاتوری کمونیستی با اقتصاد طراحی شده، باعث تحریف معنای سوسیالیسم می‌شود؛ زیرا این دولت‌ها عملاً به مردم اجازه ندادند تا کنترل اقتصادی را که به لحاظ نظری مالک آن بودند به دست گیرند. «برخی دیگر از حکومت‌های مدعی سوسیالیسم نیز در وحشیانه‌ترین رویدادهای تاریخ قرن بیستم دخالت داشته‌اند؛ مثل کشتارها و تبعیدهای جمعی دوران حکومت استالین در شوروی. برخی از کشورهای سوسیالیستی جهان سوم نیز در پیش‌برد رفاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان‌شان، نسبت به هم‌تایان غیر سوسیالیست خود، کارآمدتر بودند؛ مانند کوبا که با استانداردهای بالاتری در زمینه سواد، آموزش عمومی، مراقبت بهداشتی و خدمات، نسبت به کشورهای غیر سوسیالیست هم‌تای خود در آمریکای جنوبی دارد.

²² Robert Owen

1.8.2. ویژگی‌های اقتصاد سوسیالیستی

1. **مالکیت همگانی بر دارایی:** مالکیت بر دارایی، به‌ویژه دارایی‌هایی که از آن برای تولید کالا و خدمات استفاده می‌شود، محدود می‌شود. قوانین ممنوعیت مالکیت دارایی به‌نحوی طراحی می‌شوند، که همگان بتواند صاحب خانه شوند و به کالاهای مورد نیاز دسترسی داشته باشند. کارل مارکس²³ (1818-1883)، بر این باور بود که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید سبب پدید آمدن برگزیدگان اقتصادی و تشدید طبقات اجتماعی است از این رو سوسیالیسم در جستجوی کاهش نابرابری اقتصادی و رسیدن به جامعه بی‌طبقه است.
2. **تعقیب اهداف جمعی:** تعقیب خواسته‌های فردی به‌ویژه کسب سود بیشتر، برخلاف روح جمعی است که سوسیالیسم به دنبال آن است. ارزش‌ها و هنجارهای سوسیالیستی آنچه را که سرمایه‌داری، "روح کارآفرینی" می‌خواند، محکوم می‌کند و به همین دلیل تجارت خصوصی از زمره اعمال "بازار سیاه" به‌شمار می‌آید.
3. **کنترل اقتصادی از سوی حکومت:** سوسیالیسم این ایده که اقتصاد بازار آزاد از خود مراقبت می‌کند و باعث رشد اقتصادی می‌شود، را مردود می‌شمرد. در عوض، به‌جای رهیافت رها کردن بازار به حال خود، حکومت‌های سوسیالیستی، طراحی، نظارت و کنترل اقتصادی را در دست خود می‌گیرند. سوسیالیسم این ایده را نیز مردود می‌شمرد که سرمایه‌داران کالاهایی را تولید می‌کنند که مورد نیاز مصرف‌کنندگان است؛ در نظام سرمایه‌داری مصرف‌کنندگان از اطلاعات ضروری برای ارزیابی تولیدات مصرفی بی‌بهره‌اند و در دام تبلیغاتی اسیر می‌شوند که سرمایه‌داران بر سر آن‌ها گسترده‌اند. از این رو در کشورهای سوسیالیستی تبلیغات نقشی ناچیز ایفا می‌کند.

²³ Karl Heinrich Marx

1.8.3. نظریات اقتصادی کارل مارکس

ارزش مازاد و استثمار؛ از نگاه مارکس، یکی از ویژگی های اصلی سرمایه داری، استثمار کارگران است. برای درک مفهوم استثمار، باید با تحلیل مارکس از ارزش کالاها آشنا شویم. مارکس به پیروی از ریکاردو، نظریه ارزش کار را پذیرفته است. براساس این نظریه، ارزش هر کالایی به مقدار کار صرف شده برای تولید آن کالا بستگی دارد. این میزان کار می تواند کار مستقیم (کار و تلاش فعلی برای تولید کالا) یا کار غیر مستقیم (کار قبلی انجام شده برای تولید ماشین آلاتی که برای تولید کالا استفاده شده) باشد. مارکس ارزش همه کالاها را به سه طبقه تقسیم کرده است؛ سرمایه ثابت، سرمایه متغیر و ارزش مازاد. سرمایه ثابت به ماشین آلات، دستگاهها و تجهیزات مورد استفاده برای تولید کالا اشاره دارد؛ این مفهوم به مفهوم استهلاک در حسابداری شباهت دارد. سرمایه متغیر به حقوق و دستمزد کارگران برای تولید کالا اشاره دارد. از نظر مارکس، ارزش مازاد از کسر هزینه های دستمزد و استهلاک از ارزش یک کالا به دست می آید که شبیه مفهوم سود است. مارکس نگاه دومی هم به ارزش مازاد دارد. او می گوید اساس سرمایه داری بر این است که پول بگیرد (M)، از این پول برای خرید چیزهایی (نیروی کار و ماشین آلات) استفاده کند به گونه ای کالاهای جدید تولید کند، سپس این کالاها را به میزان پول بالاتری (M') بفروشد. ارزش مازاد را می توان به صورت تفاوت M و M' نیز تعریف کرد. مارکس معتقد است استیلای صاحبان سرمایه بر ارزش مازاد، همان استثمار است. مارکس اعتقاد داشت که سرمایه داران با سه استراتژی افزایش ساعات کار، افزایش میزان کاربری تولید (از طریق افزایش سرعت خط مونتاژ و اعمال نظارت و فشار بر کارگران) و کاهش دستمزد (یا جایگزینی زنان و کودکان) می توانند ارزش مازاد خود را افزایش داده و کارگران را بیشتر استثمار کنند.

از خود بیگانگی کارگران؛ به نظر مارکس، جامعه سرمایه داری به دلیل ماهیت ساختاری اش، چهار شکل کلی از بیگانگی را در کارگران ایجاد می کند، که همه آنها در قلمرو کار می توانند یافت شوند:

بیگانگی از محصول کار؛ کارگران از کالاهایی که تولید می کنند، بیگانه می شوند. محصول کار کارگران، نه به خودشان، که به سرمایه داران تعلق دارد و ایشان هر کاری بخواهند با آن‌ها می کنند. یعنی سرمایه داران برای دستیابی به سود، این محصولات را به فروش می رسانند. کالایی که کارگران تولید می کنند از آنان بیگانه می‌شود. آنان محصول تولیدی‌شان را دریافت نمی کنند، بلکه در عوض دستمزد می گیرند .

بیگانگی از فرآیند تولید؛ کارگران در نظام سرمایه داری از فرآیند تولید بیگانه اند. آنان فعالانه در تولید شرکت نمی کنند. به عبارت دیگر، آنان برای رفع نیازهای خود کار نمی کنند، بلکه برای سرمایه دار کار می کنند. از این‌رو کار یکنواخت و ملال آور کارگران، که آنان را ارضا نمی کند و جز خستگی نتیجه ای برایشان به همراه نمی آورد، از عوامل بیگانگی آنان است.

بیگانگی از خود؛ از آنجا که کارگران از فعالیت تولیدی و از کالای تولیدشده بیگانه می شوند، از خود نیز بیگانه می شوند. کارگران به دلیل تخصصی شدن کارها نمی توانند مهارت های خود را به‌طور کامل افزایش دهند. نتیجه این امر توده ای از کارگران از خود بیگانه است، چرا که افراد منفرد، امکان اظهار کامل نظرات و خلاقیت‌هایشان را ندارند). این مسئله دقیقاً نقطه مقابل نظر اسمیت در مورد تقسیم کار بود.

بیگانگی از دیگران؛ کارگران در نهایت، از همکاران خود و اجتماع بشری، یعنی از نوع انسان، نیز بیگانه می‌شوند. فرض مارکس این بود که انسان اساساً برای دستیابی به آنچه که در طبیعت برای بقایش لازم است، خواهان و محتاج همکاری با دیگران است، در نظام سرمایه داری، این همکاری مختل می شود و در واقع، کارگران خود را جدا از دیگران، یا بدتر از آن، در رقابت با یکدیگر می بینند. انزوا و رقابت کارگران در نظام سرمایه داری موجب می شود آنان از سایر کارگران بیگانه شوند .

فروپاشی سرمایه‌داری؛ مارکس معتقد بود از خود بیگانگی و استثمار کارگران به ناچار موجب نبرد طبقاتی میان سرمایه‌داران و مالکان ابزارهای تولید و کارگران می‌گردد که با افزایش فشار روی کارگران، این مبارزه به

فروپاشی سرمایه‌داری می‌انجامد. وجود رقابت میان سرمایه‌داران نشان می‌دهد که این فشار لاجرم روندی افزایشی و مستمر خواهد داشت. در نگاه تاریخی مارکس، همانطور که سرمایه‌داری جانشین فئودالیسم شد، سوسیالیسم نیز جایگزین سرمایه‌داری می‌گردد. در یک جامعه سوسیالیستی، کارگران مالک ابزارهای تولید بوده و در مورد شرایط کار، کیفیت محصول، دستمزد و... تصمیم‌گیری می‌کنند.

به‌علاوه، نیروهایی که جزء لاینفک سرمایه‌داری هستند، باعث نابودی این نظام از درون می‌گردند؛ نخست، سرمایه‌داران برای رسیدن به ثروت و کامیابی بیشتر، که اساس سرمایه‌داری است، با یکدیگر به رقابت پرداخته و روز به روز بر شدت این رقابت افزوده می‌شود. بازندگان نیز وضعیتی شبیه کارگران پیدا می‌کنند و باید دنبال کار باشند و در نتیجه دچار استثمار و از خود بیگانگی می‌شوند. دوم، سرمایه‌داری ماهیتاً گرایش بی‌پایان به سمت انحصار و تمرکز اقتصادی دارد.

انحصارگرایان سودهای هنگفتی تولید می‌کنند. در یک محیط رقابتی، همه بنگاه‌ها برای کسب سود بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند. فرآیند رقابت باعث حذف بنگاه‌های ضعیف یا جذب آنها توسط بنگاه‌های قوی‌تر می‌گردد. به علاوه، برای ادامه حیات در یک فضای رقابتی، بنگاه‌ها مجبورند همواره بهره‌وری را بهبود بخشند. اما بهبود تکنولوژیکی مستلزم افزایش میزان سرمایه است. بنابراین برای تأمین سرمایه بیشتر، بنگاه‌های بزرگتر و بزرگتری مورد نیاز هستند. چنین گرایش‌هایی به سمت انحصار بدین معناست که کسب و کارهای کوچک توسط بنگاه‌های بزرگ ورشکسته می‌شوند و تاجران خرد و زنان به زودی به کارگران این انحصارهای بزرگ تبدیل می‌شوند. آخرین نیرویی که باعث مرگ سرمایه‌داری می‌شود، کاهش نرخ سود است. هدف نهایی سرمایه‌داری انباشت هرچه بیشتر ثروت است. برای پیروزی در این بازی، ماشین‌آلات هر چه کارآمدتر باید مورد استفاده قرار گیرند.

به این ترتیب، فرآیند تولید به طور نسبی به سرمایه بیش از کار تکیه می‌کند. نرخ سود از تقسیم کل سود بر پول اولیه (مورد استفاده برای تولید) به دست می‌آید. در ترمینولوژی مارکس، نرخ سود با نسبت ارزش مازاد به

سرمایه ثابت به اضافه سرمایه متغیر برابر است. از آنجاییکه ارزش مازاد از استثمار کارگران به دست می‌آید، استفاده از ماشین‌آلات بیشتر و نیروی کار کمتر تنها می‌تواند باعث کاهش ارزش مازاد و نرخ سود گردد. گرایش به سمت جایگزینی نیروی کار با ماشین‌آلات باعث افزایش بیکاری نیز می‌گردد. "ارتش ذخیره بیکاران" به پایین نگاه داشتن دستمزدها کمک کرده و در راستای جلوگیری از کاهش نرخ سود وارد عمل می‌شود. اما هم‌زمان، بیکاری بالا و دستمزدهای پایین به ناآرامی‌های اجتماعی بالاتری می‌انجامد. و این مسأله بیش از هر چیزی به پایان سرمایه‌داری سرعت می‌بخشد.

از نظر مارکس، سرمایه‌داری تنها یکی از مراحل فرآیند تاریخی است که همه اقتصادها از این فرآیند گذر می‌کنند. او معتقد است که فعالیت اقتصادی انسان با شکار آغاز شده است. سپس انسان‌ها جوامع مبتنی بر کشاورزی را تشکیل دادند که اندکی بعد به اقتصادهای فئودالی توسعه پیدا کردند. در نظام فئودالیسم، مالکان زمین دهقانان را تحت حمایت خود قرار داده و دهقانان بخشی از محصول کشاورزی حاصل را در اختیار مالکان زمین قرار می‌دهند. با ظهور تاجرانی که در فعالیت‌های تولیدی با مقیاس کوچک را رونق بخشیده و وارد تجارت داخلی و بین‌المللی کالاها شدند، فئودالیسم نیز به سرمایه‌داری تبدیل شد. به عقیده مارکس، نظام اقتصادی هر عصری مزایا و معایبی داشت که اقتصاد سرمایه‌داری نیز از این قاعده مستثنی نیست. افزایش متوسط سطح استانداردهای زندگی، استفاده از تکنولوژی و ماشین‌آلات و توانایی جذب کارگران به شهرها و شهرک‌ها و نجات آنها از زندگی حماقت‌بار روستایی، از جنبه‌های مثبت اقتصاد سرمایه‌داری به‌شمار می‌آیند که مارکس آنها را برشمرده است.

اما از دیدگاه مارکس، جنبه‌های منفی اقتصاد سرمایه‌داری بیش از جنبه‌های مثبت آن است. به‌علاوه، او نابسامانی‌های نظام سرمایه‌داری را بخش ذاتی و لاینفک این نظام می‌داند. او معتقد است اجرای اصلاحات برای کاهش اثرات مخرب نظام سرمایه‌داری نمی‌توانند این مسائل ریشه‌ای را مرتفع نموده و سرمایه‌داری را از مواجهه با سرنوشت نهایی خود نجات دهد. در حقیقت، مارکس و انگلس در مانیفست کمونیستی از پاره‌ای از اقدامات

اصلاحی از قبیل رایگان بودن کتابخانه‌های عمومی، رایگان بودن آموزش، ممنوعیت کار کودکان در کارخانه‌ها، مالیات بر درآمد تصاعدی، حذف مسئله ارث، کنترل دولت روی شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل و تأسیس یک بانک ملی حمایت کرده‌اند. اما مارکس این سیاست‌ها را به‌مثابه مرهمی تلقی می‌کرد که زندگی را در شرایط سرمایه‌داری قابل تحمل‌تر نماید. مارکس تأکید می‌کرد این سیاست‌ها تغییری اساسی در عملکرد سرمایه‌داری ایجاد نکرده و نمی‌توانند این نظام را از نابودی به‌دست خود حفظ نمایند. فارغ از اینکه چه سیاست‌هایی اجرا شوند، سرمایه‌داری به دلیل مشکلات زیادی که به‌بار می‌آورد، محکوم به فروپاشی است. مارکس در اکثر نوشته‌های اقتصادی خود به دنبال توضیح این مشکلات و نابسامانی‌هاست.

مارکس در مورد زندگی اقتصادی پس از سرمایه‌داری چیز زیادی نگفته است. وی معتقد بود کارگران به جای سرمایه‌داران مالک ابزارهای تولید خواهند شد. این تعریف سنتی نظام اقتصادی سوسیالیستی است. واضح است که مارکس توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت را در نظام سوسیالیستی تصور می‌کرده است. اما فراتر از این مطالب، مارکس چیز دیگری نگفته است. وی با اینکه تصویر روشنی از آینده ارائه نداده، اما همواره مشوق کارگران قرن 19 برای سازمان‌یافتن و شورش علیه ظلم سرمایه‌داری بوده است.

1.9. مکتب سرمایه‌داری

اصطلاح "کاپیتال" مأخوذ از ریشه لاتینی کاپیتلیوم²⁴ است. پیشوند "caput" به‌معنای "سر" و در زبان اقتصاد به‌معنای سرمایه به‌کار می‌رود. پول، از آن جهت که سود و بهره به‌دنبال دارد، در اقتصاد، سرمایه مالی محسوب می‌شود. سرمایه‌داری عبارت از روحیه سودجویی و سرمایه‌گذاری مستمر سودها، با توسل به راه و روش عقلانی است. در یک نظام سرمایه‌داری هر فرد سرمایه‌دار، الزاماً باید از تمام امکانات موجود برای کسب حداکثر سود استفاده کند؛ زیرا در غیر این‌صورت، محکوم به زوال و ورشکستگی است. برای اینکه بتوانیم به تعریف دقیقی از سرمایه‌داری برسیم، تبیین این مسئله ضروری است، که ما کنش اقتصادی را کنشی مبتنی بر

²⁴ (Capitalism)

سودجویی و تحقق سود با بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری و به‌عبارت دیگر امکان‌پذیری فرصت‌های (به‌ظاهر) صلح‌آمیز بدانیم. سرمایه‌داری نظامی اجتماعی است که در آن وسایل تولید، توزیع و مبادله به‌طور کامل و اساسی در مالکیت خصوصی افراد است. نظام سرمایه‌داری در بریتانیای قرن هجدهم توسعه یافت و بعدها به شمال غربی اروپا و آمریکای شمالی راه یافت. این مسئله همراه و همزمان با انقلاب صنعتی بود.

دو نوع نظریه در مورد پیدایش سرمایه‌داری وجود دارد. یکی این‌که سرمایه‌داری زاینده اختراعات مکانیکی قرن هیجدهم است؛ که باعث افزایش سریع قدرت تولید کارخانه‌ها و جستجو برای بازارهای جدید جهت فروش کالاهای تولیدشده و در نتیجه باعث گسترش تجارت و بازار مالی شد. نظریه دوم که بیشتر به حقیقت نزدیک‌تر است این است که پیدایش سرمایه‌داری تجاری و مالی بر سرمایه‌داری صنعتی تقدم داشته است.

1.9.1. اصول نظام سرمایه‌داری

لیبرالیسم اقتصادی؛ لیبرالیسم اقتصادی مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام سرمایه‌داری است. این اصل به دنبال پذیرش فلسفه دئیسم ابتدا توسط اقتصاددانان فیزیوکرات و سپس کلاسیک، مورد تأکید قرار گرفت. در تعریف کلی، لیبرالیسم به معنی اعتقاد به ارزش آزادی فردی است؛ که از دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی تشکیل می‌شود. در این نظام، افراد آزاد هستند روشی را جهت بهره‌برداری از منابع موجود انتخاب کنند؛ چون هرکس بهتر از دیگران قادر به قضاوت درباره منافع خویش است. همچنین محور اصلی هر اجتماع خود فرد است و فرد و منافع او بر اجتماع تقدم دارد.

رقابت؛ اهمیت این اصل در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به حدی است که این نظام را نظام رقابتی نیز می‌نامند. اگر چه به دلیل ارتباط نزدیک اصل رقابت با لیبرالیسم می‌توان آن را از "مبانی فکری" نظام سرمایه‌داری نیز به حساب آورد، اما به دلیل تعیین قیمت در بازار رقابتی در سطحی که سود متعارف را تأمین می‌کند، این اصل در درجه

اول از "اصول" نظام سرمایه‌داری به حساب می‌آید. بازار رقابت کامل بازاری است که در آن تعداد تولیدکنندگان و فروشندگان کالاهای همگن، بی‌شمار و سهم هر یک از خریدار و فروشنده از بازار اندک است.

مکانیسم بازار و تعادل اقتصادی؛ براساس این اصل، مکانیسم خودکار بازار به‌عنوان تنها عامل ایجادکننده تعادل و تنظیم‌کننده عرضه و تقاضا در سطح تعادل است و هرگونه مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی، مخالف با نظم طبیعی و تعادل خودکار است. به‌عبارت دیگر اگر تقاضا در بازار، برای کالا بیشتر از تولید باشد، قیمت کالای مورد نظر افزایش خواهد یافت و اگر عرضه بیش از تقاضا باشد، مقداری از آن کالا فروش نرفته و تولیدکننده مجبور به کاهش قیمت کالای خود خواهد شد. لذا تغییر در قیمت‌ها، سبب افزایش یا کاهش کالای عرضه‌شده به بازار می‌شود؛ تا تعادل بین عرضه و تقاضا به‌وجود آید. این عملیات باید به‌طور طبیعی و بدون دخالت دولت انجام گیرد، تا بازار همیشه در تعادل باشد.

انگیزه سود؛ انگیزه سود در نظام سرمایه‌داری خودخواهانه است و اجتماعی که براساس منفعت شخصی بنا شود، ملاحظات اخلاقی را در نظر نخواهد گرفت؛ چون از نظر طرف‌داران نظام سرمایه‌داری، موفقیت در کارها بر اساس سود و ضرر سنجیده می‌شود.

آزادی انتخاب شغل؛ در این نظام، بیکاری که به‌واسطه تغییر در تقاضای عوامل تولید و تکنولوژی به‌وجود می‌آید، غیر قابل اجتناب است و آزادی انتخاب شغل در اقتصادی که بیکاری طولانی در آن حکم‌فرما است، نمی‌تواند معنی و مفهومی داشته باشد.

2. پول

2.1. تعریف پول

پول به مانند سایر مفاهیمی که کاربرد فراوانی در بین عامه مردم دارد، دارای تعاریف و مفاهیم متعددی است که گاهاً با تعریف اقتصادی آن تفاوت‌های آشکاری دارد. لیکن تعریف اقتصادی " پول عبارت است از هر چیزی که در ازای کالاها یا خدمات یا برای بازپرداخت بدهیها مورد قبول واقع شود " طبق این تعریف پول چیزی فراتر از آن است که توسط مردم استنطاق می گردد. چرا که پول از دیدگاه عامه عبارت است از اسکناس و مسکوک در دست مردم که این تنها بخشی از تعریف فوق را شامل می شود. پول از متغیرها و عوامل بسیار کلیدی در اقتصاد است و بایستی مدیریت گردد، و از آنجائیکه چیزی قابل اندازه گیری نباشد قابل مدیریت نیست لذا لازم است تعریف دقیق و عملیاتی از پول صورت گیرد که در قسمتهای بعدی تعریف عملیاتی ارائه شده برای پول و عرضه پول ارائه می گردد.

پول در تعریف ابتدایی آن وسیله، قطعه، شی، یا چیزیست که انسان‌ها برای تبادل خواسته‌ها، خدمات، کالاهای نیازها از آن استفاده می‌کنند. به صورت کلی هر چیزی می‌تواند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد. در زمانهای قدیم کالاها معمولاً به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در بسیاری کشورهای جهان طلا و نقره به عنوان پول رایج بودند. در حال حاضر تقریباً تمام پول مورد استفاده در تمامی کشورهای دنیا اصطلاحاً پول فیات است که به پولی اطلاق میشود که دارای ارزش ذاتی نبوده و کنترل ارزش آن در اختیار حکومت است. در بیشتر کشورهای دنیا پول در گردش دارای دو بخش پول مسکوک و پول بانکی است که پول بانکی اکثریت مقدار پول در گردش را تشکیل میدهد.

به عبارت دیگر اقتصاددانان برای پول با توجه به تعریف فوق معیارها و مشخصاتی تعریف نموده اند تا تفاوت‌های آن با وجوه نقد، درآمد و ثروت مشخص گردد. با توجه به تعریف فوق پول در ابتدا به صورت کالا بوده و در مبادلات کالاها در ازای کالاها و خدمات یا رد دیون مورد پذیرش واقع می شدند که مطابق با تعریف پول بوده و

پول کالایی نامیده می شدند. البته لازم به ذکر است که در مبادلات پایای نیز کالا نقش پول را داشت ولی پول کالایی بیشتر برای دورانی مطرح می گردد که در هر منطقه ای کالای مسلط و دارای مقبولیت بالا به عنوان معیاری جهت ارزشگذاری کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می گرفت.

با توجه به تعدد کالاهای مورد استفاده قرار گرفته به عنوان پول و بحث استهلاک و مشکل نگهداری آنها باهت گردید به جای تعدد کالاها، کالاهای خاصی که دارای استاندارد بوده و دارای عمر بیشتری بوده و ... به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرند که در این میان طلا و نقره با توجه به محدودیت عرضه، مقبولیت عمومی و ... به عنوان وسیله مبادله و ارزشگذاری پذیرفته شده و به آن دوران دوران پول فلزی می گویند. بعد از مدت زمان زیادی از رواج پول فلزی با توجه به مشکل حمل و نقل آنها و ... صرافان در قبال دریافت پول فلزی از تجار و مردم رسیدهای کاغذی به آنها می دادند که در ازای دریافت کالاها و خدمات و همچنین رد دیون مورد پذیرش واقع می شدند. بنابراین پول کاغذی اختراع و جایگزین پول فلزی گردید. با گسترش معاملات و شهرنشینی چک در معاملات جایگزین پرداخت پول نقد یا اسکناس شد که به آن پول تحریری گفته می شود و در کشورهای صنعتی بیشترین کاربرد را در معاملات دارد. و در سالهای اخیر با گسترش IT پول الکترونیکی می رود که وسیله مبادله مسلط اقتصاد گردد.

2.2. تاریخ پول

در جوامع اولیه معمولاً مبادله کالا به صورت مبادله پایاپای انجام میگردید. در چنین سیستمی معمولاً مقدار معینی از یک کالا با مقدار معینی از کالای دیگر به صورت پایاپای مبادله میگردید. این سیستم تنها در اجتماعهای کوچک قابل استفاده است و با بزرگتر شدن جوامع انسانی نیاز به مبادله به وسیله پول شکل گرفت. در قدیم معمولاً پول یکی از کالاهای موجود در آن جامعه بود. به طور مثال در زمان قدیم در خاورمیانه جو به عنوان پول مورد استفاده قرار میگرفت و یا در قاره آمریکا صدف به عنوان پول استفاده میشد. به نوشته هرودت، مردم لیدیا اولین کسانی بودند که به استفاده از سکه نقره روی آوردند. با گسترش بانکها استفاده از رسیدهای

بانکی به عنوان پول گسترش گرفت. در بین قرنهای 17 تا 19 میلادی در بیشتر کشورهای اروپایی استاندارد طلا مورد استفاده بود که در آن پول کاغذی دارای ارزش معین و ثابتی نسبت به طلا بود. بعد از جنگ جهانی دوم در کنفرانس برتون وودز بیشتر کشورهای دنیا به استفاده از پول فیات که به دلار آمریکا ثابت شده بود روی آوردند و دلار آمریکا تنها پولی بود که ارزش آن نسبت به طلا ثابت شده بود. در سال 1971 و در زمان ریچارد نیکسون آمریکا به صورت یکطرفه پیمان برتون وودز را لغو نمود و از این زمان به بعد تمامی پول مورد استفاده در دنیا تبدیل به پول فیات گردید. پول رایج باید ۵ ویژگی داشته باشد:

1. مورد قبول عموم باشد.
2. بادوام باشد.
3. استفاده از آن آسان بوده و قابل تقسیم به قسمتهای کوچکتر باشد.
4. دارای ارزش ثابت باشد.
5. تولید آن محدود باشد.

2.3. تاریخچه پول در ایران

در بیشتر کشورهای شرقی و آسیایی، فلزی که در مبادله‌ی کالا از آن استفاده می‌شد، حلقه‌ای شکل بود. و در سه هزار سال پیش از میلاد از آن استفاده می‌کردند که می‌توان آن را قدیم‌ترین وسیله‌ی مبادله، پیش از اختراع سکه، دانست. در کاوش‌های شوش حلقه‌هایی از ویرانه‌های معابد، از دوهزار سال قبل از میلاد، به دست آمده است. استفاده از فلزات سبک وزن و کم حجم و گران‌بها، که معاملات را سهل و ممکن می‌ساخت، مورد قبول عامه قرار گرفت. بدین ترتیب مرحله‌ی پیدایش پول آغاز شد.

2.3.1. واژه‌ی پول

پول از کلمه‌ی یونانی Obolos گرفته شده و آن سکه‌ای بود برابر یک ششم درهم یا دراهم. کریستین سن معتقد است کلمه "پول" در زمان اشکانیان به ایران راه یافته است. "سکه" نام دستگاه آهنینی بود که برای مهر

زدن بر پول‌هایی که در میان مردم رایج و با آن معامله می‌کردند، به کار می‌رفت. بعدها آن را اثر مهری می‌نامیدند که روی سکه‌های حک می‌شد. بنابراین سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت، یا حکومتی که عیار و وزن آن و ارزش آن را تعهد می‌کند، قید شده است.

2.3.2. سکه در ایران در دوره ی هخامنشی

بی‌شک پیش از دولت هخامنشی و تصرف لیدی در سال ۵۶۴ قبل از میلاد ایرانیان به اختراع پول اقدام کرده و در کشور خود رواج داده بودند. پس از سقوط لیدی به دست کوروش، "یونا" یکی از ساتراپ‌نشین‌های هخامنشی شد که در "ساردس" کارگاه ضرب سکه بود و در زمان کوروش کبیر خشایارشا و کمبوجیه در آن ضرب سکه می‌کردند. داریوش بزرگ سومین پادشاه هخامنشی برای اولین بار در آن دوران تصمیم گرفت سکه‌ای ضرب کند که ارزش بین‌المللی داشته باشد و در تمام کشورهای تابعه و نزد همه اقوام متمدن آنزمان دارای اعتبار باشد. به همین منظور و به اصطلاح امروز برای مقبولیت و رواج جهانی آن، فرمان داد سکه از زرناب ضرب کنند و آنرا بنام خود "دریکوس" نامید چون نام اصلی داریوش "داریه‌وهی" بوده است که به زبان فارسی دوره هخامنشی به معنای "دارنده‌هی" است و کلمه وهی همان است که امروز به "بهی" تبدیل شده است و بدینسان معنای نام او "دارنده‌وهی" است اما در قانون مشهور حمورابی نیز که به 1930 قبل از میلاد برمی‌گردد، موادی درباره حق‌العمل کاری و میزان آن پیش‌بینی شده است. بر روی خشت‌هایی که در بابل کشف گردیده نیز متونی منقوش است و بر روی یکی از آنها سندی است که حکایت از انتقال پول از بابل به "لارسا" دارد.

یونانیان او را به زبان یونانی داریوش خواندند (دهخدا جلد 13 ص 545). بنابراین سکه دریکوس به معنای سکه داریوشی است که هنوز هم در سکه‌شناسی یکی از مشهورترین و گرانبهارترین سکه‌های امروزین جهان است. داریوش حتی برای آنکه دریکوس (که بعدها "دریک" هم نامیده شد) همیشه در جهان شایسته شاهنشاهی ایران باشد، دستور داد سران کشورهای تابعه و و ساتراپ‌ها مجاز به ضرب سکه طلا نباشند و فقط اجازه ضرب سکه نقره را داشته باشند بگونه‌ای که ارزش 10 سکه نقره و عیار خالص معادل یک دریکوس زرناب او باشد.

داریوش بزرگ سومین شاهنشاه هخامنشی (۵۲۱-۴۸۵ قبل از میلاد) بر آن شد پولی ضرب کند که در همه جا پذیرفته شود و در سراسر کشور اعتبار داشته باشد و بر خلاف مسکوکات قبلی فقط ارزش محلی نداشته باشد. زیرا سکه‌هایی که در آن زمان در ایران رواج داشت، هیچ‌یک از آن شاهنشاهان هخامنشی نبودند. نخستین سکه‌ای که از آن زمان باقی مانده سکه داریوش است که شهرت جهانی دارد. این سکه را یونانی‌ها "دریکوس" یعنی "داریوش" می‌نامند که آن را نباید با کلمه‌ی زرینه و درینه یکی تصور کرد. سکه‌ی داریوشی از زرناب بود. در زمان هخامنشیان هیچ‌یک از حکام و پادشاهان محلی حق نداشتند بدون اجازه‌ی داریوش به نام خود سکه زنند، فقط اجازه داشتند با اجازه‌ی داریوش سکه‌ی نقره بزنند، چرا که ضرب سکه‌ی طلا در انحصار مرکز بود. نخستین سکه‌ی داریوش احتمالاً در سال ۵۱۶ قبل از میلاد ضرب شده است.

پس از فتح یونان به دست سپاهیان ایران و اختلاط ایران و یونان، واژه‌ی درم در ایران متداول شد که اصل آن دارشم (دراخم) یونانی است و ایرانیان آن را درم گفتند که نام پول بود و اعراب بعدها این واژه را از ایرانیان اقتباس کردند. از مسکوکات دوره‌ی هخامنشی، به جز دریک شکل یا سیکل، درم؛ کرشه را می‌توان نام برد. واحدهای کوچک‌تر مسکوک زر، نیم‌ستاتر و یک‌سوم‌ستاتر نامیده می‌شدند.

2.3.3 سکه در دوره‌ی اشکانی

با غلبه اسکندر بر ایران سکه‌های طلا کمیاب و از جریان خارج شد. در آن زمان دیگر در ایران طلا ضرب نمی‌شد. سلوکی‌ها در معاملات داخلی خود سکه‌های نقره به کار می‌بردند و اشکانیان نیز به تقلید از سلوکیان از پول نقره استفاده می‌کردند. اشکانیان از نقره و مس و مفرغ نیز سکه می‌زدند. جنس برخی از این سکه‌ها از برنج بود که روی آن لعابی از مس داده بودند. سکه‌های این دوره دو نوع بود: نوع اول مسکوکات نقره‌ی چهاردرخمی با تعدادی مسکوک مسی؛ و نوع دوم یک‌درخمی نقره و مسکوکاتی از مس. نوع اول سکه‌ها در شهرهای یونانی‌نشین و نوع دوم در مراکزی که تحت حکمرانی مستقیم پارت‌ها بود، ضرب می‌شد.

2.3.4. مسکوکات دوره صفوی

سکه‌های عصر صفوی از طلا، نقره و مس بود. سکه‌های زمان شاه عباس "عباسی" نامیده می‌شد. این سکه‌ها نخست از جنس نقره بود. هر پنجاه عباسی را یک "تومان" می‌گفتند، که ده هزار دینار قیمت داشت. در این دوره مسکوک طلا وجود نداشت. فقط سکه‌های طلا را که "شاهنشاه" نام داشت، هنگام جلوس شاه بر تخت سلطنت و در جشن نوروز ضرب می‌کردند. این سکه‌ها در میان مردم رواج نداشت و آن را اشرافی نیز می‌گفتند. علت این نام‌گذاری بهای زیاد آن‌ها بود.

سکه‌های رایج این دوره "غزبیگی" یا "غازبیگی" برابر پنج دینار یا یک‌دهم شاهی؛ "بیستی" معادل بیست دینار یا دوپنجم شاهی؛ "پول سیاه" یا "قراپول" معادل بیست و پنج دینار یا نیم شاهی؛ "شاهی" معادل پنجاه دینار؛ و "عباسی" معادل دویست دینار یا چهارشای بود. تا انتخاب ریال به منزله‌ی واحد پول در ایران، در سال ۱۳۰۸ شمسی و حتی سال‌ها بعد از آن، از این واحدهای پولی استفاده می‌شد.

پس از صفویه نیز از این مسکوکات استفاده می‌کردند. در دوره‌ی نادشاه واحد پولی به نام "نادری" وجود داشت، که ارزش آن ده‌شاهی بود.

2.3.5. مسکوکات دوره قاجاریه

واحد اصلی پول قاجار تومان، قران و شاهی بود. تومان واژه‌ی ترکی ایغوری است به معنی ده هزار که در تقسیمات لشکری هر ده هزار سرباز تومان و فرماندهی آنها امیرتومان نامیده می‌شد. تا پیش از قاجار از این واحد پولی استفاده نمی‌شد. در دوره‌ی مغول ده هزار دینار را برابر تومان می‌دانستند. کسروی یک تومان مغول را برابر صد هزار تومان امروز می‌داند. تونان طلا اولین بار در زمان فتحعلی‌شاه قاجار ضرب شد.

وزن آن در ۱۲۲۴ قمری (۱۱۸۸ شمسی) یک‌مئقال و یک‌ششم مئقال بود. در سال ۱۲۹۸ قمری در زمان ناصرالدین‌شاه، وزن طلای تومان کاهش یافت و ارزش آن برابر ده قران نقره یا ده هزار دینار شد. اما سکه‌ای به نام

دینار وجود نداشت. در سال ۱۳۰۸ شمسی که آحاد پول ایران تغییر کرد، تومان به معنای ده ریال شد که هنوز هم این لفظ رایج است .

در زمان فتحعلی‌شاه، سکه‌ی نقره‌ی جدید، یعنی "قران" متداول شد، که معادل یک‌دهم تونان و پنج‌عباسی یا بیست‌شاهی بود. در این زمان شاهی به صورت سکه‌ی مسی در آمده بود. بنابراین سه شکل سکه در ایران رایج بود: تومان‌های طلا، قران نقره و شاهی مسی. ولی پول رایج سکه‌های نقره بود.

پول دوره‌ی قاجار تا اوایل دوره‌ی پهلوی رایج بود. اما طلا پشتوانه‌ی پول نبود. در سال ۱۳۰۸ شمسی طلا پشتوانه‌ی پول شد. مسکوک نقره‌ی یک‌ریالی به نمایندگی ریال طلا در کشور رایج و قران برچیده شد؛ مسکوک نقره، نیم‌ریالی، دوریالی و پنج‌ریالی شد .

ریال در اصل واژه‌ی اسپانیایی است و آن نام سکه‌ی نقره‌ای رایج در آن سرزمین بود که به معنی "شاهی" است. این واژه مترداف "رویال"²⁵ "انگلیسی و "رگالیس" لاتین است که آن هم به معنای شاهی است و از ریشه "رکس"²⁶ "یعنی شاه است .

از مسکوکات قانونی طلا در ایران در دوره‌ی رضاشاه، سکه‌ی پهلوی است که بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۱۰ شمسی در مجلس شورای ملی، که برای تعیین واحد و مقیاس پول ایران به تصویب رسید، سکه پهلوی طلا به ارزش صدریال ضرب شد. این سکه دارای عیار ۹۰۰ در هزار بود و با عکس شیر و خورشید و پادشاه مزین شده بود. پس از انقلاب ۱۳۵۷ در بهار ۱۳۵۸ سکه‌ی طلای ایرانی ضرب شد که به نام "بهار آزادی" که دارای همان عیار پهلوی است. مسکوکات ریال نیز در این دوره ضرب و اسکناس نیز مانند زمان پهلوی منتشر شد.

²⁵ Royal

²⁶ Rex

2.3.6. اسکناس

از زمانهای قدیم، اسکناس به انواع و اشکال مختلف وجود داشته و در هر زمان دارای نقش و وظایف محدود و خاصی بوده است. مثلاً، در روم قبل از میلاد، بانکها اسناد کاغذی منتشر می‌کردند و به اشخاصی که مسکوکات خود را پیش آنها به امانت می‌گذاشتند، سندی به عنوان قبض رسید می‌دادند. این اسناد در بازار دست بدست می‌گشتند و عملاً وظایف پول مسکوک و رایج آن زمان را انجام می‌دادند. در قرون وسطی نیز، بانکهای هلندی و انگلیسی اسنادی نظیر آن را ابداع و بر اساس آن وصول مسکوکات فلزی قیمتی را طبق سندی، گواهی می‌کردند و این سند، انتقال اسمی مسکوکات فلزی را امکان‌پذیر می‌ساخت و در عمل، قسمتی از وظایف و نقشهای همان مسکوکات را ایفا می‌کرد.

در سال 1656 میلادی، پالمستروخ موسس بانک سوئد اسکناس را ابداع کرد و آن را به ویژه برای تنزیل اسناد تجاری به وسیله بانکها، رایج ساخت. قبل از این تاریخ، بانکها اغلب به عملیات تنزیل و قبول سپرده می‌پرداختند. بدین ترتیب که اسناد تجاری مدت دار را به عنوان سپرده نزد خود می‌پذیرفتند و موقتاً معادل وجه آنها را بعد از کسر ارزش اسمی سپرده، به صورت مسکوکات فلزی، به دارندگان آنها می‌دادند. این نوع اسکناس، در واقع تعهدنامه‌ای بود که طبق آن بانک تنزیل کننده یا قبول کننده سپرده، آنرا منتشر و تعهد می‌کرد که هر وقت حامل آن به بانک رجوع کند، بدون هیچگونه تشریفات، معادل آن را به صورت مسکوک فلزی به وی بپردازد. پس در حقیقت، این تعهدنامه در عین حال یک اسکناس قابل تبدیل به فلزات قیمتی نیز بود. این همان اسکناسی است که بعدها با طلا رابطه رسمی برقرار ساخت و از نظر حجم انتشار و موسسات منتشرکننده، تابع مقررات و قوانین پولی و بانکی گردید و از قرن نوزدهم پول رایج عمومی در اقتصاد کشورها شد.

2.3.7. پول تحریری

پول تحریری یا پول اعتباری به مجموع مانده حسابهای مشتریان بانکها و سایر موسساتی که سپرده می‌پذیرند، اطلاق می‌شود و معمولاً به وسیله چک یا ابزاری دیگر از حسابی به حساب دیگر قابل انتقال است. بخش مهمی

از داد و ستدها و مبادلات از طریق پول تحریری صورت می‌گیرد و بخش دیگر آن با اسکناس و مسکوک انجام می‌شود، لذا سپرده‌ها هم می‌توانند به نوعی وظایف پول را انجام دهند.

2.3.8. نشر اسکناس

دکتر جهانشاهی در کتاب تاریخ سی سال بانک ملی ایران می‌نویسد "در تمام ادوار تاریخ، صرافان کار بانکداری را به مقیاس کوچکی انجام می‌دادند. هر تاجر صراف معینی حساب جاری داشت، یعنی صراف برای هر تاجر دفتر مخصوصی که کلیه دادوستدها، متدرجا در آن منعکس می‌ساخت، به جای چک از حواله‌های کوچک خطی و عادی استفاده می‌شد. کلیه پرداخت‌ها و دریافت‌ها در شهرهای دور و نزدیک بوسیله صراف و با استفاده از برات انجام می‌گرفت". این حواله‌های کوچک که جانشین چک امروزی بود "بیجک" نامیده می‌شد.

در همین زمان، رویداد بزرگ دیگری در ایران رخ داد که انقلابی در صنعت بانکداری بوجود آورد و آن ابداع اسکناس بود. در کشورمان برای اولین بار 720 سال پیش اسکناسی را به چاپ رساندند که "چاو" به صورت واحدهای کوچک محلی اداره می‌شدند زیرا واحد پول، سکه‌های طلا و نقره و سایر فلزات بود، از این رو، جابجایی و انتقال پول را به خاطر وزن زیاد سکه از یک سو و ناامنی راه‌ها از سوی دیگر، تقریباً ناممکن می‌ساخت. ولی ابداع و رواج پول کاغذی بود که راه را برای توسعه شبکه‌های بانکداری هموار کرد.

اولین اسکناس ایران روز شنبه نوزدهم شوال سال 693 هجری قمری (1274 میلادی) در شهر تبریز منتشر شد. این اسکناس قطعه کاغذی بود به شکل مربع مستطیل که در بالای آن در دو طرف عبارت "لا اله الا ا...و محمد رسول ا..." چاپ شده بود در زیر این دو عبارت، نام و عنوان پادشاه به چشم می‌خورد. در وسط اسکناس دایره‌ای چاپ کرده بودند که در آن ارزش اسمی اسکناس از نیم درهم تا ده دینار قید شده بود. در پایین اسکناس نیز این جمله اخطارگونه به چاپ رسیده بود: "پادشاه در سنه 693 این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید. تغییر و تبدیل‌کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانیده مال او را جهت دیوان بردارند." پس از تبریز در خراسان، شیراز، کرمان، عراق عجم و عراق عرب، دیاربکر، موصل و میافارقین نیز چاوخانه دایر شد. شایسته است

در نظر داشته باشیم که عراق عجم که همان کشور عراق امروزی است، در آن زمان در حوزه جغرافیایی ایران قرار داشته است.

ایرانی‌ها برای چاو مقررات بین‌المللی نیز وضع کرده بودند به اینصورت که تجار خارجی که به ایران می‌آمدند، باید در مرز کشور طلا و نقره خود را به خزانه‌دار تحویل داده و معدل آن چاو دریافت دارند و پس از انجام خریدهای خود در ایران هنگام خروج از مرز، اگر چیزی از چاو مانده بود، دوباره به طلا یا نقره تبدیل می‌گردید.

2.3.9. نشر اسکناس در دوره جدید

مدیریت بانک در ایران را ایران شناسان بنام نظیر هوتم شیندلر و ژوزف رابو بر عهده داشتند. با ابتکار رابو بانک شاهنشاهی اقدام به چاپ اسکناس‌های کوچک کرد و هم از این راه وارد زندگی روزمره مردم شد و سود سرشاری کسب کرد. اسکناس در آغاز قرار بود با پشتوانه‌ی طلا چاپ شود، اما بعدها با پشتوانه‌ی نقره به چاپ رسید و نیز می‌بایست پشتوانه طلا برابر هفتاد درصد اسکناس‌های در گردش باشد که بعدها به رقم پنجاه درصد و پس از آن به سی درصد تبدیل شد؛ که در حقیقت هفتاد درصد اسکناس‌ها بدون پشتوانه بود، که این کار سود سرشاری برای بانک در بر داشت.

2.4. نقش یا وظایف پول

همانگونه که بیان شد در طول تاریخ انواع مختلف پول وجود داشته است که فارغ از نوع و جنسیت آن همگی نقش و وظایف یکسانی را داشته اند که به شرح زیر می‌باشد:

2.4.1. پول به عنوان وسیله مبادله

در این نقش که اصلی ترین نقش پول نیز بوده و موجب تحولات پول نیز شده است، پول وسیله ای است برای پرداخت بهای کالاها و خدمات خریداری شده. استفاده از پول به عنوان یک وسیله مبادله موجب کارایی اقتصادی شده و از اتلاف وقت و صرف هزینه جهت داد و ستد کالاها جلوگیری می نماید.

2.4.2. پول به عنوان معیار سنجش ارزش

نقش پول به عنوان معیار سنجش مقایسه کالاها و خدمات با یکدیگر است. به عبارت دیگر با پول می توان کالاها را با یک معیار واحد ارزشگذاری نموده و ارزش کالاها نسبت به یکدیگر را با آن معیار واحد که همان واحد پولی می باشد مورد مقایسه قرار داد. اگر پول وجود نداشت به مانند دوران مبادلات پایاپای بایستی کلیه کالاها و خدمات نسبت به هم ارزشگذاری می شدند که با تنوع عظیم کالاها عملاً این امر غیر ممکن می بود.

2.4.3. پول به عنوان وسیله حفظ ارزش (پس انداز)

یکی از نقش های مهم ولی مبهم پول وظیفه حفظ ارزش آن است. با توجه به تورم و بحث ارزش زمانی پول به نظر می رسد که پول وسیله حفظ ارزش نباشد. ولی با در نظر گرفتن ریسک دزدی، آتش سوزی، فاسد شدن و هزینه نگهداری کالاهای فیزیکی و همچنین بحث قدرت نقدشوندگی نقش پول به عنوان وسیله حفظ ارزش مشخص می گردد.

2.4.4. ابزاری برای پرداختهای انجام نشده (پرداختهای آتی)

پول عاملی در جریان فعالیتهای اقتصاد و موثر بر شاخصها و نوسانات آن است. تاثیرپذیری رکود و رونق اقتصادی در نتیجه عوامل پولی توسط کینز و پیروانش گسترش یافت.

2.5. انواع (تعریف عملیاتی) پول از دیدگاه بانک های مرکزی

همانگونه که در قسمت تعریف پول بیان شد، برداشتهای متفاوتی می تواند از پول به عمل آمده و محاسبه آن را مشکل نماید. اما از آنجائیکه در هر اقتصادی بانک مرکزی متولی عرضه پول و بازار پول آن می باشد لذا تعریف عملیاتی از پول لازم است که به انواع زیر تقسیم می گردد.

رویگرد M1: در این رویکرد مولفه های عرضه پول شامل سکه، اسکناس در دست مردم و حسابهای سپرده جاری (دیداری) اندازه گیری می گردد. در این روش اندازه-گیری پول در هر اقتصاد، مدنظر کارشناسانی است که تنها نقش معاملاتی پول را در نظر گرفته و از آن به عنوان ابزار مبادله استفاده می کنند. از این رو این روش سپرده های پس انداز و مدت دار را در زمره تعریف پول نمی آورد .

$$M1 = DD + CU \quad \text{پول} = \text{سکه و اسکناس در دست مردم} + \text{سپرده های جاری (دیداری)} = M1$$

در مباحث پولی، مفهوم پول توسط این روش شناخته می شود. این روش به طور کلی پول را به عنوان ابزار مبادله و دادوستد می شناسد، اما در نظریه های تقاضای پول، سپرده های پس انداز و مدت دار در تعریف پول گنجانده می شوند. بر این اساس پول به شکل یک دارایی در نظر گرفته می شود. بنابراین M1 محدودترین شکل سنجش مقدار پول در اقتصاد است و شامل موارد زیر می باشد :

1. اسکناس در دست مردم (به جز میزان پولی که توسط فدرال رزرو، خزانه داری و یا بانکها نگهداری می شود).
2. چکهای مسافرتی
3. سپرده دیداری (حسابهای جاری بانک که به آن بهره ای تعلق نمی گیرد). این بخش، سپرده های دیداری را که مربوط به بانکها، دولت و یا سازمانهای خارجی است، شامل نمی شود .
4. دیگر سپرده های چکی: به طور قابل ملاحظه ای شامل حواله حسابهای قابل برداشت می باشد .

رویکرد M2: نظریه پردازان در این روش نقش بزرگتری برای پول در نظر می گیرند و به اجزا تعریف پول در M1 میزان شبه پول نیز اضافه می شود. منظور از شبه پول داراییهایی هستند که توانایی بالایی در نقدشوندگی دارند و به طور مستقیم می-توانند به ابزاری در پرداختها تبدیل شوند. از دیدگاه دیگر شبه پول داراییهای را دربرمی گیرد که علاوه بر قدرت نقدینگی بالا دارای سود و زیان اندکی برای سرمایه باشند. سپرده های پس انداز کوتاه مدت و بلندمدت، سپرده های قرض الحسنه و سپرده های متفرقه دیگر شبه پول می باشند. سپرده های متفرقه شامل سپرده های ضمانتنامه، پیش پرداختهای اعتبارات اسنادی، پس انداز کارکنان بانکها و پیش پرداخت معاملات و وجوه صندوق بازنشستگی می گردد .

$$\text{حجم نقدینگی} = M2 = M1 + \text{شبه پول}$$

M2 شامل موارد زیر است :

1. M1.
2. سپرده های پس انداز (شامل حسابهای سپرده بازار پول).
3. سپرده های بانکی مدت دار که کمتر از صد هزار دلار باشد. (در عرف به نام گواهی پول سپرده یا همان گواهی سپرده شناخته می شود).
4. مانده وجوه خرد بازار پول (وجوه خردی که دست کم کمتر از 50 هزار دلار باشد) .

رویکرد M3: این تعریف که دامنه بزرگتری از عرضه پول را شامل می شود، سپرده های مدت دار با ارقام بزرگ به M2 افزوده می شود. همه موسسات سپرده های بیش از صد هزار دلاری را به صورت گواهینامه سپرده نگهداری می کنند که در واقع همچون اوراق بهادار دولتی در بازارهای مالی دادوستد می گردد و از این رو قابلیت نقدشوندگی بالایی دارد .

$$M3 = M2 + \text{سپرده های مدت دار بیش از صد هزار دلار (گواهینامه های سپرده)}$$

در مقایسه با دیگر روشهای اندازه گیری پول M3 حجم بیشتری را دربر می گیرد و شامل موارد زیر است :

1. M2 .
2. سپرده های بانکی مدت دار بیش از صد هزار دلار .
3. مانده در نهادهای صندوقهای بازار پول (کمترین سرمایه گذاری در این صندوقها به میزان 50 هزار دلار است).

2.6. تقاضای پول

تقاضای پول عبارت است از مقدار پولی که افراد آن را در قالب اسکناس و مسکوک و حساب جاری نگهداری می نمایند. جهت نگهداری یا تقاضای پول دلایل مختلفی در قالب انگیزه تقاضای پول مطرح گردیده است که به شرح زیر ارائه می شود:

2.6.1. انگیزه معاملاتی

یکی از مهمترین دلایل تقاضای پول عدم مطابقت یا یکی نبودن زمان دریافت درآمد و مصرف می باشد. افراد اغلب نیاز مصرفی به صورت روزمره داشته و بایستی پول برای مخارج روزانه داشته باشند اما درآمد خود را در یک روز خاص برای دوره خاص دریافت می نمایند. از آنجائیکه مخارج افراد تا حد زیادی بستگی به سطح درآمد آنها دارد لذا تقاضای پول برای انگیزه معاملاتی تابعی از درآمد ملی می باشد.

2.6.2. انگیزه احتیاطی

افراد و بنگاهها همیشه می توانند با حوادث و رخدادهای غیر مترقبه ای اعم از خوشایند یا ناخوشایند مواجه گردند که مستلزم صرف و پرداخت پول باشد. لذا یک قسمت از تقاضای پول تحت تاثیر عوامل غیر قابل پیش بینی می باشد که این شکل از تقاضای پول نیز تابعی مستقیم از درآمد ملی می باشد.

2.6.3. انگیزه سفته بازی

کلاسیکها معتقد بودند که افراد پول را تنها برای انگیزه های معاملاتی و احتیاطی تقاضا می نمایند. لیکن کینر بر این اعتقاد است که افراد علاوه بر دو هدف فوق برای انگیزه سومی نیز پول نزد خود نگهداری می نمایند که همان انگیزه سفته بازی می باشد. منظور از تقاضای سفته بازی پول این است که پول با هدف و امید انجام معاملات سودآور و بهره برداری از فرصتهایی که پیش می آید، نگهداری شود. از آنجائیکه نگهداری پول در شکل ساده آن مشمول هزینه فرصت بوده و باعث از دست رفتن سود ناشی از سرمایه گذاری در اوراق بهادار یا حسابهای سپرده سرمایه گذاری می گردد. بنابراین این قسم از تقاضای پول با نرخ بهره رابطه معکوس داشته و با بالا رفتن نرخ بهره و یا به عبارت دیگر هزینه نگهداری پول، تقاضای سفته بازی پول کاهش می یابد و بالعکس.

بنابراین با توجه به سه انگیزه تقاضای فوق می توان روابط زیر را برای تقاضای پول بررسی نمود.

تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول: از آنجائیکه تقاضای معاملاتی و احتیاطی، هر دو تحت تاثیر درآمد ملی می باشند بنابراین رابطه زیر برای این تقاضا مطرح می گردد:

$$M(t) = KY$$

که در این رابطه $M(t)$ ، تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول k ، ضریب تقاضای احتیاطی و معاملاتی و Y درآمد ملی می باشد. از آنجائیکه اقتصاددانان کلاسیک تنها این دو انگیزه را برای تقاضای پول قائل می باشند. بنابراین تقاضای پول با درآمد ملی رابطه مستقیم داشته و تابعی از آن می باشد.

تقاضای سفته بازی پول: کلاسیکها معتقد بودند که به جز دو دلیل و یا انگیزه فوق، دلیل دیگری برای نگهداری پول وجود ندارد. استدلال آنها نیز این بود که وقتی افراد برای امور احتیاطی و معاملاتی مقداری از درآمد خود را به صورت پول نگهداری می کنند، مابقی آنرا تبدیل به داراییهای درآمدزا می نمایند و دلیلی برای نگهداری آن به شکل پول که یک نوع دارایی عقیم است، وجود ندارد.

کینز با بحث خود نشان داد که علاوه بر انگیزه های فوق ، افراد به انگیزه سفته بازی نیز پول نگهداری می کنند. تقاضای سفته بازی برای پول با نرخ بهره رابطه معکوس دارد ، علت آن اینست که اگر نرخ بهره بالا باشد ، هزینه نگهداری پول نقد برای سفته بازی بالاست. نرخ بهره همان هزینه فرصت نگهداری پول نقد است.

$$M(sp) = L(o) - L(r)$$

در رابطه فوق تقاضای سفته بازی پول $L0$ ، مقدار ثابت یا تقاضای مستقل پول r ، نرخ بهره و L ضریب تقاضای سفته بازی پول می باشد. بنابراین با ترکیب تقاضای سفته بازی و معاملاتی و احتیاطی پول، تابع تقاضای کل پول به شکل زیر بیان می گردد:

$$M(t) + M(sp) = M(d)$$

$$M(t) = KY$$

$$M(sp) = L(o) - L(r)$$

یعنی تقاضای پول تابعی از درآمد ملی و نرخ بهره است که رابطه تقاضای پول با درآمد ملی مثبت و با نرخ بهره منفی می باشد. با توجه به رابطه فوق تقاضای پول تابعی از درآمد ملی و نرخ بهره می باشد که با درآمد ملی رابطه مستقیم و با نرخ بهره رابطه معکوس دارد. تغییرات نرخ بهره موجب حرکت بر روی منحنی تقاضای پول و تغییرات درآمد ملی موجب انتقال منحنی تقاضای پول می گردد.

2.7. نظریات اقتصادی در خصوص تقاضای پول

2.7.1. نظریه مقداری پول

این نظریه که مربوط به کلاسیکها می باشد برای اولین بار توسط ریکاردو ارائه شده و تسط استوارت میل به صورت رابطه $M.V = P.T$ مطرح گردید که هدف از آن بررسی رابطه تورم و حجم پول بوده است. لیکن این

رابطه به صورت $M.V=Yn$ نیز مطرح گردیده است که با توجه به ثابت فرض شدن سرعت گردش پول (V)، حجم پول (M) تابعی از درآمد ملی اسمی (Yn) می باشد.

2.7.2. نظریه مکتب کمبریج برای تقاضای پول

این نظریه بیان دیگری از نظریه مقداری پول می باشد که تقاضای اسمی برای پول را تابعی از درآمد ملی اسمی می داند. این رابطه توسط پیگو به شکل مطرح گردیده است که در آن تقاضای پول K ، نسبتی از درآمد ملی که افراد می خواهند به صورت پول نگهداری کنند P ، سطح عمومی قیمتها و Y درآمد ملی حقیقی می باشند. بنابراین تقاضای پول تابعی مستقیم از درآمد ملی اسمی می باشد.

2.7.3. نظریه تقاضای پول فریدمن

فریدمن برای پول هزینه نگهداری متصور بوده و نظریه وی بر آن اساس شکل گرفته است. از نظر فریدمن تقاضای حقیقی برای پول نسبتی از درآمد دائمی افراد است که به صورت رابطه مطرح می گردد. ولی از آنجائیکه از پول به عنوان دارایی نیز استفاده می شود. پس نسبتی از درآمد دائمی که به شکل پول نگهداری می شود به بازدهی سایر اشکال دارایی نیز بستگی دارد. بنابراین تقاضای واقعی پول به شکل رابطه زیر می باشد:

در رابطه فوق rm نرخ بهره بانک rb ، نرخ بهره اوراق قرضه rs ، نرخ بازدهی سهام p ، تورم Y ، درآمد ملی و W ثروت می باشد که تقاضای واقعی پول با درآمد ملی و ثروت رابطه مستقیم و با بقیه رابطه معکوس دارد. البته از نظر فریدمن عامل اصلی تقاضای پول در بلند مدت همان درآمد است.

2.7.4. نظریه تقاضای معاملاتی بامول توبین

بامول و توبین با اعتقاد بر انگیزه سفته بازی تقاضای پول، تقاضای پول را تابعی از درآمد ملی و نرخ بهره می دانند که با درآمد ملی رابطه مستقیم و با نرخ بهره رابطه منفی دارد. این نظریه بیان می دارد که افراد با توجه

به هزینه فرصت نگهداری پول (نرخ بهره) و هزینه رفت و آمد به بانک سعی می کنند که موجودی مطلوب پول خود را با هدف حداقل نمودن هزینه های فوق در هر دوره تعیین کنند.

2.8. عرضه پول و عوامل موثر بر آن

با توجه به تعاریف ارائه شده در قسمت انواع پول و نحوه محاسبه آنها می توان گفت که عرضه پول در اصل مقدار حجم پول اقتصاد است که تحت تاثیر دو عامل ضریب تکاثر پول و پایه پولی است. به عبارت دیگر عرضه پول برابر است با پایه پولی ضربدر ضریب تکاثر پول که به صورت رابطه زیر بیان می گردد:

$$M(s) = mH$$

m : ضریب تکاثر پول

H : پایه پولی و $M(s)$ عرضه پول

که در این رابطه عرضه پول، m ضریب تکاثر پول و H برابر است با پایه پولی.

بنابراین عرضه پول در یک جامعه تحت تاثیر دو عامل پایه پولی و ضریب تکاثر پول می باشد. پایه پولی که به پول پر قدرت نیز معروف می باشد برابر است با بدهی بانک مرکزی به بخش های خصوصی (اسکناس و مسکوک در دست مردم) و بانکی (اسکناس و مسکوک نزد بانکها، سپرده قانونی و آزاد بانکها نزد بانک مرکزی).

و اما ضریب تکاثر پول برابر است با حجم تغییرات حجم پول ، تقسیم بر پایه پولی.

$$dM/dH = \text{ضریب تکاثر پول}$$

ضریب تکاثر پول را که با m نیز نشان می دهند ، به این مفهوم است که به ازای یک واحد تغییر در پایه پولی حجم پول چند واحد تغییر می کند. ضریب تکاثر پول در ساده ترین حالت برابرست با یک تقسیم بر نرخ ذخیره قانونی. در حالت واقعی تر ضریب تکاثر پول عبارتست از:

$$= (1 + Cu) er + rr + Cu / \text{ضریب تکاثر پول}$$

$$M(s) = mH$$

er ، نرخ ذخیره اضافی ، Cu نسبت اسکناس و مسکوک به سپرده دیداری ، rr نرخ ذخیره قانونی

فرمول فوق نشان می دهد که عرضه پول به H که به تصمیمات بانک مرکزی بستگی دارد (،) Cu که به تصمیمات و رفتار مردم بستگی دارد که چه نسبتی از پول خود را به صورت سکه و اسکناس و چه مقدار را در حساب جاری نگهداری می کنند (،) rr که به تصمیم بانک مرکزی بستگی دارد (و) er که به تصمیم بانکهای تجاری بستگی دارد) وابسته است.

$$M(d) = M(s)$$

بنابراین این تصور که حجم پول را فقط بانک مرکزی تعیین می کند اشتباه است ، اگر شما نیز پول خود را بیشتر به صورت اسکناس و سکه نگهداری کنید ، حجم پول را کاهش می دهید و یا اگر یک بانک تجاری ذخیره اضافی بیشتری نگهداری کند ، حجم پول را کاهش می دهد.

4. بانک و بانکداری

بانکداری در جهان زمانی آغاز شد که داد و ستد و مبادله کالا (غیر از مبادلات جنس به جنس) بین مردم شروع و حتی با گسترش تجارت پیش از آنکه پول به مفهوم جدید مورد استفاده قرار گیرد نیاز به خدمت موسسات بانکی محسوس تر گشت و احتیاج به یک وسیله پرداخت سنجش ارزش ها و به ویژه وصول مطالبات از مشتریان دور و نزدیک با وجود خطرات ناشی از نقل و انتقال پول ایجاب می کرد که این فعل و انفعال توسط موسساتی بنام بانک انجام گیرد.

واژه بانک نیز از همین زمان معمول گشت زیرا بانکداران لمباردی و ونیزی روزهای ویژه‌ای در میدان‌های عمومی شهر پشت نیمکت‌های کوچکی می‌نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می‌کردند و چون در زبان ایتالیایی نیمکت را "بانکو"²⁷ می‌نامیدند و مردم همیشه این کسان را نشسته در کنار این نیمکت‌ها یا پیشخوان‌های خود

²⁷Banco

می‌دیدند، آنها را نیز بانکو و بانکیری²⁸ نام نهادند که به تدریج در سایر زبان‌ها معمول و نهایتاً به واژه بانک تبدیل شد.

4.1. پیدایش بانک در جهان

4.1.1. بانکداری در دوره قدیم

بابل: در امپراطوری بابل معاملات به شیوه ابتدائی آن رواج داشت و حتی در قوانین حمورایی مقرراتی برای دادن وام و قبول سپرده های تجاری ذکر و دستوراتی درباره سرمایه گذاری آمده است. در شهر بابل تجارتخانه ها و بانک های بزرگی وجود داشت که دادن حواله ، برات و نیز گرفتن ربح معمول بود و میزان ربح 20٪ بوده و در مواردی به صدی چهل تا چهل و سه می رسید. معابد این شهر در حدود 2000 سال قبل از میلاد مسیح به عملیات بانکی محدودی مبادرت می ورزیدند و در مقابل و ثیقه اموال غیر منقول پول به عاریت می دادند.

یونان: در کشور خدایان و ارباب علاوه بر بانک های خصوصی بعضی از معابد هم به کار صرافی اشتغال داشتند . سپرده های مردم را پذیرفته و به اشخاص یا شهرها وام اعطا می کردند . از جمله معبد دلفی بود در شهر افسن و بعثت جنگ های مداوم داخلی ، معابد مطمئن ترین محل برای نگهداری و حفاظت اموال گرانبها و پرازش به شمار می آمد.

نخستین بانک در یونان حدود 1000 سال قبل از میلاد شکل گرفت. البته شکل آن بسیار متفاوت از بانکهای کنونی بود. جریان ضرب سکه در یونان از این قرار بود که یونانیها در کار معاوضه طلا با سکه به سختی افتادند. چون اولاً طلا باید وزن می شد که کار بسیار سختی بود و ثانیاً باید از اصل بودن آن اطمینان حاصل می کردند. به همین دلیل دولت یونان اقدام به ضرب سکه کرد. سکه های اولیه کوچک و نامنظم بودند و بر روی آنها عکسی حکاکی شده بود. به علت ضرب این سکه ها از طرف دولت، بازرگانان از اصل بودن آن اطمینان داشتند. اما هنوز یک اشکال وجود داشت، چون سکه ها نامنظم بودند، بعضی افراد سودجو قسمتهایی از آنها بدون آنکه

²⁸ Banchieri

کسی متوجه شود می بریدند. برای جلوگیری از این کار دولت یونان سکه هایی منظم ضرب کرد که دو طرف آن منقوش بود. به این ترتیب این مشکل هم بر طرف شد.

هر کدام از شهرهای یونان دارای سکه های خاص خود بودند و هنگامی که بازرگانی از شهری به شهر دیگر می رفت، مجبور به تعویض سکه هایش بود. در هر شهری افراد خاصی وظیفه تعویض این سکه ها را به عهده گرفتند و به این ترتیب شغل صرافی شکل گرفت. این شغل سود کمی داشت اما به علت کثرت تقاضا به تدریج صرافان به افراد ثروتمندی تبدیل شدند. از طرفی همواره مقدار زیادی پول در اختیار صرافان بود که بدون استفاده می ماند، به همین جهت آنها اقدام به وام دادن به افراد مقتضی کردند و به این ترتیب اولین بانک توسط صرافان یونانی شکل گرفت. بانک ملی یونان (N.B.G) در سال 1874 میلادی پایه گذاری شد. این بانک قدیمی ترین بانک در کشور یونان است که به شیوه امروزی اداره می شد.

روم : در اوایل تاسیس دولت روم که وصول مالیات ها به شکل مقاطعه به اشخاص واگذار می شد مامورین غالباً به شهر ها و موسسات دولتی وام می دادند . در واقع به نوعی بانکداری مبادرت می ورزیدند . بانکدارهای رومی گذشته از تبدیل پول های خارجی به پول های کشور و تعیین عیار آن ها و قبول سپرده و دادن وام ، کار صندوق داری را هم برای مشتریان خود انجام می دادند. عملیات بانکی بانکداران رومی از بیشتر جهات شبیه به بانکداری کنونی و عبارت بود از افتتاح حساب جاری و مدت دار به نفع افراد، پرداخت بهره به سپرده های مدت دار ، دادن قرضه بانکی اعم از مصرفی و تجارتي با بهره های متفاوت، رهن و صدور اعتبار نامه نجاری و غیره .

چین : در چین نیز حدود قرن ششم قبل از میلاد بانکداری رواج داشته و اختراع کاغذ (در حدود 105 سال قبل از میلاد) در چین از نظر استفاده در عملیات بانکداری اهمیتی بسزا یافت زیرا همین کشف بود که برای اولین بار تهیه اسناد بانکی ، تنظیم محاسبات و نگهداری حساب ها و نقل و انتقال اسناد را به صورتی ارزان و ساده مقدر ساخت .

4.1.2. بانکداری در قرون وسطی (از قرن پنجم تا پانزدهم میلادی)

در قرون وسطی بانکداری و تجارت به مفهوم آنچه در یونان و امپراطوری روم وجود داشت عملاً از بین رفت و پس از سقوط رم یک سیری قهقرائی در عملیات بانکی و سایر مظاهر تمدن بشری پیدا شد. عرف بانکداری با انجام برخی عملیات بانکی توسط اقوام مختل بخصوص یهودی ها که با استعداد طبیعی این قوم که بیشتر به فعالیت های بانکی پرداخته بودند، حیات تازه ای یافت ولی با مخالفت و تعصب شدید مقامات کلیسا علیه دریافت ربح از افراد و منع مشروط آن در قوم مذهب یهود قرار گرفت. در مذهب یهود منع دریافت بهره منحصرًا به منع دریافت آن از هم کیشان یهودی تعبیر شده، بنابراین عملیات صرافی و بخصوص دریافت بهره در مقابل دادن قرضه از افراد غیر یهود بالامانع رواج یافت.

4.1.3. بانکداری در دوره جدید (از قرن پانزدهم به بعد)

دوره جدید با پیشرفت تدریجی تجارت و داد ستد در سواحل دریای مدیترانه بخصوص در شهر های ونیز و فلورانس شروع شد و کشف امریکا و راههای دریائی جدید و استقرار روابط بازرگانی بین شرق و غرب کم کم دامنه فعالیت اقتصادی از سواحل دریای مدیترانه به کشور های سواحل اقیانوس اطلس مانند فرانسه _ اسپانیا _ پرتقال و انگلیس گسترش پیدا کرد. این پیشرفت توأم با استفاده روز افزون از خدمات بانکی و نتیجتاً از دیاد حرفه بانکداری بویژه در شهر ونیز بود. با تعقیب شدید کلیسا علیه دریافت بهره و منع مشروط آن در مذاهب یهود، فعالیت بانکداری و صرافی و ربا خواری منحصرًا در اختیار قوم یهود قرار گرفت. و در مذهب یهود منع گرفتن بهره منحصرًا به منع دریافت بهره از هم کیشان یهودی، تفسیر شده است. بعلاوه ورود طلا و نقره فراوان از آمریکا و رفع ممنوعیت دریافت بهره در آئین مسیح بر اثر فتوای "جان کالوین" رهبر پروتستانها به افزایش فعالیت های بانکی کمک زیادی نمود و بانکهای مختلفی تأسیس شدند که تا به امروز فعالیت آنها ادامه دارد. بنابر این دریافت سود و ربا، ماهیت بانکداری موجود در آئین یهود و مسیحیت را تشکیل می دهد. از طرف دیگر ونیز افزایش فعالیت های بانکی و تکامل آن در فلزات قیمتی و نقل و انتقال وجوه از نقطه ای به نقطه ای دیگر و تسعیر پولهای خارجی بود با نشر اسکناس تبدیل پذیر به فلز (طلا و نقره) بصورت صد در صد باعث رونق بانکداری گردید و محلی برای قبول سپرده های نقدی مردم و دولت شد پراخت وام و اعطای اعتبار توسعه پیدا

کرد و چک (پول بانکی) کم کم جز پول های در گردش شد . فعالیت و قدرت پولی این بانکداران به قدری توسعه پیدا کرد که حتی به پادشاهان (حکام) قرض می دادند و همین توسعه فعالیت و استفاده بیش از حد اعتبارات بانکی به ورشکستگی های متعددی در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی منتهی شد و بالاخره منجر به وضع مقررات قانونی دایر به نفع عملیات بانکداران خصوصی در نشر اسکناس و ایجاد بانک های عمومی (بانک های مرکزی) در این آزمون گردید.

4.1.4. تشکیل بانک مرکزی

در پی گذشت زمان و رشد بی رویه بانک های ناشر اسکناس و عدم نظارت قانونی دولت بر عملیات بانکی موجب گردید تا بانک ها از موازین لازم برای ایجاد تسهیلات اعتباری و پرداخت وام تجاوز کرده و حتی حمایت مالی شرکت های سهامی را بدون محدودیت و بی توجه به عواقب آن در سیستم بانکی پذیرا شوند. تندروری در اعطای اعتبارات و زیاده روی در پرداخت وام سرانجام موجب توقف و ورشکستگی بانک ها یکی پس از دیگری گردید بطوریکه دخالت نظارت دولت را مستقیم در کار بانکداری الزاماً عملی گردانید.

نیاز جوامع به برپائی بانک های تخصصی که معلول رشد صنعت و پیشرفت اقتصاد کشور ها بود سبب شد که در راستای نظارت دولت بر عملیات بانکی ، انتشار اسکناس را هم بطور انحصاری با تاسیس (بانک ناشر اسکناس ، بانک مرکزی) بر عهده بگیرد و نظارت مستقیمی هم از طرف قانونگذار بر بانک های ناشر اسکناس نیز اعمال گردد. با این روش قانونی تعدد بانک های ناشر اسکناس سیر وحدت را طی کرد. بعد از جنگ جهانی اول بحرانهای پولی در کشور های مختلف موجب اعتقاد بیشتر به لزوم حفظ ارزش پول از راه نظارت در نشر اسکناس شد. از اوائل قرن بیستم کشورها پذیرفتند که وجود بانک ناشر اسکناس یا بانک مرکزی در هر کشوری می تواند با حفظ ارزش پول و تنظیم حجم اعتبارات و اعمال سیاست های پولی و نظارت بر عملیات کلیه بانک های تجاری و تخصصی از بروز بحران های پولی جلوگیری کرده و نقش اساسی را در رشد با توسعه اقتصادی کشور ایفا نمایند.

4.2. بانکداری در ایران

4.2.1. تاریخ بانکداری در ایران قبل از اسلام

پیداست که با فرمانروایی کورش اقتصاد ایران وارد مرحله-ی نوین و جهانی خود شد، که تا فروپاشی حکومت ساسانیان، روند عمومی آن کم و بیش دست نخورده ماند. گشودن لیدی، کشور ثروتمندی که مردمش به مبتکران ضرب سکه شهرت دارند و گشودن بابل، یکی از معدود باراندازها و بازارهای کهن بین المللی، ایران را، از سند تا مدیترانه، به بزرگترین مرکز اقتصادی جهان باستان تبدیل کرده بود. این گستره-ی بزرگ دادوستد، با سه مرکزیت همدان، پاسارگاد و بابل و در کنار این سه، مرکزیت-های بزرگی مانند اورشلیم و سارد، ناگزیر از برخورداری از شبکه-های مالی بزرگ بود، که بتواند جوابگوی آن همه تحرکی باشند که یک شبه پدید آمده بود. شاید شگفت انگیز باشد، که این نظام جدید، از بانکی، تقریباً مانند بانک-های امروز برخوردار بوده است.

در روزگار حکومت هخامنشیان بانک‌هایی خصوصی نظیر بانک‌های «اگیبی و پسران» و «مورشو و پسران»، برای نخستین بار هویتی رسمی یافتند. نام بنیانگذار بانک اگیبی، «یعقوب» بوده است. دامنه فعالیت این بانک‌ها بسیار وسیع بود و به عملیات بانکی امروزی شباهت داشت. بنا به نوشته «گیرشمن» باستان شناس معروف، بانک‌های خصوصی آن دوره به عملیات رهنی و کارگشایی مشغول بودند، قبول سپرده نموده و وام می‌دادند، مشتریان حساب جاری داشته و از چک استفاده می‌کردند و بانک‌ها سرمایه خود را در مستغلات، مزارع، بردگان، رمه، آبیاری، ماهیگیری، و کشتی‌های تجاری به کار انداخته بودند. بانک اگیبی همچنین برای دولت مرکزی مالیات و خراج جمع‌آوری می‌کرد.

قدیمی‌ترین بانک (بنگاه مالی) شناخته شده در زمان کورش بزرگ، به بانک «اگیبی و پسران» مشهور بود. درباره-ی این سازمان مالی نیز آگاهی-های ما، به سبب نبود خط از درون خاک ایران نیست. با بنیانگذاری شاهنشاهی هخامنشی و جهان‌گشایی کورش و برقراری آرامش و امنیت در آبادی-ها و راه-ها و همچنین آغاز رونق نقش سکه، شبه بانکداری نیز، که از هزاره-ی دوم پیش از میلاد در بین-النهرین تا حدودی شناخته شده بود، وارد مرحله-ی نوینی شد. معمولاً کارهای مالی را معبدها به عهده داشتند، اما از اواخر سده-ی هفت پیش

از میلاد که با فروپاشی یا ضعف حکومت‌های بین-النهرین، معبدها توانایی پرداختن به امور مالی را از دست دادند، این شبهه بانک‌ها شکل جدی-تری پیدا کردند. این بانک‌ها نخست فقط وام می‌دادند و برای وام، گرویی قابل توجهی، مانند زمین کشاورزی یا برده برای بهره برداری و بهره کشی، در اختیار بانک قرار می‌گرفت. شاهنشاهی پارس برای نظام بانکی امکاناتی فراهم آورد که پیشتر هرگز وجود نداشت. تا این زمان تنها امیران و روحانیان، به استثنای موردهای نادر به امر بانکداری و پول می‌پرداختند. ظاهراً در زمان هخامنشیان بانک‌های حقیقی و خصوصی مانند بانک اگیبی و پسران و بانک «مورشو و پسران»، برای نخستین بار به طور رسمی تاسیس شدند و یا هویتی رسمی یافتند. سدها سند بانکی از بایگانی این بانک‌ها، از آن میان بانک وارسان شخصی به نام اگیبی از اهالی بابل به خط میخی به دست آمده است، که آگاهی‌های گرانبهایی درباره‌ی نظام بانکی عصر باستان در اختیار ما می‌گذارد.

با اینکه این بانک از آن ایرانیان نبود اما چون در قلمرو حکومت هخامنشیان کار می‌کرد عملاً سازمانی ایرانی به شمار می‌آمد و حتی برای دولت مرکزی مالیات و خراج جمع آوری می‌کرد. آغاز کار بانک اگیبی و شرکا به سده ۷ پیش از میلاد می‌رسد و به گمان از زمان «نبوکدنزر» (نبوکدنصر)، تا داریوش فعالیت داشته است. اونگند» که ضمن مقاله-ای ارزشمند خاندان اگیبی را معرفی کرده است گمان می‌کند، که نخستین اگیبی در سال‌های میان 690 تا 610 پیش از میلاد زنده بوده است. بانک «اگیبی و پسران» با بانک دیگری به نام «مورشو و پسران» در طول فعالیت خود تمام قدرت پول منطقه را در اختیار خود داشتند.

بانک اگیبی و پسران به امور رهنی و اعتباری و همچنین امانی می‌پرداخت. سرمایه-ی بانک صرف امور مربوط به مسکن، مزرعه، دام و کشتی‌های باربری می‌شد. پول، غله، خرما، آجر و دیگر وسایل مصرفی و حتی برده در قبال بهره-ی زیاد به صورت جنسی به بانک سپرده می‌شد.

بردگان برای «بهره گیری نامشروع» به متقاضیان اجاره داده می-شدند. گله- های بزرگ در اختیار طرف قرارداد قرار می-گرفت و به جای بهره تعداد زیادی از بره-ها، پشم و پوست دریافت می-شد. علاوه بر این، بانک اداره-ی ملک افراد را در برابر سود در اختیار می-گرفت. ایرانی-های مقیم بابل که خود تمایلی به کار روی ملک خود را نداشتند، از این موقعیت استفاده می-کردند. بانک حتی در قبال بهره-ی غیر مستقیم پرداخت بدهی افراد را به عهده می-گرفت. غنیمت-های جنگی نیز به بانک فروخته می-شد. در بانک اگیبی، حسابی مانند حساب جاری بانک-های امروزی وجود داشت و استفاده از چک نیز معمول بود. از لوحی که در بابل به دست آمده است چنین برمی-آید که در ماه سپتامبر 537 پیش از میلاد شخصی به نام «تادانو» مقداری نقره به «ایتی - مردوک - بلاتو» رئیس بانک اگیبی، سپرده است، تا در ماه نوامبر بهره-ی آن را دریافت بکند. این سند در اکباتان تنظیم شده است و پیداست که به هنگام نوشتن سند، مسوول بانک (یکی از اگیبی-ها) در پایتخت بوده است.

در این سند مقرر شده است، که وام پرداخت شده در بابل، به صورت خرما به نرخ روز بازپرداخت شود. همچنین دیده می-شود، که 4 سال بعد، همین شخص در یک شهر ایرانی، به این دادوستد پرداخته است، اما این بار قرار شده است، که وام در اکباتان بازپرداخت شود. در لوحه-های متعدد دیگری به تاریخ دوران پادشاهی کمبوجیه (یک مورد به تاریخ پادشاهی بردیا [وَهیژداتَه]) معلوم می-شود، که بانک اگیبی در پارس، در جایی به نام «خومدشو» (خومدشو) یا «متزیش» (مَتزیش)، در نزدیکی تخت جمشید، سرگرم کار بوده است. چهار قرارداد ایتی - مردوک - بلاتو در این شهر بدست آمده است. موضوع مربوط بوده است به خرید بردگانی که نام ایرانی دارند و فروش آن-ها در بابل شگفت انگیز است، که بار دیگر همان-ها را به طرف تجاری خود در متزیش فروخته است.

معمولا مورخان درباره-ی برده داری در ایران در مقایسه با دیگر جاها با کمبود سند روبرواند. بنابر این این سند را می-توان نخستین سند به شمار آورد! از سندهای مربوط به بانک اگیبی چنین برداشت می-شود که ایتی - مردوک - بلاتو در سال-های 575 تا 520 پیش از میلاد زنده بوده است. از اینکه ایتی - مردوک - بلاتو رئیس

بانک اگیبی و برادرانش در سال 536 تا 535 پیش از میلاد مبلغ هنگفتی از کمبوجیه، ولی-عهد کورش بزرگ، وام گرفته-اند می-توان چنین نتیجه گرفت که بانک اگیبی ارتباط خوبی با دربار ایران داشته است.

متأسفانه از مدرک-های موجود درباره-ی علت این وامگیری چیزی به دست نمی-آید. امکان دارد، که دربار و یا دست کم ولی-عهد، با این بانک شریک بوده است. در هر حال خواه کمبوجیه شریک بوده باشد، خواه پردازنده ی وام، پیداست که دامنه-ی فعالیت بانک برای داشتن دستی باز در کارهای بانکی، بطور صوری از کمبوجیه وام گرفته است. در هر حال سود کمبوجیه بایستی مبلغ چشمگیری بوده باشد، که او به این همکاری تن داده است.

ظاهراً خاندان اگیبی از یهودی-های مهاجر بوده-اند و نام بنیانگذار بانک «یعقوب» بوده است. در حالیکه به نظر اومستد در سراسر نیمه-ی اول فرمانروایی هخامنشیان بهره-ی بانکی، اغلب به صورت جنسی، تقریباً بدون استثنا 20 در 100 بوده است، میلو معتقد است، بهره-ای که در زمان نبوکدنزر حدود 10 در 100 و در زمان کورش و کمبوجیه بیش از 20 در 100 رسیده و حتی در پایان سده-ی 5 پیش از میلاد به 40 تا 50 در 100 بالغ شده است.

هرگاه وام در روز سررسید پرداخت نمی-شد، جریمه-ی سنگینی به میزان بدهی افزوده می-شد. گاهی سندها را شخص دیگری پشت نویسی می-کرد و چنانچه از طرف بدهکار، در پرداخت به موقع کوتاهی می-شد، ظهرنویس مسوول پرداخت بود. برای وامی که گروهی داشت بهره دریافت نمی-شد، چون وام دهنده از گروهی مناسبی مانند خانه، زمین یا برده در اختیار داشت، برای مدت وام، به صورت رهن استفاده می-کرد. در یادداشت تفاهم قید می-شد، که به هنگام برگشت پول، گروهی بازگشت داده خواهد شد و نه وام گیرنده اجاره خواهد گرفت و نه وام دهنده بهره.

در این نظام بانکداری استفاده-ی بیشتر همیشه از آن بانک بود و در صورتیکه وام گیرنده از عهده-ی پرداخت بدهی بر نمی-آمد، گرویی از طرف بانک ضبط می-شد. گاهی برای یک وام هم گرویی دریافت می-شد، هم بهره و در سند قید می-شد : هرچه وام گیرنده در شهر و بیرون از شهر دارد در گرو بانک است. وام-های بی-بهره و گرویی (قرض الحسنه)، برای راه اندازی کار دوستان و خویشان بود. اغلب بهره به صورت ماهانه پرداخت می-شد و گاهی هم یکجا و با اصل وام. برای هر قسط رسیدی جداگانه صادر می-شد. به هنگام تمام شدن وام، لوح اصلی بدهی نابود می-شد. از لوح-های سالمی که به دست آمده-اند می-توان نتیجه گرفت که وام-های مربوط به آن لوح-ها هرگز تسویه نشده-اند! زمین، خانه، چارپا و حتی برده، قسطی و [از طریق بانک] خریداری می-شد. از لوح-های بدست آمده گاهی دیده می-شود که آخرین قسط وام را نوه-ی وام گیرنده پرداخت کرده است ! ظاهراً سودجویی این بانک سبب فقر مردم می-شده است. مخصوصاً که دولت دریافت مالیات و خراج منطقه را به این بانک به مقاطعه می-داده است و دست ماموران بانک تا حدودی در دریافت مالیات باز بوده است. شاید این موضوع توجیهی باشد برای شرکت کمبوجیه در بانک. منبع-های موجود نشان نمی-دهند که آیا این بانک خود نیز به حکومت مرکزی مالیات می-پرداخته است یا نه.

در دوره ساسانیان مؤسسات اعتباری توسعه بیشتری یافتند. داد و ستد به وسیله سکه رواج یافت و "برات" که پیش از این قولی برای پرداخت در آینده بود، بصورت یک دین قانونی درآمد و بازرگانان سوریه استفاده از برات را از ایرانیان آموختند. اصطلاحات "چک" و "حواله" از اصطلاحات این دوران است که غربیان نیز آنها را بکار بردند. علیرغم توسعه حرفه بانکداری، دامنه فعالیت‌های بانکی در این دوران محدود به امور بازرگانی بود و فقط در صورت بدی وضع محصول یا در موقع پرداخت مالیات به مردم اعتبار می‌دادند.

در دوران بعد از اسلام عملیات اعتباری توسط "صرافان" انجام می‌شد که در سفرنامه "ناصر خسرو"، "جان کارت رایت"، و "شاردن" به فعالیت‌های این گروه اشاره شده است. اوج و رونق فعالیت صرافان همزمان با حکومت قاجاریه بود، بطوریکه گزارش کنسول انگلیس در تبریز در سال ۱۸۸۶ میلادی حکایت از نقش عمده صرافان در

حیات اقتصادی آن روزگار و اشتغال افراد زیادی در این صنف دارد. یکی از ویژگی‌های ممتاز فعالیت صرافان آن روزگار دارا بودن سیستمی شبیه سیستم‌های امروزی در تسویه چک‌ها بود. از اسناد صادر شده توسط صرافان می‌توان به "بیجک" اشاره کرد که حاکی از تعهد پرداخت صراف صادرکننده به دارنده بیجک بود. این بیجک‌ها تا اندازه‌ای مانند اسکناس در شهرها دست به دست می‌گشت و بخش زیادی از معاملات دوران قاجار بوسیله بیجک انجام می‌گرفت.

در قرن پنجم هجری صرافان ایران دارای شبکه‌های منظم بانکداری بودند. ناصر خسرو قبادیانی شاعر و جهانگرد بزرگ ایران در سفرنامه خود تعداد صرافی‌های شهرهای مختلف را ثبت نموده است. صراف‌ها علاوه بر کارهای بانکی، حتی امین خانواده‌ها نیز بوده‌اند" و در حال بازار آنجا چنان بود که آن کسی را که چیزی بودی به صراف دادی و از صراف خط بستدی و هرچه بایستی بخیریدی و بهای آن بر صراف حواله کردی و چندان که در شهر بودی، بیرون از خط صراف چیزی ندادی."

بیجک (کلمه ای است هندی) سندی بوده که صرافان ضمن صدور آن وصول مبلغی را اعلام داشته اند که در کوتاه مدت با عندالمطالبه تعهد پرداخت وجه آن را می نمودند. قدرت رواج آن بر حسب میزان معروفیت و اعتبار طرف صادر کننده (متعهد) بوده است. رواج بیجک در صرافی بخاطر توسعه و رونق بازرگانی و عدم نشر اسکناس بود زیرا تا سال 1266 که در ایران اسکناس انتشار نیافته بود مسکوکات فلزی تنها وسیله مبادله و فعل و انفعال پولی بوده است بنابراین بیجک علاوه بر آنکه سود سرشاری عاید صرافان می کرد وسیله ای برای رفع مضیقه پولی بازار نیز بوده است .

4.2.2. تاریخ بانکداری ایران در 200 سال اخیر

احتیاج روزانه مردم به تعیین وزن و عیار مسکوکات که در ادوار مختلف تاریخ در مبادلات رایج بوده بعلاوه رواج پولهای مختلف بدون آشنائی افراد به کسانی که در خصوصیات مسکوکات (عیار و بار) و مسائل مربوط به آن بصیر بوده و وقت خود را به این کار اختصاص دهند ضروری می نمود . در دوره های صلح و آرامش توسعه روابط

تجاری میان شرق و غرب و امنیت صرافی از حیث کیفیت و کمیت راه تکامل را پیمود و عده شاغلین به این حرفه و سرمایه گذری آنان مرتباً افزایش میافت تا جائی که در اغلب شهرهای ایران چه خود چه نمایندگان آنان فعالیت داشته و حتی بعضی از صرافان که از قدرت مالی و معروفیت بیشتری برخوردار بودند با گشایش حساب در بانکهای بزرگ خارجی با تعیین کارگزار در خارج و فرستادن نماینده به مراکز عمده تجارت، دایره عملیات خود را در بازارهای بین المللی بیش از گذشتگان خود توسعه دادند. از مرکز عمده تجارت در آن ایام که موجب فعالیت صرافی گردید می توان به ترتیب درجه اهمیت شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان شیراز و بوشهر را نام برد. عمده ترین عملیات صرافی عبارت بود از تسعیر پول ها و معاملات بروات و رواج بیجک (اینگونه اسناد با همان مشخصه که بعد ها در قانون تجارت ایران تعریف و تحدید شده در آن زمان رواج داشته است).

مؤسسات بانکی ایرانی - تجارتخانه تومانیانس

تجارتخانه تومانیانس، که یکی از مهم ترین مؤسسات اقتصادی ایران بود و در رشته های مختلف صادرات، واردات، ملک داری و مخصوصاً بانکداری کشور اثر مهمی داشت، طی مدتی نسبتاً وضع و موقع اقتصادی به عملیاتی جدید اقدام کرده است. هسته اصلی این مؤسسه بزرگ را باید در دهه کوچکی جستجو نمود، که مردی به نام هاراتون تومانیانس، بیش از یکصد سال قبل، در تبریز، که از آن زمان شهری پر رونق و آباد بود، افتتاح کرد.

شخص نامبرده، خشکبار و ابرایشم از ایران صادر و آهن آلات و سایر کالاها را به جای آن به ایران وارد می کرد و از آنجا که بازار خشکبار و ابریشم در ایران با بحرانی مواجه نبود، بلکه روز به روز رونق می گرفت و از طرفی کالاهای وارداتی در کشور بازار خوبی داشت، به تدریج وضع هاراتون تومانیانس رونق یافت و نامبرده از این راه ثروت قابل ملاحظه ای تحصیل نمود.

هاراتون دارای چهار فرزند بود، که مانند پدر واقع بین و دارای قدرت ابتکار تجاری بودند. این چهار فرزند به خوبی دریافتند که به تنهایی و با سرمایه محدود نمی‌توانند، در کارهای بزرگ و در تحصیل سود سرشار، توفیق حاصل نمایند، لذا منفقا و مشترکا کار پدر را ادامه دادند و پس از آن که از صدور مواد خام به روسیه منافی عایدشان گردید، به تدریج، با حزم و احتیاط لازم، به توسعه شعب خود در شهرهای عمده آذربایجان پرداختند و رفته رفته دامنه کار شرکت را به سایر استان‌های شمالی ایران نیز توسعه دادند.

در آن ایام، صدور ورود کالا، قسمت عمده فعالیت را تشکیل می‌داد، ولی پس از این که برادران تومانیانس به اهمیت کالاهای صادراتی ایران و ابزاری که در روسیه و اروپای مرکزی داشت، آگاهی کامل حاصل نمودند، خود در مقام تولید این گونه محصولات برآمدند و املاکی در آذربایجان، گیلان، مازندران، قزوین و غیره خرید، رأسا به تهیه پنبه، ابریشم و خشکبار پرداختند. در اثر جنگ‌های داخلی اتازونی، بزرگ‌ترین تولیدکننده پنبه، بهای این کالا ترقی فاحش کرد و در نتیجه، نفع سرشاری به این تجارتخانه، که کار عمده‌اش تهیه و صدور پنبه بود، عاید گردید.

چون برادران تومانیانس، تجارت با روسیه را وجهه فعالیت خود قرار داده بودند، برای تسهیل امور، دو تن از ایشان در باکو اقامت گزیدند و دو تن دیگر در تهران و تبریز به کارها رسیدگی می‌کردند. اشتغال برادران تومانیانس به تجارت خارجی و سروکاری که با پول‌های مختلف و تبدیل آن‌ها به یکدیگر داشتند، موجب ورود آنان به کار صرافی گردید و چون صرافی از رشته‌های پرسود در ایران بود، از این کار نیز منافع سرشاری عاید آنان شد و رفته رفته مؤسسه مزبور به یک بانک مبدل گردید. هرچند کارهای دیگر نیز ادامه داشت. لیکن توسعه کار صرافی، تدریجا سایر امور را تحت الشعاع خود قرار داد؛ به طوری که از حدود سال 1921 (1981 میلادی) قسمت عمده فعالیت شرکت متوجه امور بانکی بود.

مؤسسه تومانیانس برای مشتریان خود حساب جاری باز می‌کرد و تا شش درصد به موجودی این حساب‌ها بهره می‌پرداخت. این بهره قابل ملاحظه سبب توجه خاص مردم به باز کردن حساب در این تجارتخانه و از عوامل مؤثر

توفیق برادران تومانیانس به رقابت با سایر مؤسسات شد و در نتیجه افزایش سپرده‌های جاری، تجارتخانه قادر شد، اعتبارات وسیعی، به مشتریان خود اعطا کرده، بیش از پی در اقتصاد کشور سهیم گردد.

از جمله کارهایی که سود سرشار به مؤسسه مزبور عاید داشت، تجارت نقره بود. به طوری که قبلاً بیان شد، در آن زمان، قیمت نقره در ایران نسبت به طلا گران‌تر از مراکز بین‌المللی بود؛ و چون برای صدور ورود فلزات قیمتی، محدودیتی وجود نداشت، بعضی از مؤسسات از جمله تجارتخانه تومانیانس، با وارد کردن نقره و صادر کردن طلا، منافع سرشاری به دست آوردند.

امور بانکداری تجارتخانه، در ایران به خوبی و سرعت رونق گرفت و در مدت کوتاهی مؤسسه مزبور با بانک‌های مقتدری، که در ایران فعالیت داشتند، هم‌دوش گردید و مخصوصاً در خرید و فروش ارزهای خراجی با بانک شاهنشاهی رقابت شدید می‌کرد. پس از آن که بانکداری تومانیانس‌ها رونق یافت، تجارتخانه دست به عملیات جدیدی زد و در حالی که هم‌چنان به کار صادرات و بانکداری ادامه می‌داد، به استخراج چند معدن، از جمله مس و زغال سنگ و گوگرد، و تأسیس چند کارخانه، برای پاک کردن پنبه و خشک کردن میوه و امثال آن، پرداخت و در بهره‌برداری از شیلات شمال نیز مشارکت جست. شعب تجارتخانه در ایران عبارت بود از: تهران (مرکز)، تبریز، رضائیه، رشت، انزلی، قزوین، مشهد، سبزوار و گرگان. شعب قسمت روسیه در شهرهای بادکوبه، حاجی طرخان، مسکو دایر بود و مؤسسه مزبور با بعضی از بانک‌های اروپای مرکزی و غربی نیز در تماس بوده و کارهای خود را در وینه، برلن، پاریس، لندن و قسطنطنیه به وسیله آن‌ها انجام می‌داد.

بدین ترتیب تجارتخانه تومانیانس، قبل از جنگ بین‌الملل اول، قدرت به‌سزایی یافت و یکی از مؤسسات معتبر مملکت محسوب شده 4 در کلیه امور صرافی، خاصه در موضوعات مربوط به تجارت خارجی و امور ارزی، با بانک هنشاهی رقابت می‌کرد. با آن که قسمت عمده کار با روسیه مرتبط بود، بین تجارتخانه تومانیانس و بانک استقرایی، رقابتی وجود نداشت، زیرا بانک مزبور فاقد جنبه انتفاعی و مؤسسه تومانیانس فاقد جنبه سیاسی بوده و از نظر اقتصادی نیز مشی این دو مؤسسه بسیار نزدیک و مشابه بوده است.

از لحاظ اقتصادی، تجارتخانه تومانیانس را می‌توان به دو قسمت مجزی: قسمت روسیه و قسمت ایران، تفکیک نمود؛ هرچند امور این دو قسمت ابتدا کاملاً با یکدیگر مربوط بود، لیکن بعداً، چه از نظر حسابداری و چه از نظر اقتصادی، خاصه در سال‌های قبل از جنگ بین الملل اول، از یکدیگر مجزی شده بود؛ به طوری که پس از مدتی نوع کارهای قسمت روسیه با کارهای قسمت ایران تفاوت داشت. تجارتخانه مزبور، روسیه، سهام بعضی شرکت‌های بزرگ 5 را در اختیار داشت و به معاملات بورسی نیز اقدام می‌نمود، حال آن‌که در ایران نوع کارها، به شرحی که قبلاً اشاره شد، دارای کیفیتی دیگر بود، در نتیجه این تجزیه، کارهای قسمت روسیه تابع اقتصاد آن کشور و کارهای قسمت ایران تابع خصوصیات اقتصادی این سرزمین گردید. با وصف مراتب فوق، برادران تومانیانس، کرارا در نامه‌های عدیده، خود را در تابعیت ایران باقی دانسته و شعب تجارتخانه در شهرهای روسیه را تابع تهران 6 اعلام نموده و خواستار بهره‌مندی از مزایای تابعیت ایران بوده‌اند.

تجارتخانه تومانیانس، که در برابر حوادث گوناگون مقاومت کرده، راه ترقی و توسعه را طی تقریباً یک قرن پیموده بود، پس از جنگ بین الملل اول، یکباره با بحرانی شدید مواجه گردید و در همان موقع که قسمتی از دارایی آن در روسیه مصادره شد، در ایران، مردم نیز سپرده‌های خود را مطالبه نمودند و با این که دارایی مؤسسه بر دیون آن فزونی داشت، طبق محاسبه‌ای که توسط شنیدر مستشار مالیه به عمل آمد، دارایی مؤسسه در ایران، در ختام جنگ، بیش از سه میلیون تومان و دیون آن در حدود یک میلیون و نیم تومان بوده و به طوری که دفاتر تجارتخانه حکایت دارد، مخارج اداری آن سالانه به شصت هزار تومان بالغ می‌شده است. به علت عدم دسترسی به کلیه اموال و مشکلاتی که برای پرداخت موجود بود و همچنین استفاده رقابتی دیرین از فرصت، این مؤسسه یکصد ساله، علی‌رغم مساعدت‌های دولت، از پای درآمد و بعداً حکم توقف آن صادر گردید.

مؤسسات بانکی ایرانی تجارتخانه جهانیان

در سال 1472 (5981 میلادی)، خسرو شاه جهان و برادرانش شرکتی، برای کارهای تجاری و صرافی، در یزد تشکیل دادند. ابتدا عملیات بازرگانی مؤسسه، مخصوصاً صدور پنبه، رونق گرفت و برادران جهانیان، که قبل از

تأسیس شرکت کارشان ملک‌داری و فلاحیت بود، به‌خوبی توانستند از تقاضای این کالا در بازار بین‌المللی استفاده نموده منافع سرشاری به‌دست آورند. شرکت جهانیان، از راه کشاورزی به تجارت و صرافی متوجه گشت، و در تمام دوره فعالیت کارهای بازرگانی آن با امور فلاحیتی ارتباط نزدیک داشت. پس از آن که کارهای شرکت توسعه یافت، برادران جهانیان به امور صرافی پرداختند. مهم‌ترین کار صرافی آنان عبارت بود: از قبول سپرده و وجوه نقدی اشخاص در مقابل «بیجک صندوق» (قبض المطالبه)، نقل و انتقال پول در داخل کشور و خرید و فروش ارز و بروات خارجی. مؤسسه در شهرهای یزد (مرکز)، تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، بندرعباس و رفسنجان، شعبه داشته و در بمبئی و لندن دارای نمایندگی بوده است.

از جمله کارهایی که تجارتخانه جهانیان انجام می‌داد، وصول و ایصال مالیات‌های دولت به مرکز بوده که از این طریق مؤسسه مزبور، با گرفتن حقی، گردش امور خزانه دولت را تسهیل می‌نمود. فعالیت شرکت توسعه روزافزون داشت و علاوه بر کارهایی که فوقاً بدان اشاره شد، برادران جهانیان در تأسیس شرکت تلفن ایران، که به منظور ایجاد ارتباط بین تهران و شهرهای دیگر و هم‌چنین ایجاد ارتباط داخلی در تهران تشکیل گردید، مداخله داشته و از مؤسسین آن بوده‌اند.

کار تجارتخانه، علی‌رغم رقابت‌های موجود، رونق کافی داشت، ولی چون، فعالیت بانکی آن توسعه یافت و موجب تشدید رقابت مؤسسات صرافی بزرگ گردید و مخصوصاً، چون برادران شاه جهان در جنبش‌های آزادی‌خواهی دخالت ورزیده و برای تشکیل بانک ملی، که در مجلس شورای ملی (دوره اول) مطرح بود، کوشش می‌نمودند، عناصر مخالف با آزادی‌خواهان و هم‌چنین مؤسساتی که تشکیل بانک ملی را منافی مصالح خود می‌دیدند، با تمام قدرت، به برانداختن آن پرداختند. تجارتخانه مزبور، مدت پنج سال با مشکلات سیاسی و اقتصادی بزرگ مواجه بود و بالاخره کشته شدن پرویز شاه جهان، مدیر شعبه تهران و تبعید خسرو جهان، مدیر کل مؤسسه، به اروپا رشته امور را از هم گسیخت و بانک‌های خارجی که فرصتی مناسب‌تر از این نیافته بودند با دادن اعتبار زیاد و قطع ناگهانی آن، شرکت را در سال 1921 (2191 میلادی) متوقف ساختند.

تجارتخانه جمشیدیان

مؤسس این تجارتخانه، یکی از ایرانیان زردشتی، به نام جمشید است. این شخص، که کار خود را در یزد با بزازی و قدک‌فروشی آغاز کرده بود، پس از زحماتی موفق شد، دهکده‌ای برای فروش منسوجات تأسیس کند و چون گشایشی در کارش حاصل شد و درستی و امانت او سبب جلب اعتماد مردم گردید، از حدود سال 5621، با سرمایه‌ای مادی و معنوی، پا به بازار صرافی گذارد و در اندک زمان پیشرفت بسیاری نصیبش شد. تجارتخانه مزبور به انواع عملیات صرافی متداول آن روز مبادرت می‌ورزید و با اعطای اعتبارات کوتاه‌مدت و بلندمدت، تسهیلاتی در کار مشتریان خود فراهم می‌ساخت.

از سال 0721 تا 0921، کار تجارتخانه جمشیدیان رونق به‌سزا داشت، در این خلال شعبی در یزد و شیراز و کرمان دایر شد و نمایندگی‌هایی نیز در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس به‌وجود آمد. چون در آن زمان کار ملک‌داری مقرون به صرفه بود و سود سرشاری عاید می‌داشت، ارباب جمشید متوجه این رشته فعالیت شد و املاک زیادی در نقاط مختلف ایران، مخصوصاً در تهران و خراسان و فارس، خریداری کرد.

ارباب جمشید که مغرور موفقیت‌های پیاپی بود، خطراتی را که معاملات غیر منقول برای مؤسسات صرافی داشت، نادیده گرفت و از طرف دیگر، به اتکای قدرت مالی و اعتبار خود، گرفتن وام‌های بزرگ از بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی و به کار انداختن آن را زیان‌بخش نمی‌پنداشت، لذا اعتبارات هنگفتی از این طریق (با ربح 4 درصد از بانک استقراضی و 8 درصد از بانک شاهنشاهی) تحصیل کرد و به جریان انداخت و چون بانک‌های مزبور همواره، تسهیلاتی در اعطای این‌گونه اعتبارات و تمدید مدت پرداخت قایل می‌شدند، نامبرده با اطمینان کامل به کار خود ادامه می‌داد، تا آن‌که دیون وی از این بابت به قریب 51 میلیون قران، (تقریباً 31 میلیون به بانک استقراضی و 2 میلیون به بانک شاهنشاهی)، بالغ شد، و مؤسسات مزبور یک باره از تمدید مدت استنکاف ورزیده و تقاضای تصفیه محاسبات را نمودند و در نتیجه، تجارتخانه جمشیدیان با تمام قدرتش به زانو درآمد.

بانک جدید شرق: اولین بانکی که در ایران تاسیس شد « بانک جدید شرق » بود که مرکزش در لندن و حوزه عملیاتی‌اش مناطق جنوبی آسیا بود این بانک بدون تحصیل هیچگونه امتیازی در سال 1266 شمسی (1888 میلادی) در شمال شرقی میدان توپخانه در محل بانک بازرگانی (تجارت فعلی) شروع به فعالیت کرد و برای جلب مشتریان در شروع فعالیت به حسابجاری معادل 5/2٪ و به حساب سپرده های ثابت به مدت 6 ماه 4٪ و یکسال 6٪ سود می داد. بانک با این اقدام خود در بازار پولی 12٪ از نرخ بهره را پایین آورد و برای اولین بار اقدام به انتشار نوعی پول کاغذی به صورت حواله عهده خزانة بانک برای مبالغ بیش از 5 قران و قابل پرداخت در وجه حامل نمود و در سال 1267 در مقابل دریافت 20000 لیره انگلیسی کلیه شعب و اثاثیه بانک را به بانک شاهی واگذار نمود.

بانک شاهی ایران: صرافی ایران در مقام مقابله و رقابت با عملیات بانک جدید شرق برخاستند ولی قبل از آنکه نتیجه قطعی و نهائی این رقابت حاصل شود حریفی زورمند جای بانک جدید شرق را گرفت و این حریف بانک شاهی ایران بود که مبتکر آن پاول جولپوس روپتر در مقابل پرداخت 40000 لیره امتیاز بزرگی برای مدت 70 سال جهت کشیدن راه آهن، حق انحصاری بهره برداری از کلیه معادن (جز طلا و نقره و سنگ های قیمیتی)، تاسیس بانک و غیره از دولت ایران گرفت (25 ژوئیه 1872 برابر با 10 مرداد 1251 شمسی) و این امتیاز بعداً لغو و امتیاز دیگری که اساس آن تاسیس بانک شاهی ایران بود، روپتر انگلیسی با اعطای وام به ناصرالدین شاه قاجار امتیازات بزرگی از وی گرفت که یکی از آنها حق تاسیس بانک بود. در سال 1267 هجری، امتیاز اول لغو شد و امتیاز دیگری به مدت 60 سال که اساس آن تشکیل بانک شاهی و انحصار انتشار اسکناس بود به وی اعطا گردید. مقر این بانک لندن بود و بانک تابع قوانین انگلستان بود. بانک از سال 1269 کار خود را آغاز کرده و "اولین اسکناس بانکی" را در ایران منتشر نمود. در سال 1309 حق انحصاری نشر اسکناس از بانک خریداری شد و به بانک ملی ایران واگذار گردید. این بانک تا سال 1327، یعنی پایان مدت امتیاز 60 ساله خود

در ایران فعالیت کرد و سپس تا سال 1331 نیز بدون مجوز تحت نام "بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه" به کار خود ادامه داد. یکی از مواد قرارداد چنین بود:

« در صورتی که دولت علیه ایران بعد از این مصمم بشود که امتیاز بانک را یا امتیاز یک دستگاه اعتباری را از هر قبیل که باشد بدهد، آن امتیاز از امروز به حکم این قرارنامه محفوظ و مهمور و مخصوص است از برای این کمپانی که بر جمیع اشخاص و کمپانیهای دیگر حق رجحان خواهد داشت. یکی از عملیات عمده این بانک حق انحصاری نشر اسکناس و رواج مشروط آن در ایران بود. (این بانک بر طبق قرارداد تا بهمن ماه سال 1327 شمسی فعالیت داشت)

بانک استقراضی ایران: پس از تاسیس بانک شاهی، امتیاز تاسیس بانک دیگری به نام "بانک استقراضی ایران" به یکی از اتباع روسیه تزاری به نام ژاک بولیاکوف واگذار شد. مدت امتیاز این بانک 75 سال بود. بانک در سال 1270 هجری شمسی با افتتاح یک اداره مرکزی و شعباتی در چند شهر شمال کشور کار خود را آغاز کرد. در سال 1277 دولت روسیه کلیه سهام این بانک را خرید و آن را تحت کنترل بانک دولتی پترزبورگ درآورد. در سال 1301 بر اساس توافق قبلی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق، بانک به دولت ایران واگذار شد. این بانک هیچگاه نتوانست سپرده قابل ملاحظه‌ای جذب کند و در انجام فعالیت‌های بانکی چندان موفق نبود. در سال 1312 این بانک در بانک کشاورزی ایران ادغام شد.

بانک عثمانی: بانک عثمانی یک بانک انگلیسی بود که با سرمایه مشترک انگلیس و فرانسه در ترکیه امروزی تاسیس شد. این بانک در سال 1301 شعبه‌ای در تهران و شهرهای غربی ایران تاسیس نمود.

بانک روس و ایران: بانک ایران و روس در سال 1303 از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق و به منظور تسهیل مبادلات بازرگانی بین دو کشور تاسیس شد. اداره مرکزی آن در تهران بود و شعباتی نیز در شهرهای شمالی ایران داشت. فعالیت بانک در ابتدا منحصر به انجام امور مالی مؤسسات بازرگانی وابسته به دولت شوروی در ایران

و مبادلات بازرگانی بین دو کشور بود. بانک روس و ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تنها بانک خارجی بود که در ایران به عملیات بانکی اشتغال داشت. مرکز قانونی بانک تهران بود و فعالیت‌های آن بر اساس قوانین بانکی ایران صورت می‌گرفت.

بانک سپه : در آغاز سال 1304 شمسی که هنوز آرامش در سراسر کشور و فعالیت‌های عمومی در شئون مختلف اجتماعی محسوس نشده بود و تاثیر شگرف عوامل اقتصادی و بازرگانی در حیات سیاسی مملکت نمودی نداشت. اولین بانک ایرانی با سرمایه 3,883,950 ریال موجودی صندوق بازنشستگی درجه داران ارتشی با نام اولیه بانک پهلوی قشون در محلی محدود چند باب مغازه واقع در گذر تقی خان تاسیس شد و در 24 اسفند همان سال اولین شعبه بانک سپه در شهر رشت افتتاح گردید. اکنون بانک سپه با بیش از 80 سال (بیش از سه ربع قرن) تجربه به عنوان یکی از مهمترین نهادهای مالی و اقتصادی کشور با حدود 1800 شعبه توانسته با جذب سرمایه های سرگردان جامعه و سوق دادن آن بسمت فعالیت‌های مولد اقتصادی در جهت تحقق اهداف اقتصادی کلان کشور مشارکتی موثر و مطلوب داشته باشد.

در عرصه بین المللی نیز با ایجاد واحدهای بانکی در کشورهای چو آلمان، ایتالیا و فرانسه و همچنین بانک بین المللی سپه انگلستان، در ارائه خدمات بانکی از جایگاه ارزنده ای برخوردار است. از اهم فعالیت‌های بانک سپه در عرصه بین المللی میتوان به خدماتی از قبیل افتتاح انواع حسابهای سپرده، انجام امور حوالجات ارزی، گشایش اعتبار اسنادی، ابلاغ اعتبارات اسنادی، پوشش اعتبارات اسنادی، تایید اعتبارات اسنادی، صدور ضمانتنامه ارزی، ... اشاره نمود. مطالب فوق تاریخچه مختصری بود از این بانک کهن ایرانی، اما در این برهه زمانی که سرعت چرخه سازندگی در سراسر جهان، نیاز به حضور بانکها را هر روز افزایش میدهد، طبیعتا با گسترش توان اقتصادی ملل مختلف در پهنه گیتی، نیاز به سیستم بانکی کارآمد و پویا بیش از پیش احساس میشود.

اقدامات نخستین برای تشکیل بانک ملی ایران: فکر تشکیل بانک ملی با روش جدید بانکداری در ایران با فکر تشکیل یک بانک دولتی تواما" ظاهر شد. ده سال قبل از تشکیل بانک شاهی ایران (1258 شمسی) حاج محمد حسین امین دارالضرب یکی از صرافان بزرگ و روشن بین پیشنهادی تقدیم حکومت وقت برای ایجاد یک بانک ایرانی نمود که متأسفانه این پیشنهاد قبول نشد. در پنجم آذرماه سال 1285 نمایندگان مجلس شورای ملی ضمن مخالفت با استقراض خارجی تاسیس یک بانک ملی را خواستار شدند و حتی جمعی از بازرگانان و صرافان تعهد مشارکت کردند تا این که اجازه تشکیل بانک صادر شد و اعلان آن چهار روز بعد انتشار یافت ولی عملاً اقدام مثبتی در جهت تشکیل آن به عمل نیامد.

بطور خلاصه تا سال 1307 صرافی در ایران از زمان پیدایش بانک های خارجی بعلت رقابت رونق سابق را از دست داد و کلیه امور بانکی و اعتباری در اختیار بانک های خارجی در آمد. بازار پول و اقتصاد ایران تحت سلطه آنها قرار گرفت به طوریکه رقابت این موسسات با یکدیگر موجب تشنج و اختلال در اقتصاد و تجارت کشور می گردید و همکاری آنها سبب بحران و تزلزل وضع موسسات داخلی می شد. منطقه جنوب تابع سیاست بانک شاهی ایران و منطقه شمال دستخوش تمایلات بانک استقراض بود و سیستم بانکی کشور به هیچ وجه برای مساعدت و یاری موسسات صنعتی مردم ایران که رد شرایط بسیار نامساعد مالی قرار داشتند آماده نبود.

در سال 1306 شمسی دولت پس از مطالعات لازم لایحه قانون اجاره تاسیس بانک ملی ایران را در جلسه چهاردهم اردیبهشت ماه برای تصویب، تقدیم دور هشتم قانونگذاری نمود. به این ترتیب بانک ملی ایران با سرمایه ای معادل 20000000 ریال که فقط 8000000 ریال آن پرداخت شده بود از روز هفدهم شهریور ماه 1307 شروع به کار نمود. عملیات بانک ملی ایران در ابتدای تاسیس عبارت بود از قبول سپرده های دیداری و مدت دار و پذیرش اسناد تجارته داخلی و خارجی و دادن وام و اعتبار.

یکی از اقدامات مهم و اساسی بانک ملی برای خارج ساختن اقتصاد پولی ایران از دست بانک های خارجی تحصیل امتیاز نشر اسکناس در ازاء پرداخت مبلغ 200000 لیره انگلیسی به بانک شاهی ایران بود با این عمل

حق امتیاز انتشار اسکناس از بانک مذکور سلب و مقرر شد تا کیله اسکناس های بانک شاهی تا پایان خرداد ماه سال 1310 از جریان خارج شود . بانک ملی ایران به موجب ماده پنج قانون اصلاح « قانون واحد و مقیاس پول » حق انحصاری انتشار اسکناس را برای مدت دو سال در اختیار گرفت . حدود فعالیت و ماهیت عملیات بانک ملی ایران پس از خرید انتشار اسکناس تغییر کلی یافت و به سرعت رو به توسعه نهاد .

بانک ملی ایران قبل از سال 1329 نقش بسیار حساس را در ایجاد و تکامل خدمات بانکی در ایران به عهده داشت و تا پایان جنگ جهانی دوم این موسسه تنها بانک عمده دولتی بود که به تشکیل شرکت ها و سازمانهای تجارتي اعم از دولت و غیر دولتی کمک های قابل توجهی نمود .. از سال 1329 به بعد بانک های خصوصی ایران با استفاده از مقررات قانون تجارت و به صورت شرکت سهامی تاسیس و شروع به فعالیت بانکی نمودند. با لایحه قانونی بانک ها مصوب سال 1333 بانک های دیگری در ایران ، بخصوص بانک های مختلط ایرانی و خارجی تاسیس شدند و تعداد بانک ها در سال 1340 بالغ بر 28 بانک دولتی و خصوصی و مختلط گردید افزایش تعداد بانک ها در این دوره موجب ازدیاد رقابت بین بانک های قدیمی و جدیدالتاسیس شد.

عملیات و فعالیت های بانک ملی بر اساس وظایف و مسئولیت هایی که بر عهده داشت به نظر برخی بخصوص بانک های تجاری خصوصی نه تنها غیر منطقی ، بلکه غیر عادلانه بود . زیرا بانک مزبور از یک طرف بعنوان یکی از مجهزترین بانک های تجارتي در انجام کلیه عملیات انتفاعی بانکی با سایر بانکها رقابت داشت و از طرف دیگر با تنظیم و اجرای سیاست پولی و دستورالعمل بانکی فعالیت بانک های دیگر را تحت کنترل و نظارت قرار می داد

بر اثر وجود این تضاد در انجام فعالیت های انتفاعی و غیر انتفاعی بانک ملی و سایر شرائط موجود بخصوص توسعه دامنه فعالیت های بانکی در کشور در سال 1339 الزاماً "وظائف و مسئولیت های بانک ملی ایران تجزیه گردید . به این معنا که به موجب قانون بانکی و پولی کشور فعالیت های غیر انتفاعی بانک ملی از قبیل نشر

اسکناس ، صندوقداری دولت و نگهداری جواهرات ملی و نظارت بر عملیات بانکها و حفظ ارزش پول در سازمان مستقل دیگری بنام « بانک مرکزی ایران » متمرکز شد.

4.2.3. تشکیل بانک مرکزی ایران

بانک مرکزی ایران : فکر تدوین قانون جامع پولی و بانکی کشور و تاسیس بانک مرکزی ایران بمنظور تنظیم حجم پول و اعتبار و حفظ ارزش پول و اجرای سیاست پولی و نظارت بر سیستم بانکی مورد توجه مقامات اقتصادی کشور قرار گرفت تا پس از گذشت 74 سال از شرع فعالیت های بانکی در ایران بانک مرکزی با سرمایه ای معادل 6/3 میلیارد ریال در هجدهم مرداد ماه سال 1339 تشکیل شد .

اهداف و وظایف بانک

در آغاز فعالیت بانکها چهار وظیفه اساسی داشتند :

1- تشکیل انواع پول ها متعلق به کشور های مختلف جهان در سیستم فلزی (طلا و نقره)

2- تعیین وزن و عیار هر پول

3- تعیین نسبت برابری پول ها برای مبادله

4- نگهداری پول های فلزی اشخاص (طلا و نقره) در محل های امن

بانکداری قدیمی علاوه بر وظائف فوق در ابتدای کار، خود را موظف می دیدند که در برار قبول سپرده اشخاص رسید صادر نمایند. صدور برگهای رسید مقدمه نقل و انتقال پول در کشور سپس بین کشورها شد و با گذشت زمان تحول دیگری در تکامل عملیات بانکداری پدید آمد زیرا در طی سال های فعالیت بانکی ، بانکداران متوجه شدند که کلیه صاحبان امانات و سپرده ها که در نزد بانک ها بصورت امانت گذارده اند در یک زمان معین برای دریافت آن به بانک ها مراجعه نمی کنند و همیشه مقدار قابل توجهی از مجموع سپرده ها (طلا و

نقره) در خزانه بانک باقی میماند بنابراین بانکدارها توانستند سپرده های راكد مردم را در اختيار متقاضيان پول قرار دهند و اين قدرت پولی با دریافت بهره برای اشخاصی که از اعتبار نسبی نزد بانک برخوردار بودند قرار دهند. برای تأیید و توسعه عملیات خود سهمی از بهره دریافتی را نیز بصاحبان سپرده پرداختند. (رویه امروزی بانک ها)

تحول دیگری که در ایجاد بانک ها رخ داد تاسیس بانک بصورت شرکت سهامی بود که صاحبان این اندیشه با عرضه سهام در بازار به جمع آوری سرمایه پرداختند و ارزش سهام بانک به امید افزایش بازدهی آن در بازار عرضه سهام هر چندی افزوده می گشت و این مقدمه ای برای افزایش نرخ بهره بانکی بود که دولت ها با ملی کردن اینگونه بانک ها مانع گسترش آن شدند.

اگر پیشرفت سریع و افزایش مالی بانک ها و بالنتیجه تسلط شان بر بازار های پولی جهان حاصل بسط اقتصادی و توسعه روابط بین المللی به خاطر رفع نیاز های مادی فزاینده جامعه امروزی باشد، تفکیک بانک ها با بانک مرکزی و بانک های تجاری و تخصصی (صنعتی ، معدنی، کشاورزی و مسکن) خود موید لزوم این تقسیم و تعیین اهداف گوناگونی است که انجام آن بعهده بانکهای مختلف محول شده است بنابراین وظائف عمده بانکهای مرکزی عبارتند از :

1. حفظ ارزش پول
2. ایجاد تعادل در موازنه پرداخت ها و دریافت ها
3. تسهیلات مبادلات بازرگانی
4. انتشار اسکناس و سکه های فلزی رایج در کشور
5. تنظیم و کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار
6. انجام کلیه عملیات بانکی ارزی و پول رایج کشور
7. تعهد یا تضمین پرداخت های ارزی دولت

8. نظارت بر معاملات طلا و ارز
 9. نظارت بر صدور پول رایج و ارز
 10. اعمال سیاست های پولی و اعتباری
 11. عملیات بانکی مربوط به آن قسمت از برنامه های اقتصادی
 12. انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار
 13. نگاهداری و اداره ذخائر ارزی و طلای کشور
 14. نگاهداری وجوه موسسات پولی و مالی بین المللی
 15. انعقاد موافقت نامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و بازرگانی و ترانزیتی
- وظائف و خدمات بانک های تجاری (خصوصی یا دولتی) بااستثنا بانکهای تخصصی بصورت ساده بقرار زیر است:

1. قبول سپرده (دیداری _ مدت دار) یا تجهیز منابع پولی
2. ایجاد تسهیلات (وام _ اعتبار)
3. خرید و فروش فلزات قیمیتی
4. اجاره صندوق امانات
5. نقل و انتقال پول در داخل یا خارج از کشور
6. نگاهداری و انجام امور مربوط به اوراق و اسناد بهادار
7. انجام عملیات بورس
8. صدور ضمانت نامه بانکی
9. تنزیل اوراق تجارتي
10. انجام معاملات ارزی (خرید و فروش)
11. خرید و فروش سهام و اوراق قرضه و اسناد خزانه (عملیات برس)

12. گشایش اعتبارات اسنادی و انجام عملیات دادوستد بین المللی

13. سرمایه گذاری بانک ها در صنایع کشور

14. خدمات امانی که عبارتند از : قبول قیومیت، وصایت و وکالت.

در تطبیق این وظایف با توجه به مبانی سیاست پولی و بانکی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی که ماهم از آیات قران و متأثر از فقه اسلامی است قانون عملیات بانکی بدون ربا به شرح پیوست (1) تدوین و پس از تصویب مجلس اسلامی (1362/6/8) و تأیید شورای نگهبان (1362/6/10) از آغاز سال 1363 به مرحله اجرا گذارده شده است .

4.2.4. ملی شدن بانک ها

در آستانه پیروزی انقلاب ، نظام بانکی ایران به کلی مضمحل و از هم پاشیده شد . عواملی نظیر انتقال سرمایه به خارج توسط سرمایه داران وابسته که خود موسس بانک های خصوصی و یا سهامدار عمده آنها بودند. سلب اعتماد مردم نسبت به بانک ها و هجوم آنان برای باز پس گرفتن سپرده های خود .

لاوصول ماندن مطالبات بانک ها بعلت فقدان اسناد و نامشخص بودن وضع بدهکاران عمده و رکورد در عملیات بانکی موجب توقف بسیاری از فعالیت های اقتصادی گردید . و بالاخره کاهش ارزش دارائیها اغلب بانکهای خصوصی را در وضعی قرارداده بود که علیرغم کمکهای بانک مرکزی عملیاتشان متوقف شده و با خطر ورشکستگی روبرو شده بودند. به طوری که حتی قادر به پرداخت وجه چک های صادره با مبالغ جزئی هم نبودند. در تاریخ هفده خرداد ماه 1358 طبق مصوبه شورای انقلاب برای حفظ حقوق صاحبان سپرده و سرمایه های ملی و بکار انداختن چرخهای تولیدی کشور و تضمین بازپرداخت سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانکها، بانکهای ایران ملی اعلام شد.

ملی کردن بانکها شاید یکی از اقدامات اساسی دولت بود که گروهی از مردم یاران خواستار آن بودند. در آن زمان این اقدام گام موثری در جهت حصول به استقلال اقتصادی و سیاسی و قطع وابستگی به سرمایه های خارجی بود. چه نفوذ سرمایه های خارجی از طریق مشارکت در سرمایه بانکها و همچنین تاسیس بانکهای متعدد بصورت شرکتهای سهامی توسط سرمایه داران بزرگ داخلی عملا منجر به اعمال نفوذ شدید خارجیان و یادی داخلی در تصمیم گیریهای بنیانی در رشته های مختلف تولیدی و اقتصاد کشور گردید و ترکیب نامتجانسی به شکل کلی و اساسی در اقتصاد کشور پدید آورد. همزمان با اجرای طرح ملی کردن بانکها در سیستم بانکی کشور جمعا 28 بانک مشمول این قانون شد. از این تعداد، در 13 بانک سرمایه گذاران خارجی سهام بودند و 15 بانک بقیه متعلق به سرمایه گذاران ایرانی بود.

هدف دولت از ملی کردن بانکها، بعهدہ گرفتن اداره امور بانکها تحت ضرورتهای اجتماعی و اقتصادی و حفظ منافع و مصالح جامعه و کشور بوده است. لذا لازم بود ملی کردن بانکهای مذکور مبتنی بر ضوابط باشد که مجددا شرایط نامساعد پولی گذشته بانکها بر مردم تحمیل نشود و ضمن تضمین بازپرداخت سپرده های مردم منتهی به استقرار یک روش صحیح بانکداری در کشور گردد تا این روش نوین بتواند بانکها را از جنبه صرافی و بهره کشی مطلق خارج ساخته و در راه پیشبرد هدفهای اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

با توجه به شرایط فوق، لایحه ملی شدن بانکها در تاریخ 17 خرداد ماه 1358 توسط شورای انقلاب اسلامی تصویب گردید. براساس لایحه مذکور 28 بانک و 16 شرکت پس انداز و وام مسکن و 2 شرکت سرمایه گذاری ملی اعلام شد و مالکیت آنها از بخش خصوصی سلب و متعلق به دولت گردید.

4.2.5. قانون ملی شدن بانک

ماده 1- برای حفظ حقوق و سرمایه های ملی و بکار انداختن چهرهای تولیدی کشور و تضمین سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانک، من قبول اصل مالکیت مشورع مشروط و با توجه به:

- نحوه تحصیل درآمد بانکها و انتقال سرمایه ها به خارج
 - نقش اساسی بانکها در اقتصاد کشور و ارتباط طبیعی اقتصاد کشور با موسسات بانکی
 - مديون بودن بانکها به دولت و احتياج آنها به سرپرستی دولت
 - لزوم هماهنگی فعالیت بانکها با سایر سازمانهای کشور
 - لزوم سوق دادن فعالیت بانکها در جهت اداری و انتفاعی اسلامی
- از تاریخ تصویب این قانون، کلیه بانکها ملی اعلام می گردد و دولت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیران بانکها اقدام نماید.
- ماده 2- از این تاریخ تنها امضای مدیرانی که از طرف دولت برای بانکها معین میگردند، دارای اعتبار قانونی می باشد.

4.2.6. اداره امور بانکها

در پی ملی شدن بانکها، تجدید نظر در ارکان بانکها مطرح گردید. لذا لایحه قانونی اداره بانکها در تاریخ سوم مهرماه 1358 به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید که به موجب این لایحه ارکان بانکها به شرح ذیل مشخص گردید:

1. مجمع عمومی بانکها

2. شورای عالی بانکها

3. هیات مدیره هر بانک

4. مدیر عامل هر بانک

5. بازرسان قانونی هر بانک

4.2.6.1 مجمع عمومی بانکها

مجمع عمومی بانکها از وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنایع، وزیر بازرگانی، وزیر معادن و فلزات، وزیر کشاورزی و عمران روستایی، وزیر مسکن و شهرسازی، وزیر جهاد، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می شود. ریاست مجمع عمومی بانکها با وزیر امور اقتصادی و دارایی و در غیاب وی با وزیر بازرگانی است. مجمع عمومی بانکها به دو صورت عادی و فوق العاده تشکیل می گردد.

وظایف مجمع عمومی عادی بانکها بشرح ذیل است:

1. استماع گزارش سالانه هر بانک و رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و دیون و صورتحساب دوره عمل سالانه و تصویب ترازنامه و بودجه آن.
2. رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره اندوخته هر یک از بانکها و تصویب سود ویژه.
3. انتخاب اعضای هیات مدیره بانکها بنا به پیشنهاد شورا عالی بانکها.
4. انتخاب مدیران عامل بانکها تخصصی به پیشنهاد وزیر مربوط و انتخاب مدیران عامل بانکهای تجاری به پیشنهاد وزیر بازرگانی با نظر مشورتی شورا عالی بانکها.
5. احکام مدیران عامل و اعضای هیات مدیره بانکها به امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر خواهد شد.
6. انتخاب بازرسان قانونی هر یک از بانکها.
7. تصویب اساسنامه هر یک از بانکها.
8. تصویب آیین نامه های استخدامی، مالی، اداری و معاملاتی.

9. اتخاذ تصمیم نسبت به هرگونه مسائل دیگر مربوط به عملیات بانکی که از طرف شورای عالی بانکها به مجمع عمومی پیشنهاد می شود.

جلسات مجمع عمومی عادی بانکها حداقل سالی یک مرتبه تا پایان تیرماه هر سال تشکیل خواهد شد. وظایف مجمع عمومی فوق العاده که هرگونه تغییر در مواد اساسنامه، کاهش یا افزایش سرمایه هر یک از بانکها، تاسیس، انحلال یا ادغام آنها می شود. در زمان مقتضی تشکیل و اتخاذ تصمیم می نماید.

4.2.6.2 شورای عالی بانکها

-شورای عالی بانکها از 8 عضو به شرح زیر تشکیل میشود:

1. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
2. مدیر عامل بانک ملی ایران
3. نماینده وزارت امور اقتصادی و دارائی
4. نماینده سازمان مدیریت و برنامه ریزی
5. نماینده وزارت مسکن و شهرسازی
6. نماینده وزارت کشاورزی و عمران روستائی
7. نماینده وزارت بازرگانی
8. نماینده وزارت صنایع
9. نماینده وزارت معادن و فلزات
10. نماینده وزارت جهاد
11. نماینده وزارت تعاون

ریاست شورایی عالی بانکها با رئیس کل بانک مرکزی ایران است 0 مدت عضویت افراد مذکور در رديفهای 3 تا 11 ، دو سال میباشد و جلسات آن حداقل هر هفته یکبار به دعوت رئیس شورا و یا حداقل سه نفر از اعضاء شورا تشکیل میگردد0

4.2.6.3. وظایف و اختیارات شورایی عالی بانکها:

1. پیشنهاد اعضای هیأت مدیره بانکها به مجمع عمومی
2. اظهار نظر مشورتی در مورد انتخاب مدیران عامل بانکها
3. ایجاد هماهنگی در امور بانکها
4. تهیه آئین نامه استخدامی و سایر آئین نامه های مالی ، اداری و معاملاتی مربوط به امور بانکها برای تصویب مجمع عمومی
5. رسیدگی به بودجه هر یک از بانکها برای تصویب مجمع عمومی
6. اظهار نظر نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش سالانه هر یک از بانکها برای تقدیم به مجمع عمومی
7. اظهار نظر نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه هر یک از بانکها
8. کسب اطلاعات لازم از بانکها و بررسی گزارشهایی که هیأت مدیره هر یک از بانکها به شورایی عالی ارسال می دارد
9. اتخاذ سیاست کلی در مورد تاسیس و تعطیل شعب یا هر واحد بانکی دیگر در هر نقطه از ایران یا خارج از کشور
10. اظهار نظر نسبت به تغییر مواد اساسنامه هر یک از بانکها و پیشنهاد آن به مجمع عمومی بانکها
11. اتخاذ تصمیم درباره سیاستهای کلی اقتصادی ، اعتباری و اداری بانکها و سایر مسائل مربوط به اداره امور بانکها

12. کوشش و ابتکار در حسن اداره و سود حاصل بانکها و بهبود مستمر وضع آنها در جهت خدمت به مردم و به اقتصاد کشور و افزایش درآمدها بر طبق موازین اسلامی

4.2.6.4. هیات مدیره هر بانک

هیات مدیره هر بانک از نظر تعداد اعضا و وظایف آنان طبق اساسنامه هر بانک انتخاب می گردند.

4.2.6.5. مدیر عامل هر بانک

مدیر عامل بالاترین مقام اجرایی و اداری بانک است که بر حسب پیشنهاد شورایی عالی بانک و از طرف مجمع عمومی بانکها انتخاب می شود.

4.2.6.6. بازرسان قانونی هر بانک

تعداد اعضاء و وظایف و نحوه بازرسان قانونی طبق اساسنامه هر بانک خواهد بود

4.2.7. ادغام بانکها

در سالهای گذشته نظام بانکی ایران همواره با رونق فعالیت اقتصادی غیر منطقی عملیات و تشکیلات خود را گسترش داد، لکن این گسترش متناسب با نیازهای واقعی الگوی توسعه اقتصادی کشور نبود و بیشتر در جهت تامین مقاصد سودجویانه سرمایه گذاران وابسته قدم برمی داشت.

هدف از ملی کردن بانکها دخالت و نظارت دولت در عملیاتی بود که می توانست موجبات نیل به استقلال اقتصادی و مالی را فراهم آورد. زیرا با قطع ایادی سرمایه گذاران وابسته از اداره نظام بانکی امکان برقراری یک سیستم پولی و اعتباری مستقل ملی بوجود آمد و با از بین بردن انگیزه های فردی در فعالیتهای بانکی و جایگزین نمودن فعالیتهای صحیح اقتصادی و تحصیل رفاه اجتماعی، زمینه مناسبی برای هدایت منابع حاصل از پس اندازها در مسیر اجرای برنامه های ملی جهت توسعه اقتصادی فراهم گردید. بدیهی است که انتقال مالکیت بانکهای خصوصی به دولت به تنهایی برای تجهیز نظام بانکی کشور و سوق آن در هت تامین هدفهای اقتصادی

ملی کافی نبوده و برای جلوگیری از تشتت تصمیمات به محدود کردن تعداد مدیران و افزایش نظارت دولت بر عملیات بانکی پس از ملی کردن بانکها و موسسات اعتباری ادغام بانکها ضرورت یافت.

در اجرای ماده 17 لایحه قانونی اداره بانکها مصوب 1385/7/3 شورای انقلاب اسلامی پیشنهاد ادغام 9 بانک به شرح زیر به تصویب مجمع عمومی بانکها رسید:

بانکهای تجاری کشور به شرح زیر میباشند:

1. بانک ملی
2. بانک سپه
3. بانک رفاه کارگران: این بانک مجاز به انجام کلیه عملیات بانکهای تجاری می باشد و تلاش گذشته این بانک در حمایت از گروه کارگران کشور به ویژه در مناطق کارگری بوده و اکنون نیز با تغییراتی که در نظر است انجام شود امید می رود اسم بانک بیش از پیش با محتوی گردد.
4. بانک تجارت: این بانک از ادغام بانکهای ایران و انگلیس، اعتبارات ایران، ایران و خاورمیانه، ایران و هلند، بازرگانی ایران، ایرانشهر، صنایع ایران، شهریار، ایرانیان، کار، بین المللی ایران و ژاپن و بالاخره بانک روس و ایران.
5. بانک ملت: از ادغام بانکهای تهران، پارس، داریوش، اعتبارات، تعاونی و توزیع، ایران و عرب، بین المللی تهران، عمران، بیمه ایران، تجارت خارجی ایران و بانک فرهنگیان. به منظور حصول به یکنواختی در ضوابط اعطای تسهیلات اجرای سیاست واحد پولی و پیشبرد فعالیتهای تخصصی در زمینه مسکن، کشاورزی و صنعت و معدن، بانکهای تخصصی ملی شده نیز در بانکهای مشابه دولتی در رشته مربوطه به ترتیب زیر ادغام شدند:
6. بانک صادرات، بانک صادرات فعالیتی خود را مانند گذشته در تهران ادامه داده و در خارج از مرکز تحت عنوان بانک استان فعالیت دارد.

7. بانک صنعت و معدن: این بانک از ادغام بانکهای اعتبارات صنعتی، توسعه و صنعتی و معدنی ایران، توسعه و سرمایه گذاری ایران، شرکت سرمایه گذاران بانکهای ایران، صندوق ضمانت صنعتی و صندوق معدن تشکیل شده است، این بانک فعالیتهای صنعتی کوچک در شهرستانها را به بانکهای استان واگذار خواهد نمود.
8. بانک مسکن: این بانک از ادغام بانکای رهنی ایران، ساختمان، شرکت سرمایه گذاری ساختمانی بانکهای ایران و شرکت پس انداز و وام مسکن کورش، اکباتان، پاسارگاد و در شهرستانها شرکتهای پس انداز وام مسکن مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز، گیلان، همدان، کرمانشاه، مازندران، گرگان، سمنان و آبادان تشکیل شده است.
9. بانک کشاورزی: این بانک ادغام بانک توسعه کشاورزی ایران، بانک تعاون کشاورزی ایران و کلیه موسسات اعتباری وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی به وجود آمده است.
10. بانک توسعه صادرات: ضمناً اساسنامه و تشکیل بانک توسعه صادرات با سرمایه ای معادل پنجاه میلیارد ریال در تاریخ 1370/4/19 با هدف زیر به تصویب رسید.

4.3. بانکداری اسلامی در ایران

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی، لزوم استقرار نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از ضرورتهای اساسی کشور مطرح شد. مهمترین اقدام عملی در این جهت می توانست ریشه کن کردن ربا از سیستم بانکی کشور باشد تا بدینوسیله بنیان یک اقتصاد توحیدی مبتنی بر قسط و عدل گذارده شود. بهمین منظور پس از انقلاب در سال 1358 اقداماتی در جهت اسلامی کردن نظام بانکی به عمل آمد، که این اقدامات را می توان در کوششهای اولیه برای حذف بهره و برقراری کارمزد در سیستم بانکی و تاسیس بانک اسلامی و توسعه صندوقهای قرض الحسنه خلاصه نمود.

، پس از پیروزی انقلاب، گرچه سعی شده اقداماتی در جهت حذف بهره انجام گیرد، لکن ماهیتا این اقدام نتوانست تغییر اساسی در سیستم گذشته بدهد، بطوریکه ناگزیر مقدار بهره ای که به سپرده ها پرداخت می شد با درصد کمتری با عنوان جدید «حداقل سود تضمین شده» همچنان پرداخت گردید.

همچنین دریافت کارمزد و حداقل سود تضمین شده در مورد وامها و اعتبارات پرداختی و سپرده های دریافتی بانکها نیز نشان دهند عدم تغییر اساسی در نظام ربوی گذشته بود. بدیهی است برای حذف کامل بهره از سیستم بانکی باید اقدامات اساسی و اصولی دیگری در کلیه زمینه های اقتصادی انجام پذیرد تا همگام با سیستم بانکی، زمینه لازم و ضروری را در اقتصاد کشور در جهت حذف بهره فراهم آورد. بدین منظور در سال 1361، لایحه عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در جهت حذف بهره و انطباق عملیات بانکی با موازین اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید که نهایتا در تاریخ 1363/6/8 به تصویب رسید. براساس این قانون مقرر شد که هدف نظام بانکی عبارت باشد از استقرار نظام پولی و اعتباری برم بنای عدالت که با تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار به ویژه حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی و ارائه خدماتی که قانونا بر عهده بانکها محول شده است.

براین مبنا برای دو وظیفه اصلی بانکها که یکی جمع آوری پول (تجهیز منابع پولی) و دیگری توزیع پول (تسهیلات اعطایی) باشد با تلاش مدیریت بانکها و همکاری همکاران بانکی در این طریق گامهای موثری برداشته شده است که نیاز به بررسی بیشتر و مطالعه عمیق تر در بازده روشهای متخذه در توسعه اقتصادی کشور دارد. مضافا اینکه وظیفه بانک مرکزی از آنچه در گذشته داشته فراتر رفته و تعیین رشته های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت بانکها در فعالیت اقتصادی در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و همچنین تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای اولویت دادن به طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت نیز بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است. در قانون جدید برای تحکیم عملیات بانکی و تایید برگشت سرمایه گذاری در ارتباط با اعطای

تسهیلات بانکی کلیه قراردادهای منعقد شده بین بانک و مشتریان بانک را در حکم اسناد لازم اجرا و تابع آیین نامه اجرایی اسناد رسمی شناخته است.

4.3.1. مبانی بانکداری ربوی و غیر ربوی

در بانکداری متعارف (ربوی) سپرده گذاران هیچ مسئولیتی در قبال فعالیت های بانک ندارند و نتایج عملیات بانکی سود باشد یا ضرر، هیچ فرقی برای آنان ندارد و بانکدار متعهد است در هر وضعیتی اصل سپرده و بهره آن را در موعد مقرر به سپرده گذار بپردازد. در بخش اعطای وام هم، وقتی بانک وام می دهد، رابطه مالکیتی خود را از آن وام قطع کرده و به مالکیت متقاضی در می آورد و او متعهد می شود در سر رسیدهای معین اصل وام و بهره آن را به بانک برگرداند. نظام بانکی ربوی سعی کرده صنعت بانکداری را از درگیر شدن با اقتصاد حقیقی دور کند. به طوری که در اکثر کشورها، بانک ها از سرمایه گذاری مستقیم در فعالیتهای اقتصادی، خرید سهام شرکت ها، حتی خرید اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام منع شده اند. این در حالی است که با حذف سیستم بهره و بانکداری مبتنی بر آن، ماهیت بانکداری متحول می شود و بانک دیگر تنها به عنوان یک مؤسسه گردش وجوه نیست، و سپرده گذاران، بانکها و بنگاه های اقتصادی دیگر به صورت عناصر مجزی از هم نیستند. سود و زیان بانکها و به دنبال آن سود و زیان سپرده گذاران، بستگی به عملکرد و موفقیت بنگاه ها دارد. پس در ساختار غیر ربوی علاوه بر آنکه بانکها و مردم به یکدیگر متعهد بوده و مسئولیت دارند، بانکها در چرخه اقتصادی نیز فعالیت دارند تا بتوانند پاسخگوی سپرده گذاران باشند.

4.3.2. تجهیز منابع پولی در بانکداری اسلامی

تفاوتهای دو نوع بانکداری ربوی با غیر ربوی عمدتاً در مسئله تجهیز منابع و اعطای تسهیلات می باشد. روش های تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا عبارتند از :

1. سپرده های **قرض الحسنه جاری**؛ که مانند سایر بانکها، ماهیت قرض دارد، و اشخاص حقیقی و حقوقی می توانند با افتتاح حساب قرض الحسنه جاری، وجوه مورد نظر خود را به بانک سپرده و دسته

چک دریافت کنند و سپس از طریق نوشتن چک به هر اندازه و به هر صورتی که مایل باشند، مطابق مقررات بانک از موجودی خود برداشت کنند. به موجودی این گونه حساب های سودی تعلق نمی گیرد و وجوه این حساب به مقتضای عقد قرض به مالکیت بانک در آمده و جزء منابع بانک خواهد بود و در نتیجه بانک ها می توانند از طریق عقود بانکی، سرمایه گذاری کرده و کسب سود کنند.

2. **سپرده قرض الحسنه پس انداز؛** که این حساب نیز ماهیت قرض دارد که افراد سپرده گذار با دریافت دفترچه پس انداز حق برداشت از حساب خود را در هر زمان دارند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک در آمده و بانکها بخشی از آن را به اعطاء قرض الحسنه و بخشی دیگر را از طریق عقود و تشویق مردم به پس انداز، پاره ای از اولویت ها، امتیازات و جوایز نقدی و غیر نقدی به صاحبان این حساب ها می پردازند.

3. **سپرده سرمایه گذاری مدت دار؛** که این سپرده ها را افراد به قصد انتفاع از سرمایه نقدی خود در بانک سپرده گذاری می کنند. اشخاص حقیقی یا حقوقی، سرمایه نقدی خود را با عنوان وکالت به بانک تحویل می دهند و بانک بعد از کسر ذخایر احتیاطی، مابقی را از طریق عقود بانکی سرمایه گذاری می کند. بانکها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه گذاری مدت دار را متعهد می شوند، ولی میزان سود از ابتدا معلوم نیست، بانکها بعد از پایان دوره مالی، سود واقعی را محاسبه کرده و بعد از کسر سهم بانک و حق الوکاله بانک، مابقی را به عنوان سود قابل تقسیم، بین صاحبان سپرده های سرمایه گذاری تقسیم می کنند.

4.3.3. تخصیص منابع در بانکداری اسلامی

روش های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربای ایران به پنج گروه عمده تقسیم می شوند:

1- قرض الحسنه 2- عقود مبادله ای 3- عقود مشارکتی 4- عقود تعهدی 5- سرمایه گذاری مستقیم

4.3.3.1. قرض الحسنه

قرض الحسنه قراردادی است که به سبب آن، بانکها در جایگاه قرض دهنده، مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به افراد یا شرکتها به قرض واگذار می کنند. گیرنده قرض متعهد می شود معادل مبلغ دریافتی را طبق زمانبندی مشخص به بانک بپردازد. این روش از اعطای تسهیلات، با اهداف خیرخواهانه و کمک به نیازمندان و غیرانتفاعی است؛ یعنی بانک بابت منابع قرض داده شده، سودی دریافت نمی کند و فقط در مقابل هزینه های اعطای قرض الحسنه، در حد 2 تا 4 درصد کارمزد دریافت می کند. ویژگی اصلی این روش، غیرانتفاعی و خیرخواهانه بودن قرارداد قرض الحسنه است.

4.3.3.2. عقود مبادله ای

بانکها از طریق قراردادهای مبادله ای ذیل می توانند با استفاده از منابع خود تقاضای مشتریان را پاسخ دهند.

فروش اقساطی: فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین کالا به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسیدهای معین دریافت گردد. بدین صورت که حسب درخواست مشتری، کالای مورد نظر نقداً توسط بانک خریداری و به صورت فروش اقساطی به وی واگذار می شود. این تسهیلات برای گسترش واحدهای تولیدی (صنعتی و معدنی، کشاورزی) و خدماتی پرداخت می شود. انواع فروش اقساطی: 1- مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کاروسایل تولید، 2- حمل و نقل، ماشین آلات و تأسیسات 3- مسکن

اجاره به شرط تملیک: اجاره به شرط تملیک عقد اجاره ای است که در آن شرط می شود، مستأجر (مشتری) در پایان مدت اجاره در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مورد اجاره (مستاجر) را تملیک نماید. این تسهیلات جهت گسترش امور تولیدی در بخشهای (صنعتی و معدنی، کشاورزی، ساختمانی و خدمات) و برای خرید اموال منقول و غیر منقول پرداخت می شود.

جعاله: جعاله عبارت است از الزام شخص (جاعل یا کارفرما) به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین طبق قرارداد. بانک می‌تواند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد و به عنوان عامل یا عندالافتضاء به عنوان جاعل، مبادرت به جعاله نمایند. این تسهیلات به منظور تعمیر یا تکمیل ساختمان و در بخش‌های (صنعتی و معدنی، کشاورزی، ساختمانی)، خدماتی، بازرگانی و به اشخاص حقیقی پرداخت می‌شود.

سلف: سلف بیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین می‌باشد و به موجب آن بانک به منظور تأمین سرمایه در گردش فعالیت‌های تولیدی، مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی مشتریان می‌نماید. (محصولات تولیدی مشتری را خریداری و بهای آن را نقداً پرداخت نموده و کالا را در آینده تحویل می‌گیرد). این تسهیلات برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی (صنعتی و معدنی، کشاورزی) پرداخت می‌شود. تسهیلات سلف صرفاً برای تولید کالایی که مقدمات تولید آن فراهم و برای تکمیل تولید نیاز به منابع مالی دارد، مجاز می‌باشد و به هیچ وجه پرداخت تسهیلات برای خرید کالاهای موجود که به فروش نرسیده مجاز نیست.

خرید دین: در این روش نیز بانک‌ها برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز متقاضیان، اسناد مالی (طلب) مدت‌دار آنان را با احتساب سود بانکی خریداری (تنزیل) می‌کنند.

ویژگی‌های قراردادهای مبادله‌ای قراردادهای مبادله‌ای ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از سایر قراردادها متمایز می‌کند. برخی از آن‌ها بدین قرار است:

1. **انتفاعی بودن قرارداد:** قراردادهای مبادله‌ای همگی انتفاعی هستند. بانک از محل انجام این قراردادها

کسب سود می‌کند.

2. **معین بودن سود قرارداد:** افزون بر انتفاعی بودن قرارداد، نرخ سود بانک از محل این قراردادها معین است؛ برای مثال، بانک می‌تواند تصمیم بگیرد تمام قراردادهای مبادله‌ای خود را برای سال خاص یا فصل خاصی با نرخ‌های معین قرارداد ببندد؛ چنان‌که می‌تواند برای همه بخش‌ها یا همه قراردادهای یک نرخ یا چند نرخ معین به صورت ترجیحی استفاده کند.
3. **تملیکی بودن قرارداد:** در قراردادهای مبادله‌ای بعد از پایان قرارداد، طبق ضوابط هر قرارداد، عوضین به ملکیت طرفین در می‌آید و رابطه بانک با گیرنده تسهیلات، رابطه بستانکار و بدهکار است.
4. **عدم نیاز به نظارت و کنترل:** در قراردادهای مبادله‌ای مسؤولیت بانک در احراز صحت قرارداد خلاصه می‌شود و بعد از آن به نظارت و کنترل چگونگی بهره‌برداری از تسهیلات گرفته شده از بانک نیازی نیست. بانک فقط مسؤولیت دارد با دریافت تضمین کافی از بازگشت منابع مطمئن شود.

4.3.3.3 عقود مشارکتی

مطابق فصل سوم قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند از طریق قراردادهای مشارکتی ذیل، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را تأمین مالی کنند.

مشارکت مدنی: مشارکت مدنی عبارت است از درهم آمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی متعدد به نحو مشاع به قصد انتفاع طبق قرارداد. این تسهیلات برای ایجاد، توسعه، تکمیل و نوسازی در واحدهای تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و ساختمان)، خدماتی و بازرگانی پرداخت می‌شود و بابت تأمین سرمایه در گردش، خرید ماشین آلات و ابزارآلات واحدهای تولیدی پرداخت می‌شود. انواع مشارکت مدنی:

1. خرید مواد اولیه، ماشین آلات

2. بازرگانی

3. صادراتی (قبل و بعد از صادرات)

مشارکت حقوقی: در این روش، بانکها با تخصیص بخشی از منابع، به خرید بخشی از سهام شرکت‌های پذیرفته در بورس اقدام کرده، همانند سایر سهامداران در سود شرکت شریک می‌شوند؛

مضاربه: مضاربه عقدی است که به موجب آن بانک به عنوان مالک، سرمایه مورد نیاز را تأمین تا متقاضی (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله هر دو طرف شریک باشند. این تسهیلات فقط در بخش بازرگانی پرداخت می‌شود. در این روش، بانکها براساس قرارداد مضاربه، سرمایه مورد نیاز تاجر و بنگاه تجاری را تأمین کرده، طبق توافق در سود فعالیت بازرگانی شریک می‌شوند؛

مزارعه: در این روش، بانک براساس قرارداد مزارعه، زمین مورد نیاز زارع برای کشاورزی و زراعت را فراهم کرده، در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول زراعی را بین خود تقسیم می‌کنند؛

مساقات: در این روش، بانک براساس قرارداد مساقات، باغ مورد نیاز باغبان را فراهم کرده، در اختیار او می‌گذارد و طبق توافق، محصول باغ را بین خود تقسیم می‌کنند.

ویژگی‌های عقود مشارکتی:

1. انتظار انتفاعی بودن قرارداد: ماهیت این قراردادها همانند قراردادهای مبادله‌ای انتفاعی است با این تفاوت که در قراردادهای مبادله‌ای تحقق انتفاع حتمی است؛ اما در قراردادهای مشارکتی انتظاری است. طرفین قرارداد (بانک و متقاضی تسهیلات) انتظار دارند طبق پیش‌بینی خود سودی داشته باشند؛ اما در عمل ممکن است اتفاق نیفتد.

2. متغیر بودن نرخ سود قرارداد: در قراردادهای مشارکتی ممکن است ابتدای قرارداد، سهم سود بانک و نرخ سود انتظاری را برآورد کرد؛ اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌شود و به صورت طبیعی از موردی

- به مورد دیگر متفاوت خواهد بود؛ چنان که ممکن است برای قرارداد خاصی نرخ سود صفر و حتی منفی باشد؛ در نتیجه سود بانک از محل قراردادهای مشارکتی متغیر و در پایان دوره مالی معلوم می شود.
3. اذنی بودن قرارداد: در قراردادهای مشارکتی، سرمایه‌ای که از طرف بانک در اختیار متقاضی تسهیلات قرار داده می شود، به ملکیت او در نمی آید. بانک فقط به او اذن تصرف می دهد. متقاضی تسهیلات می تواند در دایره اذن صاحب سرمایه (بانک) از آن در فعالیت اقتصادی بنگاه استفاده کند و رابطه مالی بانک با مشتری، رابطه صاحب سرمایه با عامل یا رابطه دو شریک خواهد بود.
4. نیاز به نظارت و کنترل: در قراردادهای مشارکتی، افزون بر مسؤلیت احراز صحت اصل قرارداد، بانک مسؤلیت دارد اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای پروژه بر کیفیت به کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حق و حقوق بانک و سپرده گذاران دفاع کند.

4.3.3.4 عقود تعهدی

گشایش اعتبار اسنادی داخلی - ریالی تعهدی است که بانک به منظور خرید یا سفارش کالا و خدمات از فروشنده ای در داخل کشور به نفع خریداری که فروشنده آن کالا یا خدمات به لحاظ اعتباری ناشناخته است بر قرار می نماید. گشایش اعتبار اسنادی داخلی ریالی برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی (صنعتی و معدنی، کشاورزی)، خدماتی و بازرگانی استفاده می شود.

ضمانت نامه های ریالی سندی که به درخواست ضمانتخواه (متقاضی) و پس از انعقاد قرارداد با وی، توسط بانک صادر می شود و به موجب آن بانک متعهد می شود به محض اعلام و مطالبه ذینفع، طبق متن ضمانت نامه، وجه آن را به وی پرداخت نماید. انواع ضمانت نامه:

1. ضمانت نامه شرکت در مناقصه یا مزایده.
2. ضمانت نامه حسن اجرای تعهدات ناشی از قرارداد (ضمانت نامه حسن انجام کار).
3. ضمانت نامه پیش پرداخت.

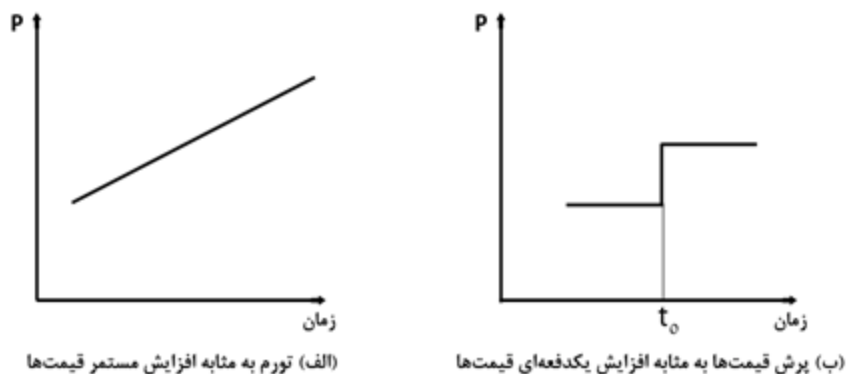
4. ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان.
5. ضمانت نامه تعهد پرداخت (صدر ضمانت نامه تعهد پرداخت، به نفع اشخاص حقیقی، حقوقی، دادگاه ها و... در قبال 100 درصد وجه نقد و یا سپرده سرمایه گذاری یا گواهی سپرده سرمایه گذاری مدت دار ویژه عام و خاص یا حساب های پس انداز قرض الحسنه نزد آن بانک و اوراق مشارکت منتشره براساس مجوز بانک مرکزی ج.ا.ا و قرض الحسنه پس انداز).
6. ضمانت نامه جهت پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و ترخیص کالا.
7. سایر ضمانت نامه های متفرقه جهت ارائه به دادگاهها، وزارت آموزش عالی، اداره وظیفه عمومی.

4.3.3.5 سرمایه گذاری مستقیم

مطابق ماده 8 قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانکها اعم از تجاری و تخصصی می توانند در طرح های تولیدی و عمرانی به سرمایه گذاری مستقیم مبادرت کنند. مطابق ماده 28 آیین نامه اجرایی، سرمایه گذاری مستقیم بانکها عبارت از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح های تولیدی و عمرانی انتفاعی به وسیله بانکها است. سرمایه گذاری مستقیم روی یک طرح می تواند به وسیله یک بانک یا با مشارکت چند بانک صورت پذیرد. روش سرمایه گذاری مستقیم گرچه قرارداد نیست، از جهت آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است؛ یعنی انتظار انتفاع هست و نرخ سود آن متغیر خواهد بود و در پایان دوره مالی مشخص می شود.

3. تورم

تورم عبارت است از رشد شاخص قیمت‌ها. از آنجا که شاخص قیمت‌ها گروه وسیعی از کالاها را شامل می‌شود ، لذا در محاسبه‌ی تورم اولاً متوسط تغییر قیمت کالاها در کل اقتصاد مورد نظر است ، ثانیاً رشد قیمت هر کالا با یک وزن مناسب در محاسبه‌ی رشد شاخص مذکور لحاظ می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که تورم عبارت است از رشد مستمر و همه‌گیر قیمت‌ها. یعنی در صورتی به افزایش قیمت‌ها تورم اطلاق می‌شود که این افزایش مربوط به همه‌ی کالاها (یا اکثر کالاها) باشد و به صورت یکدفعه‌ای و مقطعی نباشد ، بلکه حالت مستمر داشته باشد. لذا به افزایش تنها بعضی از کالاها به لحاظ فنی تورم اطلاق نمی‌شود. به افزایش یکدفعه‌ای قیمت‌ها هم تورم گفته نمی‌شود. به افزایش مقطعی و یکدفعه‌ای قیمت‌ها ، پرش قیمت‌ها گفته می‌شود.



تفاوت تورم و پرش قیمت‌ها

بنابراین در محاسبه‌ی تورم هم باید متوسط افزایش قیمت مربوط به عمده‌ی کالاها در هر نقطه از اقتصاد را منظور نمود و هم باید به افزایش قیمت هر کالا وزن مناسب با آن اعطا کرد. اساسا در ارزیابی تورم باید به بعد پویای آن هم توجه نمود. ماهیت تورم در اصل یک ماهیت پویا است، اما افزایش یکدفعه‌ای قیمت‌ها ماهیت ایستا دارد. لذا در بحث تقاضای پول گفته می‌شود که اگر قیمت‌ها به طور یکدفعه‌ای افزایش یابد، تقاضای اسمی پول را به طور متناسب افزایش می‌دهد، اما اگر تورم افزایش یابد یا قیمت‌ها به طور مستمر در حال افزایش باشند، تقاضای پول حقیقی کاهش می‌یابد.

3.1. هزینه‌های تورم

در چارچوب اقتصاد کلاسیکی محض، تورم اساسا یک پدیده‌ی پولی است و چون بخش پولی از بخش حقیقی مجزا است، تورم در اقتصاد حالت خنثی دارد. یعنی تورم صرفا انعکاسی از تغییرات رشد پول است و بنابراین بر بخش حقیقی و تخصیص منابع و توزیع درآمد تاثیری ندارد. اما فریدمن که در مورد نظریه‌های پولی و ماهیت تورم با کلاسیک‌ها دیدگاه‌های مشترک زیادی دارد، تورم را پرهزینه و مضر تلقی می‌کند. وی معتقد است تورم موجب ناطمینانی می‌شود و پیش‌بینی متغیرهایی که در ارزیابی پروژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند را با مشکل مواجه می‌سازد و این موجب می‌شود هزینه‌ی ریسک فعالیت‌های اقتصادی به خاطر افزایش واریانس متغیرهای

تصمیم و متغیرهای مرتبط با آنها افزایش یابد و این خود موجب محدود شدن رشد سرمایه‌گذاری و کاهش بهره‌وری می‌شود.

مسئله هر قدر اقتصاد رقابتی‌تر و دارای ثبات بیشتر باشد و نیروهای بازار و رقابت در آن قوی‌تر باشند، تورم اثرات منفی کمتری در پی دارد و بیشتر با قواعد هیدرولیکی ظروف مرتبته مطابقت دارد. اما باید به خاطر داشت که حتی در اقتصادهای کاملاً رقابتی (که در دنیای واقعی وجود خارجی ندارد)، خنثایی و بی‌ضرر بودن تورم موضوعیت ندارد. همان‌طور که خنثایی پول و عدم تاثیر آن نیز در چنین اقتصادهایی موضوعیت ندارد.

(به میزانی که هر اقتصاد از حالت رقابت فاصله می‌گیرد یا در آن بی‌ثباتی بیشتر می‌شود، تورم تخصیص منابع و بخش حقیقی را بیشتر تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لذا در بیشتر اقتصادهای موجود، تورم تخصیص منابع را به هم می‌ریزد، زیرا به صورت متناسب و متوازن عمل نمی‌کند. اگر آن‌طور که کلاسیک‌ها می‌گفتند تورم به صورت متناسب عمل می‌کند، نباید تخصیص منابع را تغییر دهد، زیرا تخصیص منابع بر قیمت‌های نسبی مبتنی است و رفتار متناسب قیمت‌ها، قیمت‌های نسبی را تغییر نمی‌دهد، اما در اقتصادهای موجود تورم متناسب عمل نمی‌کند، لذا قیمت‌ها نسبی به هم می‌خورد و تخصیص منابع را دچار تغییر می‌سازد. اگر این رفتار نامتناسب قیمت‌ها در فرایندهای تورمی گسترده باشد، علاوه بر تخصیص مجدد منابع، تورم توزیع مجدد درآمد هم انجام می‌دهد. در اقتصاد ایران تورم هم ایجاد نااطمینانی می‌کند و چشم‌انداز فعالیت‌های مولد اقتصادی را مکدر و نامشخص می‌سازد، هم تخصیص مجدد منابع انجام می‌دهد.

از آنجا که بخش‌های نامولد در اقتصاد کشور از قدرت قیمت‌گذاری بالایی برخوردارند، تورم بیشتر منابع را به سمت این نوع فعالیت‌ها سوق می‌دهد. همچنین تورم وضعیت نسبی درآمد دهک‌های پایین درآمدی را بدتر و وضعیت دهک‌های درآمدی بالا را بهتر می‌سازد. در جلد پنجم مستندات برنامه‌ی سوم با ارائه‌ی یک برآورد اقتصادسنجی نشان داده شده است که تورم وضعیت 4 دهک درآمدی بالا را بهتر می‌سازد و وضعیت 4 دهک پایینی را بدتر می‌کند.

تورم همچنین هزینه‌های برنامه‌های تعدیل ساختاری و تصحیح قیمت‌های نامرتب را افزایش می‌دهد، به طوری که امروز مانع اصلی اجرای برنامه‌های مذکور قلمداد می‌شود. تورم علاوه بر نااطمینانی، توزیع مجدد درآمد و تخصیص مجدد منابع، محیط کسب و کار و بستر توسعه اقتصادی را برای بهبود کیفیت، ارتقای تکنولوژی و ابداع و نوآوری نامناسب می‌سازد. البته در ارزیابی هزینه‌های تورم باید کیفیت تورم، میزان عدم تناسبی که ایجاد می‌کند و سایر ویژگی‌های آن را در نظر داشت.

از همه مهمتر وقتی پویایی‌های تورم قوی شود و حالت مزمن و مستمر به خود بگیرد، زمینه را برای بی‌ثباتی نقدینگی هم فراهم می‌کند و جهت علیت که عمدتاً از پول به تورم می‌باشد را تا حدی تغییر داده و جهت علیت از تورم به پول را هم فعال می‌سازد. بالاخره وقتی تورم مستمر و بالا باشد، در صورتی که نظام مالیات‌ستانی دولت قوی و مناسب نباشد، از طریق اثر الیورا - تانزی زمینه‌ی کسر بودجه‌های زیاد و مستمر فراهم می‌شود و این خود زمینه را برای خود تقویت‌شوندگی تورم فراهم و یا حتی تشدید می‌کند.

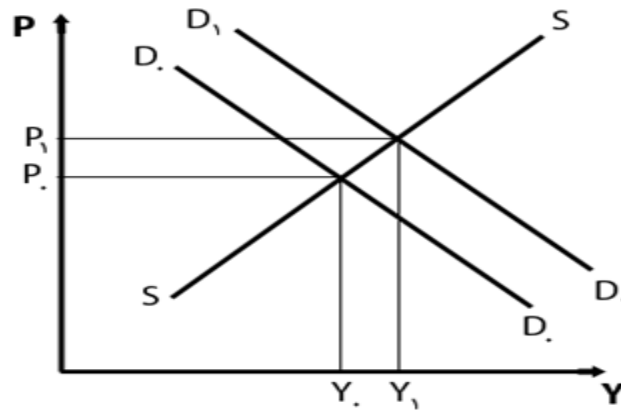
نکته‌ی قابل ذکر مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که با وجودی که در کشورهای پیشرفته تورم به صورت نسبتاً متناسب عمل می‌کند و نیروهای بازار برای تعدیلات تعادلی قوی هستند، این کشورها اجازه نمی‌دهند تورم از 2 الی 3 درصد در اقتصادشان بالاتر رود. این در حالی است که هزینه‌ی تورم در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر است. در کشورهای پیشرفته جز در نیمه‌ی دوم دهه‌ی 1960 دهه‌ی 1970 که تورم‌های نسبتاً بالایی را تجربه کرده‌اند، در زمان‌های دیگر سعی کرده‌اند تورم خود را مهار کنند و در انجام این امر تا حد زیادی موفق بوده‌اند.

3.2. ماهیت تورم

یک مجادله‌ی عمده در مورد تورم این است که تورم ریشه در جاذبه‌ی تقاضا دارد یا فشار هزینه؟ ما در اینجا به طور مختصر این دو دیدگاه را در کنار دیدگاه‌های دیگر مطرح می‌کنیم.

3.2.1. تورم مبتنی بر جاذبه‌ی تقاضا

طبق ایده‌ی کلاسیک‌ها و پولیون تورم از طریق جاذبه‌ی تقاضا و بر اثر رشد پول اسمی به وجود می‌آید در این چارچوب تحلیلی تنها از طریق حجم پول در جریان و افزایش تقاضا تورم به وجود می‌آید. به عبارت کلی طبق این دیدگاه تورم بر جاذبه‌ی تقاضا مبتنی است. همان‌طور که در نمودار زیر ملاحظه می‌شود با افزایش حجم پول در جریان (انتقال منحنی LM به سمت پایین و راست) و افزایش تقاضا (انتقال منحنی تقاضا به سمت راست)، سطح عمومی قیمت‌ها از P به P_1 افزایش می‌یابد، اگرچه سطح محصول کل هم از Y به Y_1 افزایش می‌یابد. اما اگر سطح محصول اشتغال کامل باشد در افق زمانی طولانی‌تر قیمت‌ها از P هم فراتر می‌رود و با عکس‌العمل صاحبان صنایع نهاده‌های تولیدی نسبت به افزایش P ، قیمت نهاده افزایش یافته و منحنی عرضه‌ی کل طوری به سمت بالا منتقل می‌شود که سطح درآمد به سطح بلندمدت P باز گردد و قیمت‌ها متناسب با افزایش حجم پول افزایش یابد.



تورم مبتنی بر جاذبه‌ی تقاضا

این نگرش با تاکید بر دو فرض ثابت بودن سرعت گردش پول و تمایل داشتن اقتصاد به وضعیت اشتغال کامل، تورم را ماهیتاً یک پدیده‌ی پولی ارزیابی می‌کند. حتی فریدمن مدعی می‌شود که تورم همه جا و همیشه یک پدیده‌ی پولی است. وی استدلال می‌کند که اگر در دهه‌ی 1970 حجم پول در جریان در کشورهای صنعتی

افزایش نمی‌یافت ، افزایش مستمر قیمت‌ها و تورم در این کشورها مجال بروز نداشت. وی برای اثبات مدعای خود از روش تجربه‌ی متقابل استفاده می‌کند. یعنی می‌گوید در دهه‌ی 1970 در کشورهای مذکور تورم‌های بالایی وجود داشته است ، انباره‌ی حجم پول در جریان هم در این کشورها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است ، بنابراین علت این تورم‌ها افزایش انباره‌ی پول بوده است ، زیرا اگر انباره‌ی پول این گونه افزایش نمی‌یافت چنین تورمی مجال بروز نداشت.

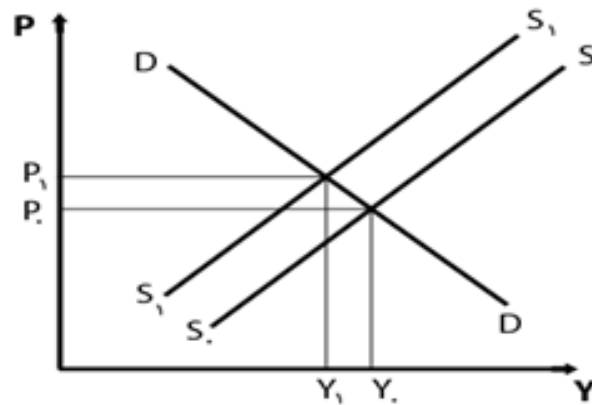
آنچه مسلم است این است که این روش تبیین پدیده‌ی تورم بخش قابل ملاحظه‌ای از تورم در دوره‌های مختلف در کشورهای پیشرفته و تا اندازه‌ی محدودتری در کشورهای در حال توسعه را توضیح می‌دهد و هیچ کس نمی‌تواند موضوعیت این ایده‌ی تا این حد گسترده را مورد انکار قرار دهد ، اما اینکه آیا این ایده به طور مطلق تورم را در همه‌ی کشورها و همه‌ی زمان‌ها توضیح می‌دهد یا نه موضوع دیگری است که جای اما و اگر فراوان دارد.

نکته‌ی دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که در اقتصاد رکودی و در شرایط وجود بیکاری و ظرفیت‌های خالی ، سیاست‌های پولی و مالی طرف تقاضا می‌تواند به افزایش محصول و اشتغال بیانجامد و اثر تورمی آن محدود باشد. اما اگر اقتصاد در نزدیکی اشتغال کامل باشد ، سیاست‌های مالی از طریق اثر محدودکننده موجب کاهش تقاضای سرمایه‌گذاری شده و قیمت‌ها را چندان افزایش نمی‌دهد و این سیاست پولی است که در چنین شرایطی به افزایش تورم منجر می‌شود ؛ یا سیاست مالی اگر از طریق پولی کردن کسر بودجه توسط بانک مرکزی تأمین مالی شود ، به تناسب افزایش حجم پول موجب تورم می‌شود.

3.2.2. تورم مبتنی بر فشار هزینه

عده‌ای تورم را به فشار هزینه‌های تولید منتسب می‌کنند و می‌گویند افزایش قیمت نهاده‌ها به صورت افزایش هزینه‌ی تولید از طریق منتقل کردن منحنی عرضه‌ی کل به سمت بالا و چپ موجب بروز تورم می‌شود.

همان‌طور که در نمودار پایین ملاحظه می‌شود وقتی به خاطر افزایش قیمت نهاده‌ها یا کاهش بهره‌وری یا به طور کلی افزایش هزینه‌ی تولید، منحنی عرضه‌ی کل به سمت بالا و چپ منتقل می‌شود، هم سطح تولید کل کاهش می‌یابد هم سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد و متعاقب آن رکود تورمی به وجود می‌آید. لذا طرفداران این ایده اظهار می‌کنند که در دهه‌ی 1970 آنچه که باعث شد تورم در کشورهای صنعتی افزایش یابد، فشار هزینه‌های ناشی از افزایش قیمت سوخت بود. آن‌ها استدلال کردند که چگونه می‌شود هزینه‌ی تولید حدود 30 الی 40 درصد افزایش یابد اما قیمت محصول منتظر افزایش پول بماند و افزایش نیابد.



تورم مثبتی بر فشار هزینه‌ها

طرفداران این ایده معتقدند نهایت چیزی که از همراهی و هم‌جهتی پول و تورم در مشاهدات تجربی برداشت می‌شود این است که بگوییم پول و تورم همبستگی کامل مثبت دارند. اما در مورد نحوه‌ی تعامل این دو و جهت علیت میان این دو با صرف مشاهده‌ی این همبستگی مثبت کامل نمی‌توان به طور مشخص اظهار نظر کرد. باید بررسی کرد که آیا تماماً این تورم معلول بی‌ثباتی‌های پول و نقدینگی است یا بی‌ثباتی‌های پولی تا اندازه‌ای به خاطر بی‌ثباتی تورم است یا پول و تورم در تأثیرگذاری بر یکدیگر با هم تعامل پیچیده دارند. از نظر این عده به روش تجربه‌ی متقابل مثبتی بر اینکه اگر پول زیاد نمی‌شد تورم هم مجال افزایش نداشت (حالا که پول زیاد شده است تورم هم افزایش یافته) نمی‌توان علیت پول برای تورم را ثابت کرد.

اساساً این روش استدلال، روش کاملی نیست، زیرا چه بسا پول تا حد قابل ملاحظه‌ای در عکس‌العمل به بی‌ثباتی قیمت‌ها سیلان پیدا کرده باشد و در نهایت آنچه که ما مشاهده می‌کنیم همراهی و همبستگی میان هردو است. اساساً اگر تورم به فشار هزینه‌ها مربوط باشد، وقتی هزینه‌های تولید به طور قابل ملاحظه افزایش می‌یابد باید سرعت گردش پول به سمت بالا تعدیل شود یا پول به طور منفعل گردش یابد تا افزایش تورم به لحاظ فنی و مکانیکی امکان‌پذیر شود. مسلماً ادعای این افراد این نیست که تورم همیشه و در همه جا از فشار هزینه‌ها به وجود می‌آید و اساساً تورم ماهیت پولی ندارد، بلکه تاکیدشان این است که در بعضی موارد افزایش هزینه‌ها منشأ تقویت استعدادهای تورمی است و پول هم به گونه‌ای تعدیل می‌شود که با تورم همراهی کند و استمرار قیمت‌های افزایش یافته را امکان‌پذیر سازد. به طور کلی هیچ کس نمی‌تواند همراهی پول و تورم و اینکه تورم با رشد نقدینگی با هم هم‌جهت هستند را انکار کند.

در کشور ما هزینه‌های تولید مدام در معرض افزایش است. قیمت نهاده‌های کشاورزی و پرورش دام و طیور و هزینه‌ی تولیدات صنعتی مدام رو به افزایش است و نسبت به کشورهای پیشرفته بسیار بالا است و این موجب شده که قیمت کالاهای ساهت داخل نسبت به قیمت خارجی آن‌ها بالاتر باشد و رقابت‌پذیری کشور در سطح اقتصاد بین‌الملل کاهش یابد. لذا بخش تولید ما باید هنگام تحلیل تورم مدعی شود که تورم در ایران به طور کامل ماهیت پولی دارد و ابتدا باید نقدینگی را کنترل کرد تا تورم مهار شود.

مقامات پولی هم نباید تورم را صرفاً به رشد هزینه‌ها منتسب کنند و از مسئولیت خود برای مدیریت صحیح نقدینگی کشور شانه خالی کنند، بلکه باید به نقش هر دو عامل و تعامل پیچیده میان این دو عنصر تأثیرگذار توجه داشته باشند و با این نگاه با تورم برخورد کنند. لذا در عین حال که باید رشد نقدینگی را مهار کرد و از سیلان و بی‌ثباتی آن جلوگیری کرد، باید سازمان کار و تولید را متحول و به روز کرد، انضباط مالی را باید در بنگاه‌ها نهادینه کرد، از واسطه‌گری‌های چندباره روی نهاده‌های تولید کشاورزی و پرورش دام و طیور جلوگیری

کرد ، تسهیلات مناسب در اختیار تولیدکننده قرار داد و ارتقای بهره‌وری و ابداع و نوآوری را مورد تاکید و توجه قرار داد.

اساساً تورم‌های مزمن و با پویایی‌های پیچیده نمی‌تواند ریشه در طرف عرضه‌ی اقتصاد نداشته باشند ، لذا کشورهایی که از تورم‌های بالا و مستمر در رنج هستند عمدتاً با مشکلات طرف عرضه دست به گریبان هستند. این بدان معنی نیست که نقدینگی در این کشورها باثبات و محدود است. نقدینگی در این اقتصادها هم بی‌ثبات است ، اما بی‌ثباتی نقدینگی در تعامل با مشکلات و موانع طرف عرضه استمرار پیدا می‌کند.

3.3 دیدگاه ساختارگرایان در مورد تورم

ساختارگرایان در عین حال که نقش پول در ایجاد تورم را می‌پذیرند و برای فشار هزینه‌ها در تشکیل تورم نقش قائل هستند ، برای تورم علل مهم دیگری را مطرح می‌کنند که می‌تواند به ما در درک صحیح پیچیدگی‌های تورم بسیار کمک کند. آن‌ها معتقدند که برای شناخت صحیح تورم باید به عوامل ساختاری و نهادی هم توجه کرد و تعامل این عوامل با عوامل پولی و هزینه‌ای را نیز در نظر گرفت. از دید آن‌ها تورم می‌تواند نتیجه‌ی تضادهای توزیعی باشد ؛ یعنی عوامل اقتصادی که در اقتصاد کالا یا خدمات می‌فروشند ، اگر از قدرت قیمت‌گذاری برخوردار باشند ، سعی می‌کنند قیمت محصول خود را افزایش دهند به این امید که دیگران چنین کاری نمی‌کنند و آن‌ها می‌توانند از محصول ملی سهم بیشتری به خود اختصاص دهند ، اما از آنجا که همه‌ی فروشندگان و همه‌ی عوامل اقتصادی (ولو به صورت ناهماهنگ و غیر همزمان) در معرض انگیزه‌های یکسان و مشابه قرار دارند ، دیگران هم با همین تصور قیمت کالاهای خود را بالا می‌برند. لذا در طول زمان سطح عمومی قیمت‌ها مدام در حال افزایش است و تورم به طور پویا استمرار می‌یابد.

طبق این دیدگاه عامل اصلی تورم وجود قدرت قیمت‌گذاری میان عوامل اقتصادی و استفاده‌ی ناهماهنگ آن‌ها از این قدرت برای به دست آوردن سهم نسبی بیشتر از محصول ملی است. البته در عمل آن‌طور که عوامل فردی تصور می‌کنند سهم نسبی آن‌ها افزایش نمی‌یابد (یا افزایش آن زودگذر است) ، زیرا وقتی دیگران هم با همین

انگیزه همین اقدام را انجام دهند سهم نسبی همه تقریباً به وضعیت قبلی خود باز می‌گردد و ثابت است. البته وضعیت نقدینگی هم در اینجا بی‌تاثیر نیست. اگر سیلان نقدینگی زیاد باشد، تقویت استعدادهای تورمی از طریق تضادهای توزیعی تسهیل و تقویت می‌شود و اگر نقدینگی محدود و منضبط باشد، مجرای مذکور محدودتر می‌شود، اما این طور نیست که این اقدامات معلول نقدینگی باشد؛ البته به طور حتم با نقدینگی تعامل دارد. لذا در تحلیل تورم باید این عوامل مهم را ابتدا مستقل ارزیابی کرد، بعد آن‌ها را در تعامل با عوامل پولی و هزینه‌ای بررسی نمود.

4. بهره

واژه Interest در لغت به معنی بهره و ربح به کار می‌رود و در اصطلاح، پرداختی است که در ازای استفاده از وجوه به کار گرفته شده، در تولید سرمایه انجام می‌شود و در واقع قیمتی است که وام‌گیرنده بابت استفاده از پول وام‌دهنده می‌پردازد و به صورت درصدی از پول یا وجوه قابل استقراض بیان می‌شود. طبق این تعریف، پول همانند هر کالای دیگر، ارزش و قیمت دارد و قیمت آن، بهره است. در واقع بهره، قیمتی است که وام‌گیرنده بابت استفاده از پول وام‌دهنده می‌پردازد. سیر تاریخی مباحث بهره در غرب را از جنبه‌های گوناگونی می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ می‌توان این مباحث را به سه دوره هنگامه نزول وحی، دوران حاکمیت پدران کلیسا و دوران مخالفت با کلیسا تقسیم کرد.

از مجموع بندهای عهد عتیق درباره ربا و رباخواری که معادل همان بهره است؛ چند نکته قابل استفاده است: 1- نرخ بهره‌ای که در آن زمان مطرح بوده و چگونگی ستم بودن آن از این بندها به دست می‌آید که وام‌ها به صورت مصرفی بوده و مردم برای ضرورت‌های زندگی خود اقدام به قرض می‌کردند. 2- ربای معاوضی در بندهای مورد نهی عهد عتیق قرار ندارد و بحث تنها در قرض بوده است؛ برخلاف اسلام که ربای معاوضی را نیز نهی کرده است. بهره دارای مشخصه‌های زیر است:

1. در قرارداد وام تعیین می‌شود.

2. پرداخت قطعی و مطمئن در زمان حال صورت می‌گیرد.
3. بازپرداخت مشروط به مازاد یا توفیر است (در قرارداد وام شرط می‌کنند بازپرداخت با یک توفیر یا مازادی همراه باشد). وام‌دهنده خود را از مبلغ وام جدا می‌کند و ملکیت وجوه را به وام‌گیرنده انتقال می‌دهد؛ در نتیجه، برای او مصرف وام مهم نیست؛ بلکه بازگشت اصل و فرع وام مهم است.
4. مواعدها مشخص است.

4.1.1. سیر نظرات و عقاید بهره

نظرات و عقاید متنوعی در زمینه بهره و موضوعات مربوط به آن وجود دارد:

افلاطون²⁹ (347-427) قبل از میلاد وام دادن پول در مقابل گرفتن بهره را به‌طور مطلق منع می‌کرد. ارسطو³⁰ (322-384) قبل از میلاد مخالف بهره بود؛ زیرا پول را عقیم میدانست. در قرون وسطی نیز کلیسای کاتولیک، مخالف با پرداخت بهره بود. به‌نظر آنها پرداخت بهره به وام‌دهنده که خود فردی ثروتمند است، فعالیت غیر اخلاقی است؛ زیرا قرض‌دهنده پولی بیشتر از آنچه قرض داده از وام‌گیرنده که فردی فقیر است، دریافت می‌کند.

سن توماس آکویناس قدیس³¹ (1125-1774): از اقتصاددان‌های فئودالیسم، از آن‌جایی که پول ابزار مبادله است، در نظر گرفتن بهره برای پولی که به قرض داده می‌شود، ناعادلانه است؛ پس بهره پول حرام است.

²⁹ Plato

³⁰ Aristotle

³¹ Saint Thomas Aquinas

دادلی نورث^{۳۲} (1641-1691): از اقتصاددان‌های مؤثر در شکل‌گیری مکتب کلاسیک، در زمینه تعیین نرخ بهره به نقش عرضه و تقاضا توجه داشت. بر اساس اندیشه وی، نرخ بهره عادلانه حاصل برخورد عرضه و تقاضای پول خواهد بود.

تورگو^{۳۳} (1727-1781): از اقتصاددان‌های مکتب فیزیوکرات، معتقد بود که ساز و کار نرخ بهره به‌عنوان تنظیم‌کننده زندگی اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر آن، وی برای سرمایه نیز بهره در نظر می‌گرفت و معتقد بود، عدم نظر گرفتن بهره برای سرمایه، موجب می‌شود تا این عامل تولید، به زمین و ساختمان مبدل شود.

جرمی بنتام^{۳۴} (1748-1832): از جمله اقتصاددان‌هایی بود که بهره را به‌طور مطلق تأیید کرده و آن را توجیه کرده، پدر علم امور اداری و یا حقوق عمومی، اثری در دفاع از "رباخواری" منتشر کرد و به‌شدت بهره را تأیید کرد.

مانگولت^{۳۵} (1824-1868): معتقد بود سطح دستمزد را بازده قابل پیش‌بینی آخرین کارگری که استخدام می‌شود، مشخص می‌کنند؛ بنابراین بازده خالص آخرین واحد سرمایه سطح نرخ بهره را تعیین خواهد کرد.

بوم باورک^{۳۶} (1851-1781): از اقتصاددان‌هایی است که در معرفی مکتب اتریش، سهم بسیاری داشته است. وی در کتاب دو هزار صفحه‌ای خود، به نام "سرمایه و بهره سرمایه" به طرح عقاید خود در زمینه بهره پرداخته است. در این کتاب، تاریخچه بهره و نظرات یکصد نویسنده و اقتصاددان بزرگ درباره بهره را در پنج گروه طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار داده است. بوم باورک میان پرداخت بهره و چگونگی تعیین نرخ آن، تفاوت قائل

³² Dudley North

³³ Jacques Robert Turgot

³⁴ Jeremy Bentham

³⁵ Hans Karl Emil Von Mangoldt

³⁶ Eugen Von Bohm Bawerk

است. به نظر وی، عوامل بسیاری بر روی نرخ بهره تأثیر می-گذارند و افراد، همیشه برای کالاها در زمان حال در مقایسه با آینده ارزش بیشتری قائل-اند.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا بعضی مردم قبول می کنند تا مقداری کالا در زمان حال را از دست بدهند، تا در آینده مقدار بیشتری از همان کالا را به دست آورند، سه دلیل ذکر می-کند؛ دو دلیل اول از دلایل روان‌شناختی است که در عبارت معروف رجحان زمان خلاصه می-شود. تمایل برخی افراد به گونه-ای است که منافع آینده را کمتر از حال و نیازهای آینده را بیش از زمان حال در نظر می-گیرند. دلیل سوم حاکی از برتری فنی کالاهای موجود بر کالاهای آینده است. منظور وی از عبارت مزبور این نیست که کالاهای سرمایه-ای از نظر فیزیکی مولدند؛ بلکه این کالاها مولد ارزش-اند.

کنوت ویکسل³⁷ (1851-1926): نرخ واقعی بهره را نرخ طبیعی بهره می-نامد و مدعی می-شود که اگر این نرخ بهره وام‌ها، به هر دلیلی تفاوت پیدا کند، باعث یک فرایند تراکمی روی قیمت‌ها می-شود؛ که تنها وقتی متوقف می-شود که نظام بانکی با الزام بر نگهداری ذخایر قانونی از اعطای وام بیشتر بازداشته شود.

نظریه آلبرت فتر³⁸ (1863-1949): درباره بهره متکی بر عامل ترجیح زمان، به عنوان تنها علت پرداخت بهره است. به نظر فتر این موضوع که سرمایه، کارآیی دارد، دلیل نمی-شود تا قیمت کالاهای آینده از قیمت حال آن ارزان تر باشد. سرمایه تنها باعث تولید کالاهای بیشتری در آینده می-شود. اما اگر زمان مطرح نباشد، به این معنا که از نظر زمانی فرقی نداشته باشد که کالا چه زمانی به دست ما می-رسد، کالاها در زمان حال نباید از کالاهای آینده گران تر باشند. این نکته درست است؛ اما عکس مطلب درست نیست. اگر سرمایه مولد نیست ترجیح زمانی به تنهایی نمی-تواند باعث شود نرخ بهره مثبت وجود داشته باشد.

³⁷ Johan Gustav Knut Wicksell

³⁸ Frank A. Fetter

کارل گوستاو کاسل^{۳۹} (1866-1945): از اقتصاددان‌های بنیانگذار مکتب نئوکلاسیک معتقد است که بهره به‌عنوان قیمت سرمایه باید بر پایه کمیابی این عامل تولید تعیین شود.

ایروینگ فیشر^{۴۰} (1867-1947): عقیده دارد که رابطه میان سرمایه و درآمد نرخ بهره است؛ چراکه ارزش سرمایه، چیزی جز ارزش حال درآمدهای آتی حاصل از آن نیست که با توجه به نرخ بهره جاری به‌دست آمده است؛ پس این سرمایه نیست که به درآمد، ارزش می‌بخشد؛ بلکه برعکس، این درآمد است که به سرمایه، ارزش می‌دهد؛ زیرا فعالیت اقتصادی در اصل آینده-نگر است. بنابر اعتقاد فیشر در کتاب "ماهیت سرمایه و درآمد" سرمایه تنها عامل تولید است همه درآمدها به نوعی بهره-اند برای مثال دستمزد صرفاً بهره پرداختی روی موجودی سرمایه انسانی است و درآمد ملی تنها شامل مخارج است. در کتاب "نظریه بهره" فیشر می‌کوشد تا نشان دهد که نرخ بهره واقعی توسط تقاضای وام‌های مصرفی و تولیدی از یک سو و عرضه پس‌انداز از سوی دیگر تعیین می‌شود.

مایز^{۴۱} (1881-1973) و هایک^{۴۲} (1899-1992): از طرفداران مکتب اتریش اعطای بیش از حد اعتبارات بانکی از طریق تغییر نرخ بهره باعث طولانی شدن زمان تولید و ناگزیر افت فعالیت‌ها می‌شود.

4.1.2. نظریه بهره کلاسیک

از نظر اقتصاددانان کلاسیک، بهره توسط عرضه و تقاضا برای پس‌انداز تعیین می‌شود. تقاضا برای پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. وقتی نرخ بهره بالا رود؛ در شرایط برابر مقدار مورد تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره، مقدار مزبور افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، فرض

³⁹ Karl Gustav Cassel

⁴⁰ Irving Fisher

⁴¹ Ludwig Edler Von Mises

⁴² Friedrich August Von

می-شود که پس-انداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ بدین معنی که با افزایش نرخ بهره حجم پس-انداز افزایش می-یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره مقدار پس-انداز کاهش می یابد.

نرخ بهره وقتی عرضه پس-انداز با تقاضای سرمایه-گذاری برابر شود در حالت تعادل خواهد بود. نظریه پس-انداز و سرمایه-گذاری کلاسیک، نظریه تعیین نرخ بهره است؛ برخلاف نظریه پس-انداز و سرمایه-گذاری کینز که نظریه تعیین درآمد ملی است. پس-انداز و سرمایه-گذاری در مدل کلاسیکی هر دو در نرخ بهره متعادل در وضعیت تعادل هستند و درآمد ملی هیچ ارتباطی با این مکانیسم متعادل کننده ندارند. در واقع فرض شده است که درآمد ملی در حد اشتغال کامل، ثابت است.

از آنجا که اقتصاددانان کلاسیک به آینده اقتصاد خوش بینند به تقاضای نقدینگی پول اعتقاد ندارند و بدین ترتیب فرض می کنند که پس-انداز کنندگان، پس-اندازهای خود را در راههایی به کار می-برند که از آن بهره به صورت درآمد کسب گردد و نه اینکه به شکل غیر فعال نگهداری نمایند. نتیجتاً پس-انداز همیشه در دسترس بخش تولیدی برای مقاصد سرمایه-گذاری قرار دارد. تا هنگامی که سطح درآمد ملی ثابت فرض می-شود، روابط متقابل بین پس-انداز و سرمایه-گذاری برحسب کلاسیک، بر سطح کلی تولید اثری ندارد؛ بلکه بر ترکیب تولید تأثیر می-گذارد.

4.1.3. نظریه بهره کینز

به نظر کینز، سطح درآمد به جای نرخ بهره، مکانیسم متعادل کننده پس-انداز و سرمایه-گذاری است. در این صورت، براساس تحلیل کینز، نرخ بهره قیمتی است که تمایل عامه را به نگهداری ثروت به صورت پول یا مقدار پول در دسترس متعادل می-کند. از نظر کینز، نرخ بهره در بازار پول از طریق عرضه و تقاضای پول به تعادل می-رسد

4.1.4. بهره از نظر اسلام

مطابق آیات قرآن که درباره ربا نازل شده‌اند، یکی از احکام ثابت و تغییر ناپذیر فقه معاملات، تحریم ریاست و این تحریم، مورد اتفاق همه فقیهان اسلام در طول تاریخ بوده است. گرچه در صد سال اخیر، به دنبال گسترش نظام سرمایه‌داری و رواج بانکداری ربوی در کشورهای مسلمان، برخی تردیدها در تعریف و تبیین حدود ربا پیش آمده است، مدارک حکم ربا به گونه‌ای است که کمترین مراجعه به آنها هرگونه ابهام را برطرف می‌کند.

بدون شک، گفتگو، در تعریف ربایی است که اسلام هزار و چهارصد سال پیش به تحریم آن اقدام و با صدور آیات و روایاتی، مقصود خود را بیان کرده است. پس برای شناخت آن باید سراغ آیات و روایات و کلام مفسران و محدثان و فقیهان رفت و اگر چنین کنیم، خواهیم دید که به اتفاق همه، “ربا (ربای قرضی) عبارت از این است که شخصی، مالی را به دیگری قرض دهد و با او شرط کند که زیادتر از آن چه قرض کرده، برگرداند اعم از اینکه مقدار آن زیاده، کم باشد یا بیشتر و اعم از اینکه مقدار آن زیاده قطعی و ثابت باشد یا متغیر و اعم از اینکه محل مصرف قرض در نیازهای مصرفی باشد یا در امور تولیدی و تجاری.

از مطالعه آیات، روایات و متون فقهی به روشنی پیداست که هر نوع شرط زیاده در قرارداد قرض، ربا شمرده می‌شود. بنابراین نمی‌توان گفته‌های کسانی را که گاه می‌گویند: ربای محرم در اسلام به نرخ‌های بهره زیاد اختصاص دارد و نرخ بهره کم ربا نیست و گاه می‌گویند: ربای محرم به قرض‌های مصرفی اختصاص دارد و بهره قرض‌های سرمایه‌گذاری ربا نیست و گاه می‌گویند: ربای زیاده قطعی، ثابت و از پیش تعیین شده است و زیاده متغیر ربا نیست، تاکید کرد: نتیجه اینکه معاملات پولی و بانکی در کشورهای اسلامی نمی‌تواند مطابق قوانین بانکداری متعارف دنیا که به طور عمده بر اساس قرض ربوی است، شکل گیرد و باید عقود دیگری برای تجهیز منابع و اعطای تسهیلات و سایر مبادلات بانکی انتخاب شود.

4.2. منحنی فیلیپس

منحنی فیلیپس⁴³ نشان‌دهنده ارتباط میان نرخ تورم و نرخ بیکاری است. اگرچه کسانی قبل از فیلیپس به مطالعه ارتباط میان این دو متغیر اقتصادی پرداخته بودند، اما تحقیقات وی راجع به تورم دستمزدی و بیکاری در بریتانیا در فاصله سال‌های 1861 تا 1957 نقطه عطفی در توسعه علم اقتصاد کلان بود.

فیلیپس به ارتباط معکوس و پایداری میان این دو متغیر رسید، به این نحو که هر گاه بیکاری بالا باشد، دستمزدها به آرامی افزایش می‌یابند و هر گاه بیکاری پایین باشد، افزایش دستمزدها سریع خواهد بود. فیلیپس حدس زد که هر چه نرخ بیکاری پایین‌تر باشد، بنگاه‌هایی که سرعت عمل بیشتری دارند، باید دستمزدهای پرداختی خود را افزایش دهند تا بتوانند نیروی کار که حال کمیاب شده است را به سمت خود جذب کنند. این فشار در نرخ‌های بالاتر بیکاری کاهش خواهد یافت. در واقع، «منحنی فیلیپس» رابطه متوسط میان بیکاری و رفتار دستمزدها را طی چرخه‌های کسب و کار نشان می‌داد. این منحنی، نرخ از تورم دستمزدی را به نمایش می‌گذاشت که در صورت دوام، سطح مشخصی از بیکاری برای یک مدت زمانی خاص به وجود خواهد آمد.

اقتصاددان‌ها به سرعت منحنی‌های فیلیپس اکثر اقتصادهای توسعه‌یافته را برآورد کردند. اغلب این اقتصاددان‌ها تورم عمومی قیمت‌ها و نه تورم دستمزدی را به بیکاری ارتباط دادند. آشکار است که قیمت‌هایی که یک شرکت بر محصولات خود اعمال می‌کند، از ارتباط نزدیکی با دستمزدهای پرداخت شده توسط آن برخوردار است. شکل 1 یک منحنی فیلیپس نوعی که برای داده‌های مربوط به سال‌های 1961 تا 1969 در آمریکا به دست آمده را نشان می‌دهد.

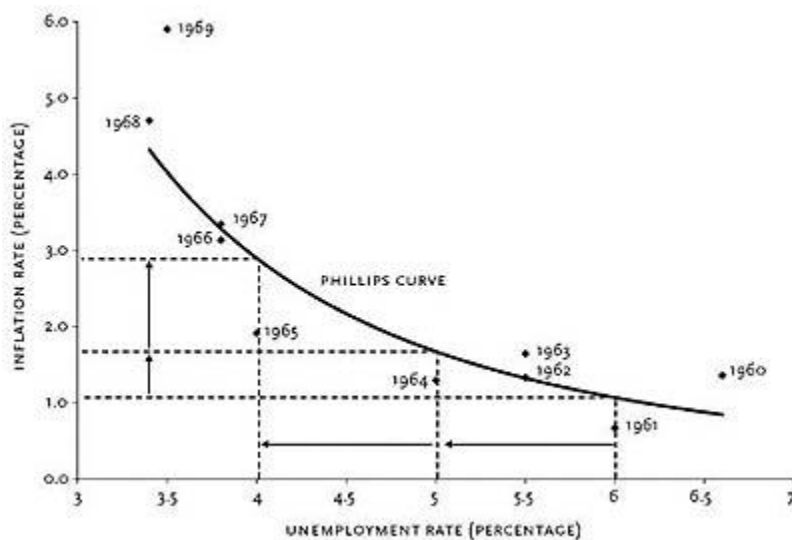
نزدیکی میان منحنی برآورد شده و داده‌های موجود بسیاری از اقتصاددان‌ها که پل ساموئلسون و رابرت سولو در راس آن‌ها قرار داشتند را به این سو ترغیب کرد که با منحنی فیلیپس به عنوان فهرست گزینه‌های سیاستی رفتار کنند. مثلاً این طور در نظر گرفته می‌شد که وقتی نرخ بیکاری 6 درصد است دولت می‌تواند اقتصاد را

⁴³ Philips Curve

تحریر کند تا این نرخ به 5 درصد برسد. مطابق با شکل 1 هزینه انجام این کار بر حسب افزایش تورم، اندکی بیشتر از 0/5 واحد درصد خواهد بود. اما در صورتی که دولت در بدو امر با نرخ‌های بیکاری کمتری مواجه باشد، این هزینه‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر خواهند بود، طوری که مطابق با شکل، کاهش نرخ بیکاری از 5 درصد به 4 درصد، نرخ تورم را بیش از 2 برابر مقدار فوق (حدود 1/25 واحد درصد) افزایش خواهد داد.

در زمان اوج شهرت منحنی فیلیپس به عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاری، ادmond فلیپس و میلتن فریدمن به طور جداگانه بنیان‌های نظری این منحنی را به چالش کشیدند. آن‌ها معتقد بودند که کارگرها و کارفرماهای عقلایی تنها به دستمزدهای حقیقی (قدرت خرید دستمزدهای پولی که اثر تورم از آن زدوده شده باشد) توجه می‌کنند. به نظر این دو، دستمزدهای حقیقی برای ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار تغییر می‌یابند و آن گاه نرخ بیکاری در سطحی قرار خواهد گرفت که منحصر با آن میزان از دستمزد حقیقی هماهنگی داشته باشد (که به این نرخ، «نرخ طبیعی» بیکاری گفته می‌شود).

منحنی فیلیپس، 1961-1969



نکته: نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده محاسبه شده است.

هم فریدمن و هم فلیپس اعتقاد داشتند که دولت نمی‌تواند همواره تورم بالاتر را با بیکاری پایین‌تر مبادله کند. تصور کنید که بیکاری در نرخ طبیعی آن قرار داشته باشد. دستمزدهای حقیقی ثابت است، زیرا کارگرانی که انتظار یک نرخ تورم قیمتی خاص را دارند، بر این نکته تاکید می‌نمایند که دستمزدهای‌شان با همان نرخ افزایش یابد تا از کاهش قدرت خرید خود جلوگیری کنند.

حال فرض کنید که دولت در تلاش برای کاهش بیکاری به سطحی کمتر از نرخ طبیعی آن از سیاست‌های مالی یا پولی انبساطی استفاده کند. افزایش تقاضای حاصل از این امر بنگاه‌ها را به این جهت ترغیب می‌نماید که قیمت محصولات خود را با نرخی سریع‌تر از آن چه کارگرها پیش‌بینی کرده‌اند بالا ببرند.

بنگاه‌ها با افزایش درآمد خود تمایل پیدا خواهند کرد که کارگران بیشتری را در همان نرخ‌های دستمزد سابق به استخدام خود درآورند یا حتی آن نرخ‌ها را تا حدودی افزایش دهند. کارگرها برای مدت زمانی کوتاهی دچار آن چیزی خواهند بود که اقتصاددان‌ها توهم پولی می‌نامند؛ به این معنی که می‌بینند دستمزدهای پولی‌شان افزایش یافته است و بنابراین عرضه نیروی کار مشتاقانه افزایش می‌یابد. بنابراین نرخ بیکاری کاهش پیدا می‌کند. در واقع، این کارگرها فوراً متوجه کاهش قدرت خرید خود نمی‌شوند، زیرا افزایش قیمت‌ها از آن چه آن‌ها پیش‌بینی کرده‌اند سریع‌تر بوده است، اما با گذشت زمان و با افزایش نرخ تورم انتظاری کارگرها، عرضه نیروی کار از جانب آن‌ها کاهش می‌یابد و این افراد بر افزایش دستمزدها به گونه‌ای که با تورم منطبق باشد پافشاری می‌کنند. بنابراین دستمزد حقیقی به سطح پیشین خود بازمی‌گردد و بیکاری نیز به نرخ طبیعی خود می‌رسد. اما تورم قیمتی و تورم دستمزدی حاصل از سیاست‌های انبساطی دولت در نرخ‌های جدید و بالاتر خود ادامه خواهند یافت.

در واقع در تحلیل‌های ارائه شده از جانب فریدمن و فلیپس میان منحنی‌های فیلپس «کوتاه‌مدت» و «بلندمدت» تمایز نهاده شده است تا زمانی که متوسط نرخ تورم (همانند سال‌های دهه 1960) نسبتاً ثابت بماند، تورم و بیکاری با یکدیگر ارتباط معکوسی خواهند داشت. اما اگر متوسط نرخ تورم همانند زمانی که سیاست‌گذارها دائماً تلاش می‌کنند بیکاری را به مقداری کمتر از نرخ طبیعی آن برسانند تغییر کند، بیکاری پس از طی دوره تعدیل به نرخ طبیعی بازخواهد گشت. به این معنا اگر انتظارات کارگرها درباره تورم قیمتی زمان لازم برای تعدیل را بیابد، نرخ طبیعی بیکاری می‌تواند با هر نرخ از تورم تطابق پیدا کند. منحنی فیلپس بلندمدت را می‌توان در شکل بالا به صورت خطی عمودی روی نرخ طبیعی بیکاری نشان داد.

در این صورت منحنی اولیه تنها در دوره‌های کوتاه گذار صادق خواهد بود و با هر تغییر پایداری در متوسط نرخ تورم جابه‌جا خواهد شد. این روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت را می‌توان در یک منحنی فیلپس واحد با عنوان منحنی فیلپس «تعدیل شونده با انتظارات»⁴⁴ ترکیب کرد. هرچه سرعت منطبق شدن انتظارات کارگران درباره تورم قیمتی با تغییر در نرخ واقعی تورم بیشتر باشد، بیکاری با سرعت بیشتری به نرخ طبیعی خود باز خواهد گشت و موفقیت دولت در کاهش بیکاری از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی کمتر خواهد بود. در دهه 1970 این نکته اساسی مطرح شده توسط فریدمن و فلیپس به نحو قابل توجهی مورد تایید قرار گرفت. زمانی که متوسط نرخ تورم از حدود 2/5 درصد در دهه 1960 به حدود 7 درصد در دهه 1970 افزایش یافت، نرخ بیکاری برخلاف منحنی فیلپس اولیه نه تنها کاهش نیافت، بلکه از رقمی نزدیک به 4 درصد به بالاتر از 6 درصد افزایش پیدا کرد.

امروزه اغلب اقتصاددان‌ها این ایده اصلی در تحلیل‌های فریدمن و فلیپس را می‌پذیرند. این ایده مبتنی بر آن است که نرخ از بیکاری وجود دارد که اگر حفظ شود، با یک نرخ پایدار تورم مطابقت خواهد داشت. بسیاری از افراد این نرخ را «نرخ بیکاری با تورم غیرشتابنده» (NAIRU) می‌نامند؛ زیرا NAIRU برخلاف اصطلاح «نرخ طبیعی»

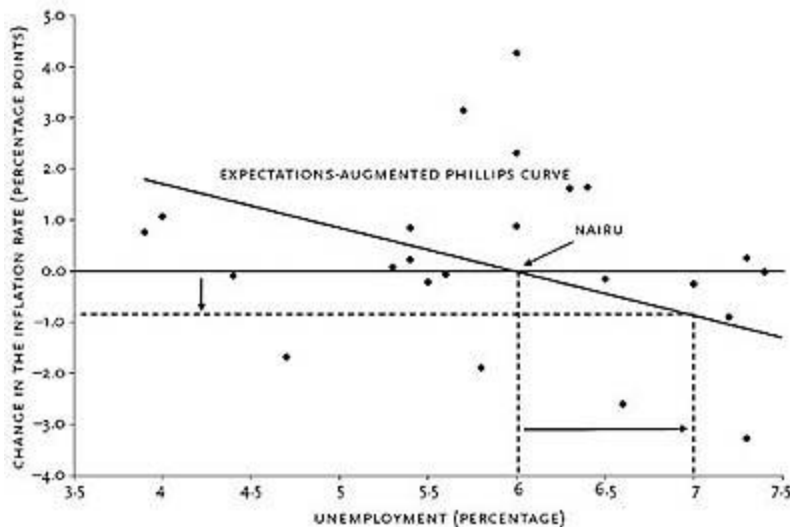
⁴⁴ expectations-augmented" Phillips curve

حاکمی از این نیست که یک نرخ بیکاری به لحاظ اجتماعی بهینه و غیرمتغیر است یا در برابر سیاست‌ها مقاومت می‌کند.

ممکن است سیاست‌گذارها بخواهند رقم NAIRU را به دست بیاورند. برای آن که برآورد ساده‌ای از این نرخ به دست آوریم، در شکل 2، تغییرات نرخ تورم (یعنی شتاب قیمت‌ها) در برابر نرخ بیکاری در فاصله 1976 تا 2002 رسم شده‌اند. منحنی فیلیپس تعدیل شونده با انتظارات خط مستقیمی است که به بهترین وجهی با نقاط روی نمودار برازش دارد (خط رگرسیون). این خط نشان‌دهنده رابطه ای تقریباً معکوس است.

بر اساس این خط رگرسیون، مقدار NAIRU (یعنی نرخ بیکاری که تغییر نرخ تورم برای آن صفر باشد) در حدود 6 درصد است. شیب منحنی فیلیپس سرعت تعدیل قیمت‌ها را نشان می‌دهد. فرض کنید اقتصاد در NAIRU بوده و نرخ تورم 3 درصد باشد و دولت ترجیح دهد که این نرخ را تا صفر کاهش دهد. شکل 2 بیانگر آن است که سیاست‌های انقباضی پولی و مالی که متوسط نرخ بیکاری را تا 7 درصد (یعنی یک واحد درصد بالاتر از NAIRU) افزایش داده‌اند، با کاهش سالانه‌ای معادل تقریباً یک واحد درصد در نرخ تورم همراه خواهند بود. لذا در صورتی که سیاست‌های دولت باعث شوند که نرخ بیکاری در نزدیکی عدد 7 درصد باقی بماند، نرخ تورم 3 درصدی به طور متوسط در هر سال یک واحد درصد کاهش خواهد یافت و در دوره زمانی نزدیک به 3 سال به صفر خواهد رسید.

منحنی فیلیپس تعدیل شونده با انتظارات، 1976-2002



(محور عمودی): تغییر در نرخ تورم (واحد درصد)

(محور افقی): بیکاری (درصد)

نکته: نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده محاسبه شده است.

منحنی فیلیپس تعدیل شونده با انتظارات تقریباً در تمامی مدل‌های پیش‌بینی اقتصاد کلان که امروزه توسط دولت و بنگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، نقشی اساسی دارد. اکثر مکاتب مختلف در حوزه تفکر اقتصاد کلان نیز این منحنی را پذیرفته‌اند. در تئوری‌های کلاسیک‌های جدید اولیه چنین فرض می‌شد که قیمت‌ها به راحتی تعدیل می‌یابند و انتظارات به نحو عقلایی یعنی بدون بروز خطای سیستماتیک شکل می‌گیرند. این فرضیات حاکی از آنند که منحنی فیلیپس شکل 2 باید بسیار پرشیب باشد و انحرافات صورت گرفته از NAIRU باید موقتی باشند (رجوع کنید به اقتصاد کلان کلاسیک‌های جدید و انتظارات عقلایی). امروزه حتی اقتصاددان‌های کلاسیک جدید نیز در حالی که فرضیه انتظارات عقلایی را به کار می‌گیرند، می‌پذیرند که دستمزدها و قیمت‌ها تا حدودی چسبنده هستند. اینرسی قیمت‌ها و دستمزدها که باعث می‌شود دستمزدهای حقیقی و دیگر

قیمت‌های نسبی از سطوح تسویه‌کننده بازار فاصله بگیرند، نوسانات زیاد بیکاری حول NAIRU و سرعت اندک بازگشت به این نرخ را توضیح می‌دهد.

5. سیاست‌های پولی، سیاست‌های مالی

سیاست مالی⁴⁵ : استفاده از مخارج و فعالیتهای درآمدزای دولت برای اهداف خاص مثل کسر بودجه یا مازاد بودجه برای تنظیم ثبات و رشد اقتصادی را سیاست مالی می گویند . شیوه ای که از طریق ابزارهایی نظیر تغییر در هزینه های دولتی و مالیات سعی میکند به اهداف معین اقتصادی نایل گردد .

1. سیاست مالی انبساطی در شرایط عدم اشتغال کامل و بویژه در شرایط کسادى بازار و اقتصاد انتخاب میشود و عبارت از افزایش مخارج دولت و کاهش مالیاتها به منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است .

2. سیاست مالی انقباضی در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره برداری اضافی از منابع تولید انتخاب میشود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیاتها و کاهش مخارج دولتی به شمار می رود .

سیاست پولی⁴⁶ : در واقع به سیاستهایی گفته می شود که توسط بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی مثل نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار باز و ذخایر قانونی برای کنترل نقدینگی اعمال می شود . سیاستی که می خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف اقتصادی مورد نظر برسد .

1. سیاست پولی انبساطی : به منظور مقابله با رکود و دستیابی به اشتغال کامل اتخاذ میشود . به طور مثال بانک مرکزی از طریق خرید اوراق قرضه از اشخاص یا دولت باعث افزایش پایه پولی و افزایش بیشتر حجم پول میشود . افزایش حجم پول باعث کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده ، در شرایط ظرفیت خالی در اقتصاد وسیله ای برای نیل به اشتغال کامل است .

⁴⁵Fiscal policy

⁴⁶ policy Monetary

2. سیاست پولی انقباضی : به منظور مقابله با تورم و فشار قیمت‌ها اتخاذ میشود . به طور مثال بانک مرکزی از طریق فروش اوراق قرضه به اشخاص یا بالا بردن نرخ ذخیره قانونی حجم پول را کاهش می دهد . کاهش حجم پول از طریق کاهش تقاضای معاملاتی ، درآمد ملی و اشتغال را کاهش داده جلوی فشارهای تورمی را سد میکند .

کینز و طرفداران او معتقدند سیاست پولی کارایی لازم را در توسعه فعالیتهای اقتصادی و سرمایه گذاری ندارد بعکس هزینه های دولت و مالیات میتواند با تاثیر شدید در سطح تقاضای کل و بویژه افزایش تقاضا در رشته هایی اشتغالزا نظیر ساختمان ، راهها ، اسکله ها ، پلها ، سدها ، بناها و نظایران درآمد و تولید ملی را بسیار افزایش داده بیکاری را به سرعت کاهش دهد . در شرایط تورم و استفاده زیاد از ظرفیت اقتصادی به عکس کاهش هزینه دولت موجب کاهش تقاضای کل و بویژه تقاضا در بخشهای مولد می گردد که بازتاب شدیدی بر کاهش تولید و درآمد ملی داشته از فشار تقاضا برای محصولات و فشار بهره برداری اضافی از ظرفیت تولید می کاهد و باعث کاهش تورم میشود .

کلاسیک های جدید و طرفداران مکتب پولی اما دخالت دولت در اقتصاد را جز در حدود حفظ نظم و امنیت جامعه و حداقل اجتناب ناپذیر آن مفید نمی دانند ، بهترین راه مقابله با نوساناتی چون تورم و کساد را سیاست پولی می دانند که آنهم اساساً به تغییر حجم پول به صورتی متناسب با سطح فعالیت اقتصادی خلاصه میشود . به طور مثال کاهش حجم پول یا کاهش رشد عرضه پول باعث افزایش نرخ بهره و کاهش سطح تقاضای کل گردیده در صورت مداومت به تدریج تورم را مهار می سازد. طرفداران سیاست پولی متقابلاً برای سیاست مالی تاثیر چندانی قایل نیستند . زیرا بنا به تحلیل آنها اگر دولت هزینه های خود را افزایش دهد به معنای آن است که برای تامین مالی آن با بخش خصوصی به رقابت برخاسته اوراق قرضه با سود بیشتر منتشر کرده و یا با شرایط سخت تری وام دریافت کرده است . افزایش تقاضای دولت باعث شرایط دشوارتر استفاده از تسهیلات

مالی برای بخش خصوصی و اثر دفع ازدحامی می‌گردد که طرفداران سیاست پولی مقدار آن را تقریباً معادل سرمایه‌گذاری دولت دانسته نتیجه می‌گیرند که در تقاضای کل افزایشی به وجود نمی‌آید.

الگوی IS-LM از اساسی‌ترین الگوهای تحلیلی اقتصاد کلان است. این الگو به وسیله منحنی‌های IS و LM به شرح و تحلیل رابطه میان نرخ بهره (r) و درآمد ناخالص ملی (Y) در بازارهای کالا و پول می‌پردازد و نشان‌دهنده نرخ بهره و درآمدی است که در آن، بازار کالا و پول به‌طور همزمان در تعادل هستند. در این الگو، منحنی IS مخفف Investment and Saving equilibrium که بیانگر تعادل در بازار کالا و خدمات و منحنی LM مخفف Liquidity preference and Money supply equilibrium که بیانگر تعادل در بازار پول است.

الگوی IS-LM به الگوی هیکس-هانسن^{۴۷} شهرت دارد. هیکس در آوریل 1937، درست یک سال پس از انتشار نظریه عمومی کینز، مقاله‌ای تحت عنوان "کینز و کلاسیک: یک تفسیر پیشنهادی"، انتشار داد که در آن، کار کینز را به‌صورت ساده‌شده و خلاصه‌های نموداری توضیح می‌داد. پس از آن، وی الگوی خود را به هانسن^{۴۸} (1887-1975) ارائه کرد و وی هم نکات مفیدی به آن اضافه کرد و الگوی وی کامل شد.

جان هیکس^{۴۹} (1904-1989) اقتصاددان معروف انگلیسی، یکی از صاحب‌نظرانی است که منشأ گسترش اقتصاد ریاضی تحلیل‌های اقتصاد خرد بوده است. تا قبل از تلاش هیکس، در تدوین الگوی IS-LM، رابطه بازار پول و کالا خیلی شفاف نبود و او با کمک این الگو توانست این شفافیت را به‌وجود بیاورد. هیکس علاوه بر حل و فصل تفسیرهای کینز و کلاسیک‌ها با کمک الگوی IS-LM، همچنین به توضیح و معرفی مجموعه‌ای از نرخ‌های بهره پرداخت. هیکس توانست با استفاده از نظریه کینز، بحث تعادل طرف تقاضا را در چارچوب الگوی IS-LM ارائه دهد. در طرف تقاضا، وی تعادل در بازار کالا (منحنی IS) و تعادل در بازار پول (منحنی LM) را به‌طور همزمان، مورد توجه قرار داده و از تعادل همزمان بازار کالا و پول، منحنی تقاضا را به‌دست می‌آورد.

⁴⁷ Hicks-Hansen

⁴⁸ Alvin Harvey Hansen

⁴⁹ John R. Hicks

تا پایان دهه 1950، اقتصاد کینزی با الگوی IS-LM شناخته می‌شد. دستگاه تحلیلی IS-LM در متون آموزشی اقتصاد کلان و مطالعات تجربی جایی برای خود باز کرد؛ اما به هر حال گفته می‌شود که این الگو، دقیقاً همان الگویی است که کینز در سر می‌پروراند، نیست؛ زیرا همه ایده‌های محوری و کلیدی کینز به‌طور صریح در آن مشاهده نمی‌شود. در عین حال این الگو، چارچوب مفیدی برای ترکیب بخش حقیقی و پولی اقتصاد، به‌عنوان مکمل نظریه درآمد-مخارج ارائه کرد. شاید مزیت اصلی این الگو و دلیل اینکه این الگو، هنوز در اقتصاد کلان میانه، یک الگوی استاندارد تلقی می‌شود، این است که به‌لحاظ مفهومی ساده است و در عین حال، نگرش‌های خوبی در مورد سیاست‌های رایج، ارائه می‌دهد.

5.1. منحنی IS

منحنی IS مکان هندسی ترکیباتی از نرخ بهره (r) و درآمد ملی (Y) است که در آن، بازار کالا در تعادل است. به‌عبارت دیگر، منحنی IS یک منحنی نزولی است که به ازای هر نرخ بهره، درآمد تعادلی بازار کالا را نشان می‌دهد؛ که حاکی از رابطه معکوس بین نرخ بهره و درآمد تعادلی است (شرط تعادل بازار کالا: تقاضای کل برای کالا و خدمات = عرضه کل کالاها و خدمات).

5.2. منحنی LM

منحنی LM مکان هندسی ترکیباتی از نرخ بهره (r) و درآمد ملی (Y) است که در آن بازار پول در تعادل است. به‌عبارت دیگر برای حفظ تعادل بازار پول بین سطح درآمد ملی و نرخ بهره رابطه‌ای مستقیم دارد که اصطلاحاً به آن منحنی LM می‌گویند. (شرط تعادل بازار پول: تقاضای حقیقی پول = عرضه حقیقی پول)

5.3. تعادل همزمان در بازار کالا و پول

برای بحث پیرامون دو بازار پول و محصول، دو نمودار هندسی به‌دست آوردیم. یکی از آن‌ها زوج‌های تعادلی Y (درآمد ملی) و r (نرخ بهره) در بازار محصول را بیان می‌کند (منحنی IS) و دیگری زوج‌های تعادلی Y و r در

بازار پول (منحنی LM) را ارائه می‌دهد. با قرار دادن این دو منحنی (IS و LM) در کنار هم و در یک فضای دوبعدی، می‌توانیم از نقطه تقاطع آن دو، زوج مرتب واحدی از r و y که هر دو بازار را به‌طور همزمان در تعادل نگه می‌دارد، به دست آوریم. اگر زوج مرتب نرخ بهره و درآمد در نمودار ترسیم شده در موقعیت r_0, y_0 باشد هر دو بازار (کالا و پول) در تعادل بوده و هیچ دلیلی ندارد، که بخواهند از این موقعیت دور شده و تغییر نمایند. (منظور از موقعیت تعادلی، موقعیتی است که وقتی متغیرها در آن استقرار یافتند، دلیلی ندارد که از آن جدا شوند، مگر اینکه نیروی مؤثر دیگر آن‌ها را وادار کند).

5.4. سیاست‌های پولی و مالی و انتقال منحنی‌های IS و LM

سیاست مالی؛ اصطلاحاً تغییر مخارج دولتی یا مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن تولید و درآمد ملی را سیاست مالی می‌نامند.

پرداخت‌های انتقالی، عبارت از پرداخت‌ها یا کمک‌های بلاعوض دولت به خانوارها یا آن دسته از پرداخت‌های دولت است که در قبال کالا و خدمات صورت نمی‌گیرد. یارانه‌ها مهم‌ترین نوع پرداخت‌های انتقالی هستند که دولت در قبال اعطای یارانه، کالا و خدماتی دریافت نمی‌کند.

تغییر هر کدام از این موارد، سبب تغییر در وضع بودجه و وضع مالی دولت می‌شود. چراکه تغییر مخارج دولت و پرداخت‌های انتقالی به‌معنای تغییر پرداخت‌های دولت و تغییر مالیات‌ها به‌معنی تغییر دریافت‌های دولت است. هرگاه دولت، مخارج خود را افزایش دهد، مالیات‌ها را کاهش دهد یا پرداخت‌های انتقالی را افزایش دهد، اصطلاحاً گفته می‌شود که دولت سیاست مالی انبساطی اجرا کرده است. از طرف دیگر، هرگاه دولت، مخارج خود را کاهش دهد یا مالیات‌ها را افزایش دهد یا پرداخت‌های انتقالی را کاهش دهد، اصطلاحاً گفته می‌شود که دولت سیاست مالی انقباضی اجرا کرده است.

اگر یک سیاست مالی انبساطی، مثل افزایش هزینه‌های دولت اعمال گردد آنگاه درآمد ناخالص ملی (Y) نیز افزایش می‌یابد. (خالص صادرات+هزینه‌های دولت+سرمایه‌گذاری+مصرف خانوارها=تولید ناخالص ملی). با افزایش خریدهای دولت در صورت ثابت بودن مقدار حقیقی پول، تقاضا برای پول افزایش می‌یابد و در نتیجه در این رهگذر نرخ بهره (r) افزایش می‌یابد. مشاهده می‌شود که سیاست مالی انبساطی، منجر به افزایش نرخ بهره و درآمد ناخالص ملی به‌طور همزمان می‌شود و سیاست مالی انقباضی نیز اثر معکوس سیاست مالی انبساطی بر متغیرهای مذکور می‌گذارد. از لحاظ نموداری، در الگوی IS-LM سیاست‌های مالی، سبب انتقال منحنی IS و در نتیجه موجب تغییر نقطه تعادل از (r_0, y_0) به ترکیبی دیگر از نرخ بهره و درآمد می‌شوند. به‌طوری‌که سیاست مالی انبساطی موجب انتقال منحنی IS به بالا و راست (در نتیجه افزایش در Y و r) و سیاست مالی انقباضی موجب انتقال منحنی IS به پایین و چپ (در نتیجه کاهش r و Y) می‌شود. در شکل زیر اعمال سیاست مالی انبساطی به‌صورت انتقال از نقطه e_0 به e_2 نشان داده شده است.

سیاست پولی؛ سیاست پولی، مجموعه تدابیری است که بانک مرکزی برای تغییر در حجم پول و نقدینگی در راستای تثبیت اوضاع اقتصادی اعمال می‌کند. بانک مرکزی، این موضوع را از طریق مجموعه ابزارهایی انجام می‌دهد، که به ابزارهای سیاست پولی مشهورند. سیاستی که از سوی بانک مرکزی اتخاذ می‌شود و منجر به افزایش حجم پول می‌گردد، سیاست پولی انبساطی و سیاستی که منجر به کاهش حجم پول یا نقدینگی می‌شود را سیاست پولی انقباضی می‌گویند.

سیاست‌های پولی، اثر خود را بر منحنی LM می‌گذارند. به‌طوری‌که تغییرات سیاست‌های پولی (تغییر حجم حقیقی پول)، منحنی LM را در امتداد منحنی IS ثابت منتقل نموده و موجب تغییر نرخ بهره (r) و محصول تعادلی تقاضا شده (Y) می‌شود. به‌طور کلی سیاست پولی انبساطی سبب انتقال منحنی LM به راست و پایین (در نتیجه افزایش در Y و r) می‌شود. در شکل زیر، به‌صورت انتقال از نقطه e_0 به e_2 نشان داده شده است و

سیاست پولی انقباضی سبب انتقال منحنی LM به پایین و چپ (در نتیجه افزایش در r و Y) می‌شود. البته سیاست‌های درآمدی (افزایش مصرف یا سرمایه‌گذاری) نیز تأثیر مشابه سیاست‌های مالی انبساطی را دارند.

5.5. نواحی عدم تعادل در الگوی IS-LM

به‌طور کلی، تمامی نقاط روی منحنی IS بیانگر تعادل بازار کالا هستند. همچنین در تمامی نقاط روی منحنی LM، بازار پول در تعادل است. در نقاط سمت چپ و پایین منحنی IS اضافه تقاضا در بازار کالا و در نقاط سمت راست و بالای منحنی IS اضافه عرضه در بازار کالا وجود دارد. در نقاط سمت راست و پایین LM اضافه تقاضا در بازار پول وجود دارد و در نقاط سمت چپ و بالای منحنی LM اضافه عرضه در بازار پول وجود دارد. بنابراین در الگوی IS-LM چهار ناحیه عدم تعادل وجود دارد. در ناحیه (1) در بازار محصول، و در بازار پول مازاد عرضه وجود دارد. در ناحیه (2) در بازار محصول مازاد عرضه و در بازار پول مازاد تقاضا وجود دارد. در ناحیه (3) در بازار محصول مازاد تقاضا و در بازار پول نیز مازاد تقاضا وجود دارد. در ناحیه (4) نیز در بازار محصول، مازاد تقاضا و در بازار پول، مازاد عرضه وجود دارد.

5.6. نقد الگوی IS-LM

اقتصاددانان به الگوی IS-LM نقدهایی را وارد کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

1. این الگو، یک الگوی ایستا است نه پویا. این امر، بدان معناست که آینده را تنها با فرض ناطمینانی می‌توان مطرح کرد و الگوی IS-LM به‌طور مبنایی فرمولی برای وضعیت آینده اجزای الگو ندارد.
2. این الگو، بخش‌های حقیقی و مالی را کاملاً از هم جدا کرده است. این کار، ممکن است برای مواردی صحیح باشد، امام به‌طور دقیق، دنیای واقعی را توصیف نمی‌کند. بازار پول و کالا به‌طور جدایی‌ناپذیر به هم مرتبطند.
3. این الگو را برون‌زا است؛ در حالی که پول جنبه‌های درون‌زا هم دارد.

4. این الگو، طرف عرضه را به حساب نمی‌آورد و در مورد چگونگی تعیین قیمت‌ها و دستمزدها بحثی نمی‌کند.

اما با توجه به تمامی ایرادهای وارد شده، نباید تصور کرد که این الگو، الگوی مناسب و خوبی نیست؛ بلکه در چارچوب محدودیت‌هایی که دارد، یک ابزار تحلیلی بسیار مناسبی است. دنیای واقعی با پیچیدگی‌هایی که دارد، بدون ساده‌سازی قابل توصیف در قالب الگو نیست. این الگو، در واقع توانسته است با چارچوب بسیار ساده، دنیای واقعی را به‌طور صحیح ساده‌سازی کند. البته باید به محدودیت‌های آن هم توجه داشت و در هر شرایطی از آن استفاده نکرد. اصولاً نه تنها در علوم اجتماعی بلکه در علوم طبیعی نیز الگوها با محدودیت همراه هستند و برای قلمرو محدودی طراحی می‌شوند و باید در قلمرو خودشان از آن‌ها استفاده کرد. لذا ترسیم یک چارچوب وسیع‌تر و نقد الگو در آن چارچوب وسیع کار صحیحی نیست.

6. ارز

ارز یعنی ارزش ، بها ، نرخ و سندهای تجاری که ارزش آن ها به پول های بیگانه معین شده باشد. ارز در اصطلاح به پولهای رایج خارجی اطلاق می شود. به دیگر سخن در یک کشور از پول سایر کشورها یا عنوان ارز یاد می شود. ارز یعنی پول خارجی و اضافه نمودن واژه پس از واژه ارز لزومی نداشته کافی است بگوئیم ارز و مفهوم خارجی در معنای ارز مستتر می باشد.

چون اسکناس و سکه بخشی از پول هر کشور را تشکیل می دهند ، لذا ارز فقط به اسکناس و مسکوک خارجی محدود نشده و چک بانکی ، حواله ، چک مسافرتی ، سفته ، برات را هم شامل می شود. در سیستم بانکی ایران کلیه ارزها قابل معامله نمی باشد . بر این اساس (طبق بند الف و ز ماده 7 قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه 1351) ارزها به 2 دسته قابل تقسیم می باشد:

1. ارز قابل معامله

2. ارز غیر قابل معامله

ارز قابل معامله به ارزی گفته می شود که از نظر بانک مرکزی ایران ، شعب ارزی بانک ها مجاز به خرید و فروش آن می باشد. به ارزیایی که در شعب ارزی بانکهای ایران قابل خرید و فروش نباشند ، ارز غیر قابل معامله گفته می شود. به پول خارجی ارز و نحوه تبدیل آن به پول خارجی دیگر معامله ارزی می گویند ، لذا در معاملات ارزی دو پول دخالت دارند که به نرخ مبادله آن ها نرخ ارز گفته می شود. بر این اساس نرخ ارز تنها یک عدد می باشد.

نرخ ارز عددی است که قیمت واحد پولی کشوری را بر حسب واحدها پول کشور دیگر در زمان مشخصی نشان می دهد. به کمک نرخ ارز پول کشورها قابل تبدیل به یکدیگر می باشد. بدین ترتیب در نرخ ارز پول دو کشور

مداخله می نماید. به یکی از دو پول مذکور ارز پایه^{۵۰} و به دیگری پول متغیر^{۵۱} گفته می شود. بنابراین ارز پایه یعنی واحد پولی خارجی ثابت باقی می ماند و تغییرات نرخ ارز از طریق پول ملی متغیر نشان داده می شود.

6.1. انواع اشکال نمایش نرخ ارز

نرخ ارز به طور کلی به صورت 4 شکل قابل مشاهده است:

1. **روش مستقیم^{۵۲}**: در این روش اعلام نرخ ارز که بیشتر بانک ها از آن پیروی میکنند واحد ارزها ثابت و پول محلی تغییر می کند. در این روش ارزها را باید به مثابه واحد کالاها تلقی نمود که ارز مبین قیمت آنها می باشد. زیرا قیمت عبارت است از مقدار پولی که با یک واحد کالا یا خدمت قابل تعویض می باشد.
2. **روش غیر مستقیم^{۵۳}**: روش غیر مستقیم: در روش غیر مستقیم اعلام نرخ ارز که بانکهای کشورهای نظیر هندوستان و انگلستان از آن پیروی می کنند ، قیمت واحد پول کشورها بر حسب پول سایر کشورها (ارز) بیان می شود. به عبارتی روپیه هند یا پوند انگلستان پول پایه و ارز پول متغیر خواهد بود.
3. **روش دلار پایه^{۵۴}**: روش دلار پایه : این روش اعلام نرخ ارز در واقع همان روش غیر مستقیم اعلام نرخ ارز با این تفاوت که ارز پایه دلار آمریکا است.
4. **روش متقاطع^{۵۵}**: در این روش نرخ ارز ارزش یک واحد بر حسب ارز دیگر اعلام می شود به عبارت دیگر ارز پایه ثابت نمی باشد. این روش اعلام نرخ ارز بیشتر توسط دلالات^{۵۶} ارز کاربرد داشته و بدان عمل می نمایند.

⁵⁰ base currency

⁵¹ variable or offered currency

⁵² Direct Quotation

⁵³ Indirect Quotation

⁵⁴ USD Base currency

6.2. اعلام نرخ ارز بوسیله بانک مرکزی ایران

به طوری که بیان شد نرخ ارز توسط بانک مذکور به روش مستقیم اعلام می شود. در حال حاضر اداره بین المللی بانک مرکزی ایران حدود ساعت ده صبح در روزهای کاری بانکی جدول نرخ ارز را منتشر می نماید. اداره بانک مرکزی ایران نرخ مرجع ارز شانزده ارز عمده را به روش مستقیم اعلام می کند . نرخ مرجع ارز در واقع میانگین نرخ خرید و فروش ارز می باشد. بانکهای کشور مانند بانک ملی ، سپه و با توجه به نرخ مرجع اقدام به تهیه و انتشار جدول نرخ ارز حاوی نرخ های خرید و فروش می نماید. تفاوت بین نرخ خرید و فروش ارز کارمزد بانک را تشکیل می دهد. این کارمزد در مورد دلار آمریکا حداقل و در مورد ارزهایی که تقاضا برای آنها کمتر است بیشتر است.

6.3. بازار ارز فارکس⁵⁷

6.4. بازار ارز یا به اختصار بازار فارکس بازاری است که در آن عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان به خرید و فروش ارز میپردازند. بازار ارز را نباید در حکم مکان یا محلی تلقی کنیم بلکه آن را باید در حکم مکانیسمی دانست که خریداران و فروشندگان ارز برای انجام معامله ارزی به یکدیگر نزدیک می کند. بازار ارز نیز همانند هر بازاری از عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان تشکیل شده است اما از دیلرها (دلالان) به عنوان یک گروه یاد شده است . دیلرهای ارز اغلب در حالی عرضه کننده ارزی هستند که متقاضی همان ارز با نرخی دیگر می باشند. عرضه کنندگان ارز عبارتند از صادر کنندگان کالاها ، شرکتهای حمل و نقل دریایی ، هوایی ، زمینی ، سفارت خانه ها و کنسولگری ها ، شرکتهای خارجی ، دانشجویان ، تجار ، توریست ها و در مقابل تقاضا کنندگان ارز عبارتند از وارد کنندگان کالا ، شرکتهای حمل و نقل ، بیماران ، تجار ، توریست ها و

⁵⁵ Cross Quotation

⁵⁶ Dealers

¹foreign exchange market

دلالتان ارز نقش مهمی در بازار ارز دارند. کار دلالتان ارز آن است که خریدار و فروشنده ارز را به هم نزدیک نماید. چون سرمایه دلال محدود است به حساب خود وارد معامله ارزی نمی شود و فقط برای مشتریان اقدام به انجام معامله می نمایند. وظیفه و کار اصلی بازار ارز تبدیل ارزی انتقال قدرت خرید از کشوری به کشور دیگر می باشد. به علاوه بازار ارز اعتبارات کوتاه مدت برای تامین مالی تجارت خارجی را تامین می نماید. بازار ارز امکانات لازم برای اجتناب از خطرات ارزی و تسهیل امر تجارت را در اختیار تجار می گذارد.

به طور کلی بانکها، شرکتها، نمایندگی ها، دلالتان، تجار و برخی از اشخاص مانند سوداگران بازار باز ارز را تشکیل می دهند که به وسیله تلفن، سوئیفت، تلگراف، تلکس و یا پست دائما با یکدیگر در تماس هستند بدین ترتیب بازار ارز یک بازار جهانی است و به مکان مشخصی اطلاق نمی گردد. عینیت این بازار در سیستم تجهیزات ارتباطی قابل مشاهده می باشد. وقتی که از بازار ارز بخصوص صحبت می شود مانند بازار دلار منظور کلیه مکانهایی خواهد بود که در آنجا دلار مبادله می شود. بدین ترتیب بازار لندن، پاریس، نیویورک، توکیو، دوبی، تهران، شیراز، کراچی، بمبئی، مسکو و خلاصه کلیه مکانهایی که دلار خریداری یا فروخته می شود را در بر می گیرد.

معاملات در بازار ارز به صورت نقد⁵⁸ یا سلف⁵⁹ انجام می شود. در معاملات نقدی، ارز به هنگام انجام معامله با حداکثر تا 48 ساعت بعد از تاریخ انعقاد قرارداد بین بانک و مشتری قابل تحویل است. چنانچه مشتری در معاملات نقدی توریست باشد، تحویل و تحول به هنگام انجام معامله صورت می گیرد. اما زمانی که بانکی دیگر ارز نقدا خریداری می نماید، قاعدتا بانک فروشنده بعد از تاریخ انعقاد قرارداد دو روز کاری برای تحویل ارز به بانک خریدار مهلت خواهد داشت. در معاملات سلف بر عکس معاملات نقدی ارز در سر رسید قابل تحویل و تحول می باشد.

⁵⁸ spot

⁵⁹ forward

معاملات سلف ارز به معاملات ثابت⁶⁰ و اختیاری⁶¹ قابل تفکیک می باشد. در معاملات سلف ثابت تاریخ یا زمان سر رسید برای تحویل و تحول ارز مورد معامله دقیقا مشخص می باشد. در معاملات سلف اختیاری مشتری که با بانک قرارداد سلف ارزی منعقد کرده است، این فرصت را دارد که تا تاریخ سر رسید طبق نرخ ارز توافق شده به انجام معامله با بانک اقدام نماید. چنانچه مشتری تا سر رسید نسبت به تحویل و تحول ارز با بانک اقدام ننماید نرخ ارز توافق شده معتبر نخواهد بود و بانک با نرخ جدید با مشتری وارد معامله خواهد شد.

6.5. عملیات در بازار ارز:

6.5.1. آربیتراژ ارز⁶²: هرگاه کسی مالی را از بازاری بخرد و فوراً آن را در بازار دیگری به منظور

استفاده از تفاوت قیمت بفروشد این کار را آربیتراژ مینامند. آربیتراژ ارز یعنی خرید ارز از آنجایی که ارزانتر است و فروش همان زمان در جایی که گرانتر است. عاملان ارزی با عمل آربیتراژ نرخ ارز را در مکانهای مختلف یکسان می نمایند. در واقع با عمل آربیتراژ می توان از بازار جهانی ارز صحبت نمود. آربیتراژ ارز زمانی سودآور خواهد بود که تفاوت مکانی نرخ ارز از هزینه نقل و انتقال ارز بیشتر باشد. بدیهی است تا زمانی که تفاوت نرخ ارز⁶³ از هزینه مورد اشاره بیشتر باشد عمل آربیتراژ ارز سودآور بوده و تداوم خواهد یافت.

6.5.2. آربیتراژ بهره: منظور از آربیتراژ بهره انتفاع از بهره بالاتر است از این رو تفاوت بین نرخ های

بهره دو بازار پولی موجب انجام معامله تحت عنوان آربیتراژ بهره می گردد به طوری که در این عملیات انتقال وجوه نقد از یک مرکز پولی و یک پول مثلا بانکهای انگلستان و پوند به مرکز پولی و پول دیگر بانکهای آمریکایی و دلار برای کسب نرخ بهره بالاتر و این امر تا زمانی که نرخ بهره در 2 بازار برابر باشد ادامه پیدا می کند.

⁶⁰ fixed forward

⁶¹ option forward

⁶² Arbitrage

⁶³ exchange rate differential

6.5.3. **آربیتراژ بهره با پوشش:** همان آربیتراژ بهره است با این تفاوت که در آربیتراژ با پوشش بهره افرادی که به دنبال انتفاع از نرخ بهره هستند ممکن است در مقابل به دلیل تغییر برابری پولهای خارجی (پوند به دلار) متضرر شوند لذا این افراد سعی می کنند در کنار انجام عملیات آربیتراژ بهره و برای جبران ضرر های احتمالی اقدام به خرید سلف ارز از بازار نمایند تا احیانا در صورت تغییر برابری مثلا پوند به دلار جلوی ضررهای احتمالی را بگیرند.

6.5.4. **هجینگ ارزی**⁶⁴: هجینگ از نظر لغوی یعنی همان فروش تامینی است به عبارت دیگر در روشی که باعث شود خطرات احتمالی در تغییر برآوردی قیمتها به حداقل ممکن کاهش یابند به آن هجینگ گویند. هجینگ ارزی بیشتر توسط صادر کنندگان صورت می گیرد به طوری که حاملان ارز در بازار سلف ارز به نرخ ارز اقدام به معامله نمایند در واقع در حال حاضر چون ارزها در بازار ارز از ثبات نرخ برابری ارز برخوردار نمی باشند و کسانی که در آینده دریافت یا پرداخت ارزی دارند با خطر تغییر برابر ارزها مواجه هستند لذا عاملان ارزی و بیشتر وارد کنندگان و صادر کنندگان با عمل هجینگ خود را در مقابل نوسانات آتی نرخ های ارزی بیمه می کنند.

6.5.5. **سوداگری ارزی**⁶⁵: سوداگری ارزی در حقیقت همان هجینگ ارزی است با این تفاوت که سوداگر به قصد انتفاع اقدام به معامله ارزی در بازار سلف ارز می نماید سوداگر ارز بیشتر در بازار سلف ارز صورت می گیرد. به طور کلی در حالی که هجینگ کننده قصد پوشش از نوسانات نرخ ارز اقدام به معامله ارزی می نماید سوداگر ارز خطر نوسانات آتی نرخ ارز را می پذیرد تا سودی نصیب خود کند. باید به این نکته توجه داشت که هر چند سوداگری ارز علی الوصول در بازار سلف ارز صورت می گیرد ، اما در برخی مواقع سوداگران ارز در بازار نقدی اقدام به معامله می نمایند.

⁶⁴ hedgings

⁶⁵ speculation

6.5.6. سوآپ⁶⁶: سوآپ عبارت است از خرید نقدی ارز و فروش همان ارز در بازار سلف ارز و برعکس. به عبارت دیگر انجام 2 معامله ارزی در یک زمان اما با سررسید های مختلف به عبارت دیگر همان خرید نقدی ارز و فروش وعده دار همان ارز یا خرید وعده دار ارز و فروش نقدی همان ارز. با سوآپ خطر تغییرات نرخ ارز از بین می رود به عبارتی سوآپ ارز موجب بیمه معاملات ارزی می شود. اصولاً سوآپ ارز بین بانکهای مرکزی کشورها طبق قراردادهای قبلی انجام می شود بدین ترتیب معاملات سوآپ بانکهای مرکزی این امکان را می دهد تا نسبت به حفظ نرخ برابری ارز اقدام کنند. لذا سوآپ ارز یک نوع استقرای ارز می باشد.

6.6. تحلیل بازار فارکس

تبادل ارز خارجی است و به عبارتی مبادله ارزهای مختلف در بازار ارز فارکس گفته می شود که یکی از بزرگترین و کاملترین و پویا ترین بازارهای در بین بازارهای مالی است به طوری که در این بازار روزانه حدود 1/6 الی 1/7 تریلیون دلار ارز به صورت 2 به 2 یا جفتی مورد معامله قرار می گیرد که از نظر اهمیت می توان گفت حدود 3 برابر معاملات در بازار سهام یا بورس کالا است و از نظر تاریخی بازار فارکس شروعش بر می گردد به سال 1971 که در آن مقطع پایه پولی از طلا به sdr تغییر شکل یافت و کشورهای مختلف دنیا در غالب جلساتی که تشکیل شد و در منطقه برتون وودز آمریکا نهایی شد به جای پول طلا ترکیبی از عرضهای مهم دنیا به عنوان سبد ارزی صندوق بین المللی پول تعیین شد. باید اشاره نمود که بازار فارکس یک مکان مشخصی از نظر فیزیکی ندارد و در سراسر جهان و از طریق کامپیوتر ، اینترنت و تلفن در طول شبانه روز قابل دست یابی است.

⁶⁶ swap

فرآیند کار فارکس در طی هفته از دوشنبه تا شنبه و طی 24 ساعت شبانه روز قابل دست یابی است به طوری که به ترتیبی که اشاره می شود بازارهای مهم جهان در سراسر جهان از نیوزلند شروع سپس استرالیا ، ژاپن ، هنگ کنگ ، سنگاپور ، بحرین ، فرانکفورت ، زوریخ ، پاریس ، لندن ، نیو یورک ، شیکاگو ، لس آنجلس .

در بازار فارکس ارزها به صورت جفتی یا 2 به 2 معامله می شوند به طوری که از طریق بدهکار کردن حسابها ی بانکی به سادگی امکان انجام معامله وجود دارد و همانطور که مطرح شد با توجه به این که بازار فارکس مکان فیزیکی مشخصی ندارد لذا از طریق تلفن یا شبکه الکترونیکی سوئیفت می شود وارد بازار فارکس شد . در بازار فارکس عاملان مختلفی حضور دارند از مهمترین آنها می توان به بانکها ، همچنین شرکتهای چند ملیتی ، بیمه ، صندوقهای بازنشستگی ، شرکتهای صادرات و واردات و نیز سفته بازان و کارگزاران و بالاخره سایر اعضای حقیقی می توانند در این بازار حضور و لذا اقدام به معامله کنند . در بازار فارکس بیش از 85٪ از معاملات بر روی ارز های اصلی مانند دلار آمریکا ، ین ژاپن ، یورو اروپا ، پوند انگلیس ، فرانک سوئیس ، دلار کانادا و استرالیا .

نحوه ورود به بازار فارکس را می توان به این شکل مطرح کرد که چون بازار فارکس یک بازار بین بانکی است لذا اهمیت این نهاد پولی بسیار مهم و ضروری است اما در کنار بانک ها حضور کارگزاران و سفته بازان برای عملی شدن هر معامله ارزی نیز حائز اهمیت است . چراکه کارگزاران این امکان را فراهم می آورند که اشخاص اقدام به معامله ارزی بنمایند که البته برای عملی شدن این معامله کارگزاران از طریق سیستم های نرم افزاری خاص که در اختیار دارند می توانند رمزی را جهت ورود مشتریان به بازار فارکس ارائه نمایند با این اوصاف حضور و وجود کارگزاران برای عملی شدن هر معامله لازم و ضروری است . بدین شکل که برای عملی شدن معامله ارزی بایستی مشتری با یک کارگزار بازار فارکس وارد معامله شود و قرار داد منعقد کند و مبلغی را به عنوان سپرده در بانکی که کارگزار تعیین می کند سپرده گذاری کند و در حقیقت این سپرده به عنوان پشتوانه انجام معامله خواهد بود که البته این حساب به نام خود مشتری خواهد بود و بدین صورت است که مشتری با تایید ی که

کارگزار از طریق ارائه رمز نرم افزار ویژه انجام خواهد داد مشتری می تواند اقدام به مبادلات ارزی نماید البته باید خاطر نشان کرد سفارش مشتری شامل 4 جزء است نوع ارز قیمت تعیین خرید یا فروش و سائز معامله واسطه همین 4 جزء کارگزار اقدام به اخذ کمیسیون می نماید

6.6.1. مزایای بازار فارکس:

1. **شبانه روزی بودن:** یعنی مشتری می تواند در هر لحظه ای که می خواهد با توجه به موقعیتهای جفتهای ارزی اقدام به شکار ، جفتهای ارزی سود آور نماید .

2. نقد بودن

3. **مدیریت ریسک:** این بازار از نظر مبحث ریسک حساس تر و با اهمیت تر از سایر بازارها است به طوری که اگر دقت و تدابیر کاملی اندیشیده نشود می تواند ضررهای جبران ناپذیری را به بار آورد لذا پیش بینی ریسک و بررسی وضعیت بازار می تواند تا حدود زیادی جلوی ضررها را بگیرد . قابل توجه این که روزانه حدود 18000 بار تغییر در نرخ برابری ارز اتفاق می افتد و به همین جهت است که تجزیه و تحلیل ریسک نقش مهمی در بدست آوردن معاملات سود آور دارد.

4. **بحث کارآیی :** با توجه به این که تمام اطلاعات و داده های مورد نیاز از طریق اینترنت (به صورت جداول مربوط به داده های معاملات ارزی در گذشته) وجود دارد لذا این اطلاعات کامل موجب می شود مشتریان و کارگزاران پوزیشن های مختلفی که جالب و سودآور هست انتخاب شود.

5. **دوطرفه بودن:** بازار فارکس جزو نادر بازارهایی است که فرد می تواند در 2 طرف بازار اقدام به معامله نماید به عبارتی دیگر کارگزار یا مشتری هم در حالت صعودی و نزولی قیمتها می تواند به معامله ارزی بپردازد.

6. **درگیر نبودن تمام سرمایه :** باید خاطر نشان کرد که سرمایه گذاری ضرورتی ندارد که کل منابع مالی خود را یکجا در یک معامله به کار گیرید لذا می توانید برای شروع معامله فقط از 10 یا 15٪ سرمایه

خود استفاده کنید و در شرایطی که معامله سود آور باشد مقدار بیشتری از اعتبار خود را جهت انجام معامله به کار گیرید.

7. **امکان کنترل ضرر و سود:** با توجه به این که معاملات ارزی به صورت الکترونیکی انجام میشود شخص قادر است هر لحظه که بخواهد معامله را خاتمه دهد و در صورتی که به هدف خود از میزان سود دست یابد و یا در صورت شروع ضرر احتمالی پوزیشن ارزی ایجاد شده را ببندد.

8. **مارجین (سود ناویژه):** معمولاً تجارت ارزهای خارجی همواره با یک درصد مارجین (تفاوت) در دسترس است بدین معنا که تریدر (سرمایه گذار) می تواند پوزیشن به ارزش یک میلیون دلار را فقط با داشتن تنها 1000 دلار در حسابش کنترل کند که البته به این موضوع اعتبار مضاعف⁶⁷ نیز گفته می شود به طوری که سرمایه گذار با هماهنگی و همکاری کارگذار اقدام به افتتاح حساب و سپرده گذاری می کند در صورت اعتماد و پذیرش فرد توسط کارگذار تا 100 برابر موجودی خود می تواند پوزیشن های مختلفی به معامله ارزی بپردازد. در بازار فارکس 99٪ تلاش می کنند تا 1٪ سود ببرند و به همین منظور هست که سرمایه گذار بایستی با تحلیل های تاکتیکی و ساختاری بتواند در این بازار حساس و بسیار پر خطر موفق عمل نماید.

6.7. مکانیسم انجام معاملات در بازار فارکس

همانطور که می دانید در بازار سهام عملیات خرید و فروش از طریق کارگزاران انجام می شود. در واقع کارگزاران سفارشات مشتری را انجام می دهند و بابت حق العمل خود کمیسیون دریافت می کنند. در بازار فارکس هم به همین منوال است یعنی کارگزاران از طریق شبکه های الکترونیکی به بانک ها متصل می شوند و در هر لحظه نرخ های ارز را از بانک های مختلف جمع آوری می کنند و سپس از طریق نرم افزار اختصاصی معامله که در اختیار مشتریان خود قرار داده اند نرخ های ارز را بواسطه شبکه اینترنت به نرم افزار فوق الذکر ارسال می

⁶⁷ leverage

نمایند. مشتریان نیز سفارشات خود را از طریق همان نرم افزار به کارگزار مربوطه ارائه می کنند البته استفاده از تلفن برای انجام این عملیات امکان پذیر است اما معمول نیست.

سفارش مشتری شامل چهار جزء می باشد:

1. نوع ارز،
2. قیمت،
3. تعیین خرید یا فروش
4. سایز معامله.

بر اساس همین چهار متغیر کارگزار اقدام می کند. ولی کارگزاران بازار ارز همانند کارگزاران بازار سهام کمیسیون دریافت نمی کنند بلکه اختلاف قیمت خرید و فروش به عنوان درآمد آنها محسوب می شود. برای انجام معاملات ارزی مشتری باید با یک کارگزار قرارداد بسته و مبلغی را به عنوان سپرده در بانکی که کارگزار مشخص می کند، سپرده گذاری کند. این سپرده به عنوان پشتوانه انجام معاملات می باشد و به نام خود مشتری تحت تصرف او می باشد. سپس کارگزار نام کاربری و رمز ورود به حساب را به مشتری میدهد تا بوسیله آنها مشتری بتواند از طریق نرم افزاری که در اختیارش قرار گرفته از طریق شبکه اینترنت به حساب شخصی خود دسترسی پیدا کند و به انجام مبادلات ارزی مبادرت ورزد و هر گونه تغییری که در اثر انجام معاملات ارزی حاصل می شود را به طور آنی در حساب خود ملاحظه نماید.

6.8. انواع تحلیل ها در بازار فارکس

1. تکنیکال (فنی) : نمودارها و چارت ها و جداول: تحلیل تکنیکال عبارتست از بررسی و تحلیل حرکات و مسیر نرخ در گذشته برای پیش بینی جهت حرکت در آینده (نزدیک) تکنیکالیست ها را گاهی چارتیست نیز می نامند زیرا آنها فقط به چارت ها توجه کرده و برای پیش بینی فقط از آنها

کمک می‌گیرند و به سایر روش‌های تحلیل اعتماد ندارند. تحلیل تکنیکال برای تمام بازارهایی که قیمت در آنها تحت تأثیر عرضه و تقاضا تعیین می‌شود کاربرد دارد. تحلیل تکنیکی دقیقاً شبیه پیش‌بینی هواشناسی است. همان‌طور که هواشناس از روند گذشته و جاری هوا برای پیش‌بینی آن در آینده استفاده می‌کند، سرمایه‌گذار نیز از تحلیل تکنیکی و روند گذشته و جاری قیمت سهام برای پیش‌بینی قیمت‌های آتی بهره می‌برد.

2. فاندامنتال (ساختاری) : عوامل و شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی تحلیل فاندامنتال

بررسی و مطالعه تمام عواملی می‌باشد که بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر میزان عرضه و تقاضا اثر می‌گذارند. تفاوت اصلی تحلیل تکنیکال با تحلیل فاندامنتال در نوع نگرش و تفسیر به نوسانات بازار می‌باشد. تحلیل گر تکنیکال معلول گرا و تحلیل گر فاندامنتال علت گرا می‌باشد. به عبارتی تحلیل تکنیکال مبتنی بر قیمت و حجم معاملات است و دلایل تغییر قیمت را نادیده می‌گیرد. در حالی که در تحلیل فاندامنتال همه عواملی که منجر به تغییر عرضه و تقاضا می‌شوند مورد مطالعه قرار گرفته تا ارزش جاری و آینده ارزها در برابر یک دیگر بدست آید. تعیین قیمت در بازار به انتظارات معامله‌گران از آینده قیمت بستگی دارد.

به طور کلی عوامل اقتصادی، سیاسی و مالی، ترس و نگرانی، بحران‌ها، امید و آرزو مسایلی هستند که انتظارات معامله‌گران بازار را تغییر میدهند که این امر موجب عدم تعادل بین عرضه و تقاضا و در نتیجه تغییر قیمت‌ها تا رسیدن به تعادل میگردد. هدف معامله گر فاندامنتال تشخیص همین عدم تعادل‌ها و معامله در جهت رسیدن قیمت به نقطه تعادل (و متعاقباً کسب سود) می‌باشد

6.9. چند مفهوم مهم بازار فارکس

1. **ضریب اهرمی**^{۶۸}: حداکثر ضریب اعتباری که بروکر برای انجام معامله در اختیار شما قرار می دهد که بدان لوریج یا ضریب اهرمی گفته می شود و معمولا بین 100 تا 500 است.

2. **واحد نوسانات قیمت**: کوچکترین واحد ارزی را پیپ^{۶۹} گویند. مثلا اگر قیمت خرید و فروش دلار آمریکا با یورو 1/2561 باشد و بعد از یک لحظه این عدد به 1/2564 برسد به 3 واحد تغییر 3 واحد پیپ گفته می شود البته این پیپ، پوینت^{۷۰} هم گفته می شود به عبارتی پوینت هرده هزارم برابری نرخ ارز می باشد پیپ یا پوینت می توانند ناشی از تفاوت های نرخ خرید و نرخ فروش ارزها باشد.

3. **به تفاوت بین نرخ خرید و فروش اسپرد**^{۷۱} گفته می شود. عوامل موثر در ایجاد اسپرد می تواند موارد مختلفی از جمله:

1. مقادیر ارزی که بانکها برای خرید یا فروش در نزد خود نگهداری می کنند که می توانند به عنوان درآمد برای بانک لحاظ شود.

2. هزینه

3. کارمزد

4. حق بیمه کل ساختمان بانک و سایر حق بیمه ها.

6.10 انواع وسایل نقل و انتقال ارزی

اسکناس و مسکوک یا تراول چکها: وقتی که اسکناس و مسکوک وسیله نقل و انتقال مالکیت مبلغ شخصی از شخصی به شخص دیگر باشد. انتقال با قبض و اقباض صورت می گیرد خرید و فروش ارز به صورت اسکناس و مسکوک بیشتر به صورت نقدی و در بازار های نقدی ارزی و در حجم محدود صورت می گیرد.

⁶⁸ leverage

⁶⁹ pip

⁷⁰ point

⁷¹ spread

چک ارزی: یکی دیگر از وسایل انتقال وجوه ارزی از کشوری به کشور دیگر است وقتی شخص مایل باشد مبلغ معینی را به ذینفع مستقیماً و بدون دخالت واسطه پرداخت نماید از چک ارزی استفاده می کند معمولاً در انتقالات تجاری نیز چک ارزی در حجم محدود و برای مصارف شخصی مورد استفاده قرار می گیرد. باید یادآور شد در زمان ارائه چک ارزی به بانک مقصد (پرداخت کننده) این بانک فوراً مبلغ مذکور در چک را به شخص ارائه دهنده چک پرداخت نمی کند به طوری که این بانک پس از طی مراحل مربوط به صدور اعلامیه به بانک صادر کننده چک و اطمینان از صحت برگ چک و مبلغ آن و پس از کسر کارمزد اقدام به واریز وجه چک به دارنده آن می نماید.

حواله ارزی: حواله ارزی دستور پرداخت ارزی است که یک بانک بنا به تقاضای مشتری و پس از وصول وجه آن عهده یکی از بانکهای خارج از کشور به اشکال مختلف از جمله کتبی ، تلگرافی ، تلکس و یا سوئیفتی اقدام به صدور و از آن بانک می خواهد با مبلغی معینی ارز به ذینفع پرداخت کند.

الف) تلگرافی: حالت تلگراف که بیشتر در مقاطع زمانی گذشته متداول بود توسط شرکت مخابراتی صورت می گرفت این روش نسبت به بقیه اشکال انتقال ارز از سرعت کمتری برخوردار بود.

ب) تلکسی: انتقال ارز از طریق تلکس معمولاً بین 2 بانک صورت می گرفت از نظر سرعت نسبت به تلگراف بهتر ولی نسبت به سوئیفتی از سرعت پایینی برخوردار بود.

ج) سوئیفتی⁷²: (swift) سوئیفت در حقیقت یک شبکه بین بانکی جهانی است که (جامعه جهانی ارتباطات مالی و پولی بین بانکی به عبارت دیگر سوئیفت یک شبکه مالی بین المللی بین بانکی است که پیامهای مالی را از طریق ابزارهای الکترونیکی جا به جا می کند به طوری که این روش از نقل و انتقال ارزی از همه اشکال نقل و انتقال ارز به صورت حواله ارزی هم سریعتر، دقیقتر و مطمئن تر می باشد و از طرف دیگر در

⁷² swift (Society Worldwide Interbank Financial Telecommunication)

طول سال و در 24 ساعت شبانه روز بدون تعطیلی اقدام به ارائه خدمات مالی بین المللی بین بانکی های کشورهای عضو این شبکه می نماید. شایان ذکر است که بگوییم سوئیفت فقط یک سخت افزار نیست بلکه یک فرآیند نرم افزاری است که به طور منظم در سطح جهانی اقدام به ارائه خدمات می نماید. در حال حاضر 6500 عضو از خدمات مالی بین بانکی و جهانی سوئیفت در بیش از 178 کشور دنیا و با ارسال حدود 4 میلیون پیام در طول روز از این شبکه استفاده می کنند.

6.11 انواع پیام های سوئیفتی

به منظور سهولت در امر مخابره و دریافت پیام بین سوئیفت و اعضا با یکدیگر، سوئیفت مبادرت به طبقه بندی پیام های مختلف در ده گروه صفر تا 9 به شرح زیر کرده است که گروه صفر پیام های سیستمی بین اعضا و سوئیفت و گروه یک تا نه پیام های مالی بین اعضا هستند:

1. پیام های گروه صفر: بین اعضا و سوئیفت.
2. پیام های گروه یک: انتقال وجوه بین حساب مشتریان، اعلامیه چک، دستور عدم پرداخت چک و . . .
3. پیام های گروه دو: انتقال وجوه بین بانک ها و بین حساب های مختلف یک بانک.
4. پیام های گروه سه: تأییدیه معاملات ارزی.
5. پیام های گروه چهار: وصولی ها.
6. پیام های گروه پنج: سهام و اوراق قرضه.
7. پیام های گروه شش: فلزات گران بها، وام های سندیکایی.
8. پیام های گروه هفت: اعتبار اسنادی، ضمانت نامه.
9. پیام های گروه هشت: تراول چک.
10. پیام های گروه نه: صورت حساب، اعلامیه بدهکار و بستانکار.

6.12. عضویت بانک‌های ایرانی در سوئیفت

1. سال 1364: کارشناسان بانک مرکزی بررسی‌های اولیه را برای عضویت بانک‌های ایرانی در سوئیفت انجام دادند. ارزیابی مطلوب و پیشنهاد عضویت بانک‌های ایرانی داده شده، ولی با توجه به وقوع جنگ تحمیلی و اولویت‌های اساسی‌تر به تعویق افتاد.
2. سال 1369: بانک مرکزی هیأتی را مأمور هماهنگی با بانک‌های تجاری به منظور عضویت در سوئیفت کرد.
3. سال 1370: پس از هماهنگی‌های لازم با بانک‌های تجاری تقاضای عضویت سیستم بانکی ایران توسط بانک مرکزی به سوئیفت ارایه شد.
4. سال 1371: پس از ارایه سه پیش شرط عضویت به سوئیفت، بانک مرکزی به همراه پنج بانک تجاری صادرات، ملی، تجارت، ملت و سپه در آذرماه پذیرفته شد.
5. سال 1372: پس از راه‌اندازی سایت، خرید تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و نصب آن‌ها در چهاردهم آذرماه به شبکه سوئیفت ملحق شدیم.
6. سال 1367: قبول عضویت و الحاق بانک توسعه صادرات.
7. سال 1377: قبول عضویت بانک صنعت و معدن و تقاضای عضویت بانک رفاه کارگران.
8. سال 1378: الحاق بانک صنعت و معدن و رفاه کارگران.

7. روش های پرداخت در بانکداری بین الملل

برای موفقیت در بازار رقابتی بین المللی، صادرکنندگان بایستی روش پرداخت مناسبی در مراودات تجاری خود انتخاب نمایند تا از یک سو ریسک عدم پرداخت را به حداقل برسانند، از سوی دیگر با نیازهای واردکننده نیز سازگاری داشته باشد. چهار روش پرداخت عمده در تجارت بین الملل مورد استفاده قرار می گیرد:

1. پیش پرداخت

2. حساب باز (نسیه)

3. وصولی اسنادی

4. اعتبار اسنادی

در تجارت بین الملل همیشه احتمال محقق نشدن پیش بینی های آینده (ریسک) وجود دارد. این موضوع موجب عدم اطمینان فروشنده از دریافت وجه و عدم اطمینان خریدار از دریافت کالای موضوع قرارداد می گردد. بنابر این فروشندگان ترجیح می دهند قبل از ارسال کالا یا ارائه خدمات، مبلغ قرارداد را اخذ نمایند، در حالی که خریداران تمایل دارند هر چه زودتر کالا را دریافت کنند، اما تا آنجا که می توانند وجه قرارداد را دیرتر پرداخت کنند، ترجیحاً پس از اینکه کالای خریداری شده را به فروش برسانند. لذا ضروری است در خلال مذاکرات و یا قبل از انعقاد قرارداد تجاری، فروشندگان و خریداران با توجه به میزان ریسک در هر یک از روشهای پرداخت گزینه مورد نظر خود را انتخاب نمایند. در این بخش، روش پیش پرداخت و حساب باز به صورت اجمالی و روش های وصولی اسنادی و اعتبار اسنادی که بانک به عنوان یکی از طرفین مرادده، نقش موثری دارد، به تفصیل توضیح داده می شود.

7.1. روش پیش پرداخت⁷³

در این روش، واردکننده (خریدار) پس از انعقاد قرارداد تجاری، مبلغ کالا یا خدمات موضوع قرارداد را به صورت کامل و یا بخشی از آن را پیش پرداخت و صادرکننده (فروشنده) نسبت به ارسال کالا و یا ارائه خدمات اقدام می‌نماید. پرداخت وجه نیز عمدتاً از طریق حواله یا کارت اعتباری صورت می‌پذیرد. پیش‌پرداخت، مطمئن‌ترین و مطلوب‌ترین روش پرداخت برای صادرکننده و پرخطرترین روش پرداخت برای واردکننده است. اصرار صادرکنندگان برای استفاده از این روش پرداخت، می‌تواند به از دست دادن مشتریان در بازار رقابتی منجر شود و در اینگونه موارد، واردکنندگان با سابقه و پرتجربه که از وجهه اعتباری خوبی در بازار بین‌المللی برخوردار هستند، عموماً از مراوده تجاری منصرف می‌شوند. اما در موارد یادشده زیر، ارجح است که فروشنده از روش پیش پرداخت استفاده نماید.

1. مشتری جدید است و یا مدت کوتاهی است که به فعالیت تجاری اشتغال دارد.
2. اهلیت اعتباری خریدار مورد تردید، نامناسب و یا نامطلوب است.
3. ریسک سیاسی و تجاری کشور خریدار، بالا ارزیابی می‌شود.
4. کالای موضوع قرارداد منحصر به فرد است و از تقاضای بسیار بالایی برخوردار است.
5. فروش محصولات از طریق اینترنت صورت می‌پذیرد، لذا استفاده از این روش اجتناب‌ناپذیر است.

7.2. روش حساب باز⁷⁴

⁷³ Cash-in-Advance

⁷⁴ Open Account

در این روش، پس از انعقاد قرارداد تجاری و قبل از پرداخت مبلغ قرارداد، کالای موضوع قرارداد ارسال و به خریدار تحویل می‌گردد. پرداخت وجه نیز پس از تحویل یا فروش کالا و یا پس از مدت معینی صورت می‌پذیرد. بی‌تردید، این روش مطلوب‌ترین روش پرداخت برای خریدار است، در حالی که برای فروشنده این ریسک وجود دارد که خریدار پس از دریافت کالا و یا ارائه خدمات، مبلغ قرارداد را پرداخت نکند. به دلیل رقابت موجود در بین صادرکنندگان از یک‌سو و نیز متداول بودن تامین مالی خریداران توسط فروشنندگان از سوی دیگر، استفاده از این روش پرداخت در تجارت بین‌الملل، از حجم بالایی برخوردار است. بنابراین صادرکنندگانی که تمایلی به استفاده از این روش ندارند، ممکن است بازار فروش خود را از دست بدهند. اگر چه استفاده از این روش حجم فعالیت تجاری را افزایش می‌دهد، اما ارزیابی دقیق ریسک سیاسی، اقتصادی و تجاری کشور خریدار ضرورت دارد. نکات کلیدی در روش پرداخت حساب باز:

1. کالا، همراه با اسناد حمل مرتبط، مستقیماً برای خریدار ارسال می‌گردد و مبلغ آن پس از مدت توافق شده در قرارداد پرداخت می‌شود.
2. فروشنده بایستی کاملاً اطمینان حاصل نماید که خریدار کالای دریافت شده را می‌پذیرد و در سررسید توافق شده، مبلغ قرارداد را پرداخت می‌کند.
3. شرط پرداخت حساب باز امکان رقابت موفق در بازار را فراهم می‌نماید، مشروط بر اینکه ریسک‌های احتمالی با استفاده از یکی از بدیل‌های تامین مالی مانند Factoring کاهش یابد.

7.3. وصولی اسنادی⁷⁵

وصولی اسنادی را می توان تحویل اسناد توسط بانک به خریدار، در مقابل پرداخت و یا قبولی خریدار تعریف نمود. از نظر مقررات متحدالشکل وصولی ها، "وصول" به معنای انجام امور مربوط به اسناد توسط بانک ها وفق مقررات دریافت شده است به منظور:

الف- دریافت وجه یا قبولی، یا

ب- تحویل اسناد در قبال پرداخت و یا قبولی، یا

ج- تحویل اسناد بر اساس الزامات و یا شرایط دیگر.

بانک به عنوان واسطه امین بین فروشنده و خریدار، اسناد را - که دلالت بر حمل واقعی کالا و یا انجام خدمات دارد- به درخواست فروشنده و در مقابل پرداخت وجه و یا قبولی، به خریدار تحویل می دهد. تعهد بانک در ارتباط با انجام امور وصولی، صرفاً محدود به ارسال و تحویل اسناد در قبال پرداخت و یا قبولی است. بر خلاف اعتبارات اسنادی، بانک هیچگونه مسئولیتی در قبال عدم تمایل و یا عدم توان خریدار بر ایفای تعهداتش ندارد. با وجود مزایای یاد شده، چنانچه خریدار از قبول اسناد و یا برات خودداری نماید، پیدا نمودن خریدار دیگر و یا برگشت کالا برای فروشنده هزینه هایی تحمیل خواهد نمود.

7.3.1 طرف های ذی ربط در عملیات وصولی اسنادی

1. واگذارنده یا اصیل⁷⁶: فردی است که انجام وصولی را به بانک واگذار می نماید که عموماً

فروشنده (صادرکننده) است .

2. بانک ارسال کننده⁷⁷: بانکی است که اصیل انجام امور وصولی اسنادی را به آن واگذار می کند.

⁷⁵ Documentary Collection

⁷⁶ Principal

3. بانک وصول کننده^{۷۸} : هر بانکی به جز بانک ارسال کننده که در امر وصولی نقش دارد.

4. بانک ارائه کننده^{۷۹} : بانک وصول کننده ای است که اسناد را به برات گیر ارائه می دهد.

5. برات گیر^{۸۰} : شخصی است که اسناد، وفق دستور وصولی، باید به وی ارائه گردد.

7.4. اعتبار اسنادی^{۸۱}

اعتبار اسنادی تعهدی از بانک است که به خریدار و فروشنده داده می شود. تعهد می شود که میزان پرداختی خریدار به فروشنده بموقع و با مبلغ صحیح به دست فروشنده خواهد رسید. هرگاه که خریدار قادر به پرداخت مبلغ خرید نباشد، بانک موظف است باقیمانده یا تمام مبلغ خرید را بپردازد. اعتبارات اسنادی اغلب در معاملات بین المللی به منظور اطمینان از دریافت مبالغ پرداختی مورد استفاده قرار می گیرد بدلیل ماهیت معاملات بین المللی که شامل عواملی همچون مسافت و تفاوت قوانین کشورها و... اعتبارات اسنادی یک جنبه بسیار مهم در تجارت بین المللی شده است. بانک همچنین به نیابت از خریدار که نگهدارنده اعتبارات اسنادی است تا زمان دریافت تائیدیه که کالاهای خریداری شده حمل شده اند وجه را پرداخت نخواهد کرد. مزایای اعتبارات اسنادی:

1. اطمینان فروشنده از اینکه پس از ارایه اسناد حمل وجه اعتبار را مطابق شرایط اعتبار از بانک کارگزار یا تایید کننده دریافت میکند.
2. امکان کنترل تاریخ حمل و تحویل نهایی کالا.
3. تحویل اسناد حمل مطابق با مفاد موافقت اولیه تحت شرایط قرارداد میان طرفین
4. اطمینان از اینکه پرداخت وجه اعتبار به فروشنده فقط بعد از انتقال و فک مالکیت کالا از وی صورت میگیرد.

⁷⁷ Remitting Bank

⁷⁸ Collecting Bank

⁷⁹ Presenting Bank

⁸⁰ Drawee

⁸¹ Documentary Letter of Credit

5. امکان کسب تسهیلات بیشتر برای فروشنده در مقابل اعتبار گشایش یافته برای تهیه کالای سفارش شده.

6. تعهد بانک برای پرداخت بها در معاملات بجای فرد فروشنده

7.5. انواع اعتبار اسنادی

1. اعتبار اسنادی وارداتی یا صادراتی: به اعتباری که خریدار برای واردات به کشور خود

گشایش می کند اعتبار وارداتی و این اعتبار از لحاظ فروشنده کالا که در کشور دیگر قرار دارد اعتبار صادراتی میباشد.

2. اعتبارات اسنادی قابل برگشت⁸²: در این نوع اعتبار ، خریدار و یا بانک گشایش کننده

اعتبار میتواند بدون اطلاع ذینفع ، هرگونه تغییر یا اصلاحی در شرایط اعتبار بوجود آورد(بدون اجازه فروشنده) واضح است از این نوع اعتبار استفاده چندانی نمیشود زیرا فروشنده اطمینان لازم را نسبت به پایدار ماندن اعتبار و انجام تعهدات خریدار ندارد.

3. اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت⁸³ : در اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت هرگونه تغییر

شرایط اعتبار از جانب خریدار یا بانک گشایش کننده اعتبار موقوف به موافقت و رضایت فروشنده بوده. فروشنندگان معمولاً از این گونه اعتبار استقبال بیشتری میکنند. براساس آخرین مقررات اتاق بازرگانی بین الملل در صورت عدم تصریح و سکوت در اعتبار اسنادی مبنی بر قابل برگشت یا غیر قابل برگشت بودن آن ، اعتبار غیر قابل برگشت خواهد بود.

⁸² Revocable L/C

⁸³ Irrevocable L/C

- 4. اعتبار اسنادی تایید شده**⁸⁴: اعتباری است که خریدار ملزم میشود تا اعتبار صادره از سوی بانک خود را به تایید هر بانک معتبر دیگر که مورد نظر فروشنده است، برساند. این نوع اعتبار اسنادی حاکی از اطمینان نداشتن به حیثیت اعتباری بانک صادر کننده و یا وضعیت متزلزل سیاسی یا اقتصادی کشور خریدار است. هم اکنون بسیاری از فروشندگان خارجی تقاضای اعتبارات تایید شده از خریداران ایرانی میکنند که این مسئله به دو دلیل میباشد اولاً وضعیت سیاسی و اقتصادی متزلزل ثانیاً در سالهای پس از جنگ ایران و عراق بدلیل کمبود ارز در سیستم بانکی کشور، بانک مرکزی خریداران را به به گشایش اعتبارات یوزانس (نسیه) ترغیب کرد در حالیکه بانک مرکزی در زمان سررسید اعتبارات توانایی پرداخت مبلغ اعتبار را نداشت که باعث تاخیرهای بلند مدت در پرداخت مبلغ اعتبارات به فروشندگان شد که باعث بی اعتمادی فروشندگان به بانکهای ایرانی شد.
- 5. اعتبار اسنادی تایید نشده**⁸⁵: این نوع اعتبار در شرایط متعارف و بدون نیاز به تایید بانک دیگری گشایش می یابد. اگر در شرایط اعتبار کلمه **Confirmed** ذکر نشود آن اعتبار تایید نشده تلقی میشود.
- 6. اعتبار اسنادی قابل انتقال**⁸⁶: به اعتباری گفته میشود که طبق آن، ذینفع اصلی حق دارد همه یا بخشی از اعتبار گشایش شده را به شخص یا اشخاص انتقال دهد. در واقع این نوع اعتبار یک امتیاز برای فروشنده محسوب میشود.

⁸⁴ Confirmed L/C

⁸⁵ Unconfirmed L/C

⁸⁶ Transferable L/C

- 7. اعتبار اسنادی غیر قابل انتقال**⁸⁷: به اعتباری گفته میشود که ذینفع حق واگذاری کل یا بخشی از آن را به دیگری ندارد. در تجارت بین الملل عرف بر غیر قابل انتقال بودن اعتبار است و همچنین در ایران برای گشایش اعتبار قابل انتقال نیاز به مجوز بانک مرکزی میباشد.
- 8. اعتبار اسنادی نسبی یا مدت دار (یوزانس)**⁸⁸: اعتباری است که وجه اعتبار بلافاصله پس از ارائه اسناد از سوی ذینفع ، پرداخت نمیشود بلکه پرداخت وجه آن، بعد از مدت تعیین شده صورت میگیرد. در واقع فروشنده به خریدار مهلت میدهد که بهای کالا را پس از دریافت و فروش آن بپردازد. معامله یوزانس معمولاً در کشورهایی انجام میگیرد که کمبود ارز دارند.
- 9. اعتبار اسنادی دیداری**⁸⁹: اعتباری است که طبق آن بانک ابلاغ کننده پس از رویت اسناد حمل ارایه شده از طرف ذینفع (فروشنده)، در صورت رعایت تمامی شرایط اعتبار از سوی وی ، بلافاصله وجه آن را پرداخت میکند.
- 10. اعتبار اسنادی پشت به پشت (اتکایی)**⁹⁰: این نوع اعتبار اسنادی متشکل از دو اعتبار جدا از هم است. اعتبار اول به نفع ذینفع گشایش می یابد که خود به هر دلیلی قادر به تهیه و ارسال کالا نیست. به همین جهت با اتکا بر اعتباری که به نفع وی گشایش یافته است اعتبار دیگری برای فروشنده دوم (ذینفع دوم) که میتواند کالا را تهیه و ارسال کند ، از طرف ذینفع اول گشایش می یابد.

⁸⁷ : Untransferable L/C

⁸⁸ Usance L/C

⁸⁹ At Sight L/C

⁹⁰ Back to Back L/C

11. اعتبار اسنادی ماده قرمز⁹¹: در این نوع اعتبار فروشنده میتواند قبل از ارسال کالا، وجوهی را بصورت پیش پرداخت از بانک ابلاغ کننده یا تایید کننده دریافت کند. علت این نام گذاری آن است که اولین بار که این اعتبار گشایش یافت بانک بازکننده اعتبار برای جلب توجه بانک ابلاغ کننده شرایط اعتبار را که به مقداری از وجه اعتبار را به عنوان پیش پرداخت به ذینفع پرداخت میکند را با جوهر قرمز نوشت که از آن به بعد به اعتبار ماده قرمز معروف شد.

12. اعتبار اسنادی گردان⁹²: اعتباری است که پس از هر بار استفاده ذینفع از اعتبار، همان مبلغ اسناد تا سطح اعتبار اولیه افزایش می یابد در واقع بدون احتیاج به افتتاح یا اصلاح اعتبار جدید، اعتبار موجود خود به خود تجدید میشود.

⁹¹ Red Clause L/C

⁹² Revolving L/C

منابع

1. ارزش، پول، تورم/ تالیف حبیب‌الله تیموری.- [تهران]: سازمان حسابرسی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، ۱۳۷۵.
2. ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران/ مسئول اجرای طرح حسین میرجلیلی [برای] وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.- تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۴.
3. آشنایی بیشتر با عقود اسلامی در ارتباط با قانون عملیات بانکی بدون ربا.- تهران: موسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۲.
4. اطلاعات کلی و عمومی درباره عملیات بانکی بدون ربا/ اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.- [تهران]: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ...، [۱۳--].
5. اقتصاد پول/ تالیف: ابراهیم بیضایی.- تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه هوایی، ۱۳۷۳.
6. اقتصاد کلان رشته مدیریت، تالیف دکتر محسن نظری، انتشارات نگاه دانش، 1380
7. بانکداری اسلامی/ عباس موسویان.- تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۸.
8. بانکداری اسلامی/ عباس موسویان.- ویرایش ۲.- تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۱.
9. بانکداری اسلامی: تبلوری از کاربرد اقتصاد اسلامی/ علی اصغر هدایتی.- مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
10. بانکداری اسلامی: تجهیز و تخصیص منابع... شیوه‌های نظارت/ تالیف سعید جمشیدی.- تهران: شکوه اندیشه، ۱۳۸۰.
11. بانکداری بدون بهره/ نوشته: نجات الله صدیق؛ ترجمه و اقتباس: اکبر مهدی پور عطاءآبادی.- تهران: سروش، ۱۳۶۱.
12. بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل/ عباس موسویان.- تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
13. بانکداری داخلی - ۱ (تجهیز منابع پولی)/ تالیف: محمد بهمند، محمود بهمنی.- تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
14. بانکداری داخلی - ۱ (تجهیز منابع).- تهران: کتاب فرزانه، ۱۳۷۹.
15. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران/ تالیف میثم موسائی؛ [برای] موسسه تحقیقات پولی و بانکی، پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.- تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹.
16. بنیادهای عمومی بانک در جامعه اسلامی/ تالیف محمد باقر صدر؛ ترجمه جمال موسوی.- تهران: روزبه، ۱۳۵۸ = ۱۳۹۹ق.

17. بهره یا ربا؟ گفتگو درباره مفاهیم بهره و ربا/ عباس موسویان، موسی غنی‌نژاد. - تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۴.
18. پول در اقتصاد اسلامی/ مولفان پرویز داوودی، حسن نظری، حسین میرجلیلی. - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۴.
19. پول و ارز و بانکداری (رشته حسابداری)/ جمشید پژویان. - تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۴.
20. پول و ارز و بانکداری/ تالیف اصغر مشبکی. - تهران: ماجد، ۱۳۷۲.
21. پول و بانک.../ تالیف باقر قدیری اصلی. - تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
22. پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری/ تالیف ایرج توتونچیان. - تهران: توانگران، ۱۳۷۹.
23. پول و بانکداری نوین/ راجر لروی میلر، رابرت دبلیو. پلسانیلی؛ ترجمه احمد ناهیدی. - تهران: امیرکبیر نشر دانش آموز، ۱۳۷۴.
24. پول و نظامهای پولی به ضمیمه تاریخ پول از آغاز اسلام تا زمان غیبت/ بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. - قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۵.
25. پول؛ ترجمه مجتبی الهی خراسانی. - مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، گروه کودک و نوجوان، ۱۳۷۳.
26. پول، ارز و بانکداری، تالیف دکتر یوسف فرجی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، 1378
27. پول، ارز و بانکداری، تالیف فردریک میشکین، ترجمه دکتر جهانخانی، انتشارات سمت، 1381
28. پول، ارز و بانکداری/ مجتبی زمانی فراهانی [تهران]: نشر ترمه، ۱۳۷۸.
29. پول، ارز و بانکداری/ مولف یوسف فرجی؛ ویراستار علمی ایرج توتونچیان. - تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۷.
30. پول، بانک، صرافی/ محمدحسین ابراهیمی. - قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۶.
31. پول، تنها ارزش و معیار ارزش‌ها/ فریدون آموزگار. - تهران: فرزین، [۱۳۵۰].
32. پول، نظام پولی بین‌المللی و بحران آن/ استاد نی چنکو؛ ترجمه ناصر زرافشان. - تهران: پابیروس: پیشبرد، ۱۳۶۸.
33. تورم راهنمایی بر بحران تئوری اقتصادی معاصر/ تالیف: ج. تروی ٹیک؛ ترجمه حسین عظیمی، حمیدرضا غفارزاده. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
34. در رابطه با ربا و جواب و سخنی با بانکها/ از نوری همدانی. - مهدی موعود، ۱۳۸۲.
35. راهنمای نظریه عمومی کینز/ نوشته آلوین هانسن؛ ترجمه منوچهر کیانی. - تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.

36. ربا و بانکداری اسلامی / مکارم شیرازی تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی. - قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۶.
37. ربا، بهره، سود، از نظر فقهی و اقتصادی و قانون بانکداری اسلامی و مبانی فقهی نظام مشارکت در... / تالیف محمد محمودی گلپایگانی. - تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۱.
38. روشهای تجهیز منابع پولی و اعطای تسهیلات / حشمت مولایی. - مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.
39. سیاست‌های اقتصادی در اسلام / سعید فراهانی فرد؛ [برای] پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. - تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
40. سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی-اقتصادی) / سعید فراهانی فرد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. - قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۸.
41. عضدانلو، حمید؛ آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نی، 1386، چاپ دوم.
42. عقود اسلامی در نظام بانکی بدون ربا؛ فروشی اقساطی، مشارکت مدنی. و مضاربه در سالها ۶۹-۱۳۶۸ و مقایسه آن با سالهای ۶۷-۱۳۶۳ / شهلا بختیاری. - تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۳.
43. عملیات بانکی داخلی ۲: تخصیص منابع / تالیف علی اصغر هدایتی، علی اصغر سفری، حسن کلهر. - [تهران]: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش بانکداری، ۱۳۶۷.
44. فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزشها / ابوالحسن دیانت. - تبریز: نیما، ۱۳۶۷.
45. کار، ادوارد هالت؛ بررسی پیشگامان سوسیالیسم، یحیی شمس، تهران، امیرکبیر، 1364، چاپ اول.
46. گروه بانک اسلامی توسعه / حسین میرجلیلی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.
47. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، 1378، چاپ پنجم.
48. ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن / احمد علی یوسفی. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.
49. مجموعه سخنرانیها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی / برگزار کننده مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. - تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۰.
50. مجموعه سخنرانی‌های ماهانه سال ۱۳۷۹. - تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکی (پژوهشکده)، ۱۳۸۰.
51. مجموعه مقالات اقتصادی / غلامرضا مصباحی. - تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۳.

52. مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی: مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی ۱۰ شهریورماه ۱۳۸۱/ برگزار کننده موسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.- تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۱.
53. مدیریت ریسک، نوسانات نرخ ارز و بهره/ مهدی رشیدی.- تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۷۹.
54. مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه/ مرتضی مطهری.- تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
55. مسأله ربا و بانک/ نوشته اکبر طاهری.- تهران: قلم، ۱۳۵۸.
56. مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی/ گردآوری محسن س. خان، عباس میرآخور؛ ترجمه محمد ضیائی بیگدلی.- [تهران]: مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۰.
57. ملکی، خلیل؛ تاریخ سوسیالیسم، تهران، رواق، زمستان 1375، چاپ دوم، .
58. Anna j.schwartz, "Banking School, Currency School, Free Banking School," The New Palgrave Dictionary of Economics, Vol.1,1987
59. B. Hilton, 'corn laws' , in: The New Palgrave Dictionary of Economics,vol. 1,1987
60. Bentham, Jeremy, "An Introduction to the Principles of Morals and Legislation", Batoche Books,Kitchener,1781.
61. Brian Snowdon and Howard Vane, "Modern Macroeconomics; its origins, Development and Current State", Edward elgar, 2005
62. C.Welch,"Utilitarianism",in:The New Palgrave Dictionary of Economics,Vol.4,
63. Denis p.o Brien , "classical Economics" in: warren Samuels, jeff Biddle and john Davis (eds), A companion to the history of Economic thought", Blackwell publishing ,2003.
64. Gregory Bresiger,"Laissez fair and little Englanderism: The Rise,Fall,Rise and fall of the Manchester school",Journal of libertarian studies,Vol.13,No.1,summer 1997.
65. Jacob Oser,"The Evolution of Economic thought",2nd edition,Harcourt,Brace&world Inc.Publisher,1970
66. Jonathan Riley, "utilitarianism and economic theory", in: the new Palgrave dictionary of economics, 2nd edition, 2008.
67. Joseph T. salerno, "The neglect of the French liberal school in Anglo- American Economics: a critique of received explanations", The Review of Austrian Economics, 1988, Review of Austrian Economics.
68. Mankiw, N. Gregory (2007). Macroeconomics (6th ed.). New York: Worth Publishers.

69. Mishkin, Frederic S. (2007). *The Economics of Money, Banking, and Financial Markets*
Boston
70. Monro, D. H., "Utilitarianism" in: *The Dictionary of the History of Ideas*, University of Virginia publication, 2003.
71. Peter Groenewegen, "Political Economy", in: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol.3,
72. R.F.Hebert, "Say (Jean-Baptiste) Leon", in: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol.4, 1987
73. Rosen, Frederick, "classical utilitarianism from Hume to Mill", Rotledge, 2003.
74. Thomas M.Humphrey, "Banking school" in: *Mac Graw –Hill Encyclopedia of Economics*, 1994
75. Thomas M.Humphrey, "Currency school" in: *Mc Graw –Hill Encyclopedia of Economics*, 1994
76. Tom Warke, "A reconstruction of classical utilitarianism", Sheffield university, 2000.
77. Tom Warke, "classical utilitarianism and the methodology of determinate choice, in economics and in ethics", *journal of economic methodology*, vol.7, no.3, 2000.
78. William Grampp, 'Cobden, Richard' , in: *The The New Palgrave Dictionary of Economics*, vol. 1, 1987
79. William Grampp, "Bright, John", in: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol.1, 1987
80. William Grampp, "Manchester School", in: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol, 1987